

عذليب





عندليب

نشریه محفل روحانی ملی بھسیان کانادا
بربان فارسی

شماره ۵۸ «مسل»

No. 58

سال پانزدهم

Volume 15

بهار ۱۵۳ بیع

۱۳۷۵ شمسی

Spring 1996

'Andalib

7200 Leslie Street, Toronto, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN
PUBLICATIONS MAIL SALES
PRODUCT AGREEMENT NO. 680400
RETURN POSTAGE GUARANTEED

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست

صفحه	عنوان
۲	۱ - لوح مبارك جمال قدم جلّ جلاله
۴	۲ - سه لوح از حضرت مولی الوری جلّ شأنه
۶	۳ - پیام های بیت العدل اعظم الهی
۲۸	۴ - پیشرفت عملیات ساختمانی قوس کوه کرمل
۳۰	۵ - کتاب مفاوضات چگونه به وجود آمد ؟
۴۱	۶ - قصه در آثار بهائی
۴۶	۷ - عشق بین با عاشقان آمیخته
۴۸	۸ - شعر و ادب فارسی (غنچه)
۴۹	۹ - اسم اعظم
۵۹	۱۰ - شعر (عید رضوان)
۶۰	۱۱ - کتاب مستطاب اقدس
۶۳	۱۲ - مآخذ اشعار در آثار بهائی
۶۷	۱۳ - معرفی کتاب
۶۸	۱۴ - دانستنیها
۷۰	۱۵ - اخبار و بشارات امریه
۷۴	۱۶ - اخبار مصوّر
۷۸	۱۷ - نامه هائی از خوانندگان

عکسها :

روی جلد :

خارج : تراسهای قسمت پائین مقام اعلی در جبل ربّ که چراغهای آن نصب گردیده .

داخل : عکس حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس

پشت جلد :

خارج : حضرات ایادی امرالله در جوار قصر بهجی

داخل : اعضا محفل روحانی بوشهر در قرن اول بهائی (فرستنده آقای بدیع ندیمی)

نعمتہ اللہ علیہ صبا آہنہ
بسم من میثی و یطیق فی البجن

یا نعمتہ اللہ از برای نعمت مراتب لایہایہ بودہ و خواہد بود در کتاب پروردگار تو و پروردگار عالمیان
اول نعمتیکہ بہیکل انسانی عنایت شد خرد بودہ و بہت و مقصود از اعرافان حق جل جلالہ بودہ است
مدرک و اوست ہادی و اوست مبین و در رتبہ ثانیہ بصراست چہ کہ آگاہی عقل از گواہی بصربود
و خواہد بود و تحسین سمع و فواد و سایر نعمت ہا کہ در یکل انسانی ظاہر و مشہود است تعالی
تعالی قادریکہ این توارا در شخص انسانی خلق فرمودہ و ظاہر ساخت در ہر کدام آثار عظمت و قدرت
و قوت و احاطہ حق جل جلالہ ظاہر و مشہود است در قوہ لامسہ کرمنا کہ جمیع بدن را احاطہ نمودہ
مقر سمع و بصر واحد و مقرر و تمام بدن جلت عظمتہ و کبر سلطانہ این در مقام انسان ذکر شد
ولکن نعمت کلیہ حقیقیہ الہیہ نفس ظہور است کہ جمیع نعمتہای ظاہرہ و باطنہ طائف حول اوست
در حقیقت اولیہ مادہ سمانیہ او بودہ و خواہد بود اوست حجت اعظم و برہان اقوم و نعمت اتم
و رحمت استق و عنایت اکمل و فضل اکبر ہر نفسی الیوم اقبال نمود او بنعمت الہی فائز است ان شکر
ربک بند الفضل العظیم و قل لک الحمد یا مقصود العارفین البہا علی ابیک و علی کل مومن مستقیم

هو الله

بلاط جنب جبر کا مہر علامہ بند عبد بے

آبادہ جنب منقہ الدولہ علیہ بجا تہ اللہ اکبر

ہو الاهی

ای بندہ جانفشان جمال ابھی در قرآن حضرت رحمان میفرماید ان تضرعوا لله یضرکم و در این
دور الہی نصرت باخلاق رحمانی است و بیان حکم و اسرار آسمانی احمد لله احتیاج بسیف و سنن
و تیغ بر آن و قوت بازوی مردان نہ، روح است و ریجان امن است و امان صلح است و
صلح صدق است و ایقان انقطاع است و وجدان صدقہ ار جان قربان بیان
حضرت جانان کہ در الواح اشراقات میفرماید در آن معانی وقت نمایند و ملاحظہ فرمائید کہ
جنت ابھی چه قدر پر ملاحیت و حلاوت و طراوت و لطافت است فاعتبروا یا اولی الابصار
قیاس بقرون اولی نمایند عنقریب این پر تو تقدیس چنان بدخش کہ شرق و غرب عالم
مطلع آفتاب حقیقت گردد و علیک البہار یا من انجذب بنفحات اللہ ع ع

بلاطہ جنب زائر کا حسیفہ
جنب کا حمزہ تبسیر علیہ بہارتہ

ہوئے

ای یار حق پرست کلمہ حق در افواہ نس متداول ولی کل آزان غافل لفظی بر زبان برانند ولی از معنی
آن ز اهل نام پرستند نہ صاحب نام بدامن اسم بیاورند ولی با ستمی نیامیزند اینست سبب احتجاب
کل احمد للہ تو حق را یافتی و صاحب نام را شناختی و با تش محبت حق بگذاختی و علم ثبوت پریمیان
برافراختی در آئندہ انشاء اللہ ما ذون حضور خواہی شد و علیک البہاء الابیہ ع ع

بلاطہ قانیر صاحبہ اسکونی
جنب شہد رضا علیہ بہارتہ

ہوئے

ای ناظر بافق اعلیٰ راہ رضا پیما و بقضای جانفزای ملکوت ابھی روی نما و بادہ پیمان ہمیا
نغمہ قدسی از کوی دوست بگیر و منجذب روی یار مہربان شو تا آشفته آن موی مشکبار گردی و خوی
عاشقان بفرار جوئی و در کوی جانان مقرر گرینی مرغ گلستان حقیقت شوی و مانند بلبل در گلشن معنوی
گلبارک الہی بند کنی و علیک التجیۃ و الثناء ع ع

ترجمه

پیام بیت العدل اعظم

خطاب به بهائیان عالم

رضوان ۱۵۲

یاران عزیز الهی :

با قلبی طافح از شکرانه و امتنان به ساحت جمال قدس منان ، شمول الطاف و عنایات لانهایه الهیه را در طی نقشه سه ساله ای که در این عید اعظم پایان می پذیرد سپاس می داریم . اثرات حیات بخش سال مقدس در آغاز نقشه مزبور در رضوان ۱۹۹۲ مورث تحرک و شور و شوقی گردید که در سراسر این دوره مشحون از مساعی مجلّانه مشهود بود و سبب گردید که جامعه جهانی بهائی بیش از پیش انسجام یابد و نیرومندی و بلوغ و اطمینان حاصل کند و در عین حال حیثیت و اعتباری بمراتب افزوتر از قبل بدست آورد . گرچه نقشه سه ساله ، با وجود افزایش قابل ملاحظه تعداد احباء در کشورهای مختلف ، با ازدیاد چشمگیر اعضاء جامعه بهائی خاتمه نیافته و لکن از نظر کیفی جامعه را تقویت نموده و برای استفاده از فرصت های موجود آماده ساخته است .

در بین اقدامات قابل سنجش و اندازه گیری این دوره ، پیشرفت شکوهمند مشروعات جبل کرمل حائز برتری ویژه ای است . با وجود مشاكل بی شمار ، ساختمان این مشروعات در این زمان به همان مرحله ای رسیده است که در پیام افتتاحیه نقشه سه ساله پیش بینی شده بود . ساختمان تمام مشروعاتی که مورد نظر بوده آغاز گردیده است . اسکلت ساختمان مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص و بنای ضمیمه دارالآثار بین المللی ساخته شده و ساختمان این مشروعات به مرحله تزیین و تکمیل در خارج و داخل بنا رسیده است . ساختمان مقر دارالتبلیغ بین المللی یعنی سوئمن بنا از ابنیه ای که در حال حاضر در اطراف قوس کرمل ساخته می شود با سرعت به پیش می رود . هفت طبقه از طبقات ذیل مقام اعلی تکمیل گردیده و منظره پایان شکوهمند این مشروع را که از پای تا رأس کوه مقدس خداوند ادامه خواهد داشت در نظر مجسم مینماید . زیبایی نقشی که در اثر این ساختمان ها بر کوه کرمل گسترده خواهد شد از هم اکنون مایه شگفتی و اعجاب ناظران است .

جنبه های صوری و ملموس پیشرفت که این چنین شگفت انگیز تحقق یافته دلیل بر موفقیتی مهمتر یعنی تحقق وحدت آرمان در سراسر جامعه جهانی بهائی به منظور ادامه چنین اقدام عظیم دسته جمعی است . شدت علاقه مندی و پشتیبانی یاران در این مورد بصورت تقدیم تبرعات بنحوی بی سابقه ظاهر گشته که خود نشانه آن درجه از فداکاری است که از کیفیت ایمان و سخاوت درونی دلدادگان جمال رحمن در سراسر جهان حکایت می کند . تبرعاتی که برای مشروعات کوه کرمل اهداء شده هدف نقشه سه ساله را که جمع آوری هفتاد و چهار میلیون دلار بود به انجام رسانده و خود شاهد استثنائی و ملموس دیگری است که موجب حصول اطمینان از تأمین کمک

مالی لازم برای تکمیل این مشروعات تا خاتمه این قرن است .

علائم پیشرفت در سه سال گذشته در زمینه هائی وسیع و گوناگون ملاحظه می شود ، کوشش های قابل ملاحظه در راه توسعه و تحکیم جامعه ، افزایش اقدامات مربوط به توسعه و عمران اقتصادی و اجتماعی ، و اقدامات بی سابقه در زمینه روابط خارجی جامعه بهائی کلاً جامعه ای را مجسم می سازد که واجد قابلیت هائی جدید شده است .

مساعی مبذوله در عرصه تبلیغ امرالله بطور کلی افزایش داشته است . تشکیل دوازده محفل روحانی ملی جدید در طی نقشه سه ساله و ازدیاد قابل توجه مهاجرین و مبلغین سیار حاکی از این افزایش است . یاران الهی در بسیاری از کشورها در اثر اقدامات بدیعی که در جریان نقشه برای اقدام به امر هجرت پیشنهاد شد شور و شوقی جدید یافتند . تعداد مهاجرین اعزامی از ممالک و نیز تعداد مهاجرینی که در کشورهای گوناگون استقرار یافتند افزایش بسیار داشت و برآستی سیلی از مبلغین سیار در داخل کشورها و در صحنه بین المللی به خدمت اشتغال جستند . فعالیت های دسته جمعی ناشرین نفحات الله که با ترتیبی منظم قیام نمودند و طرح های تبلیغی دراز مدت که دارای اهداف مشخص و دقیقی بودند نتایج بسیار به بار آورد و در تعدادی از ممالک بی سابقه بود .

قوا و ابتکاراتی که در اقدامات گوناگون به منظور توسعه نطق و تحکیم مبانی امر الهی به منصف ظهور رسید بمیزان زیادی مرهون مساعی و هم دارالتبلیغ بین المللی است ، هدایت و تشویق مستمر هیأت های مشاورین قاره ای ، اتخاذ روش های جدید برای اعزام مهاجرین که در پیام بیت العدل اعظم صادره در نخستین ماههای شروع نقشه بمنظور ترغیب یاران الهی به مهاجرت مورد تأیید قرار گرفته بود ، مساعدت منظم به لجنات قاره ای مهاجرت که زیر نظر دارالتبلیغ بین المللی قرار دارد ، بذل توجه بلاانقطاع به نیازمندیهای تربیتی جامعه در ضمن ارتباط دارالتبلیغ با مشاورین در باره گنجاندن برنامه های تزئید معلومات امری برای مصدقین جدید در طرح های تبلیغی ، طراحی دوره های آموزشی برای تعلیم و پرورش استعدادهای گوناگون ، تربیت مربیان برای نونهالان ، ازدیاد کلاسهای تربیت امری برای اطفال و بالاخره تشویق و ترغیب لازم برای تأسیس مؤسسات آموزشی در مناطق مختلف جهان - همگی ثمرات و نتایج بهیه ببار آورده است . همچنین اقدام دارالتبلیغ بین المللی که با کمک مشاورین برای تعداد روز افزونی از ممالک مجموعه ای از آثار امری را بعنوان کتب مقدماتی اصلی انتخاب نموده اند در خور تقدیر و فیر است . در اثر اجرای چنین برنامه هائی بعضی از کتب امری که برای تبلیغ امرالله و تزئید معارف امری احباء ضروری است انتخاب و بتعدادی کثیر طبع گردیده و با قیمتی نازل در اختیار یاران قرار گرفته است .

پیشرفت چشمگیر و رشد و بلوغ این مؤسسه مهم که در مرکز جهانی بهائی فعالیت دارد در تهیه مقدمات و تشکیل کنفرانس مشاورین در دسامبر گذشته مشهود بود ، کنفرانسی که برنامه خدمات مشاورین را که صاحب منصبان عالیرتبه امر بهائی هستند در سالهائی که بلافاصله در پیش است مشخص ساخته است .

پیشرفت دیگری که حاصل گردید ازدیاد محسوسی در میزان قبول مسئولیت احبای بومی برای خدمات تبلیغی و تزئید معارف امری در کشورهای خود بود . در مناطقی که به مشاغل و متاعب شدید دچار بودند از

جمله آنگولا ، کامبوج ، لیبریا و سیرالیون احباء در زمینه تبلیغ امرالله که موجب اقبال نفوس کثیره گردیده و یا تأسیس و تجدید فعالیت محافل روحانی و یا ایجاد و ادامه طرح های توسعه و عمران به انتصارات مهمی دست یافتند . در کشورهایی که اخیراً محافل روحانی ملی در آنها تأسیس شده مانند کشورهای واقع در شرق اروپا و شوروی سابق ، احباء در اداره امور امری استعداد و قابلیت شایان تحسینی ابراز داشته اند . یکی از پدیده هایی که در این دوره جلب توجه نمود ظهور و بروز شجاعت و خلاقیت و توانمندی در جوامع بهائی جزائر پراکنده در سراسر عالم بود . فعالیت های بسیار متنوعی در این جوامع انجام گرفت که مشتمل بود بر قیام مبلغین محلی ، تعلیم و اعزام تعداد قابل ملاحظه ای از مبلغین سیار به جزائر مجاور ، افتتاح مدارس ابتدائی ، ایجاد فرصت های متعدد برای اعلان امرالله و ترتیب و اجرای برنامه هایی که مقامات عالیرتبه و صاحبان نفوذ در آن حضور داشتند . این حقیقت که در سالهای اخیر تعدادی از رهبران دولت های این جزائر از مرکز جهانی بهائی دیدن نموده اند نشانه فعالیت شایان توجه احبای این جزائر کوچک است که در دریاها و سراسر جهان پراکنده اند . مثال هایی که از نحوه برخورد و کوشش یاران الهی در موارد مختلف ذکر شد حاکی از افزایش تعهد آنان نسبت به خدمات تبلیغی و استواری و بلوغ روز افزون آنان و نشانه ای از عمق ایمانی است که در بین جوامعی کاملاً متفاوت مورث شوق به خدمت در احباء می گردد .

هم آهنگ با اقدامات فوق الذکر جوانان نیز در سبیل تبلیغ و تقویت جوامع کوشش نمودند . مساعی آنان در این دوره سه ساله ابعادی جدید داشت . در نتیجه برگزاری کنفرانس های جوانان و اجتماعات دیگری که موافق با ذوق آنان تشکیل گردید ، جوانان در سراسر جهان با مشارکت در سفرهای تبلیغی در داخل و خارج ممالک خود و بصورت گروه های کوچک در اقدامات دسته جمعی تبلیغی شرکت کردند و وقت و قوا و شور و اشتیاقی فراوان در خدمات تبلیغی مصروف داشته سبب شدند که صدها نفر به امر الهی اقبال نمایند و محافل روحانی محلی بسیاری تأسیس گردد . از وجود مشخصه اقدامات جوانان به کار گرفتن موسیقی و سایر هنرها بعنوان وسائلی برای اعلان امرالله و نشر نفحات الله در بسیاری از نقاط بود و رواج یافتن کارگاههای رقص و نمایش (Dance & Drama) workshops بنحو اخص در این زمینه مؤثر واقع گردید . مشارکت جوانان در روابط خارجی امکاناتی جدید برای امر الهی بوجود آورد . تعهد یکسال خدمت بیش از پیش رواج یافت و همزمان با آن تعداد جوانانی که به تحصیلات رسمی برای اخذ درجات علمی ، تخصصی و حرفه ای اشتغال دارند افزایش قابل ملاحظه ای پیدا نمود . این جریانات بطور کلی حاکی از آنست که جوانان در ضمن آنکه بیشتر به خدمات امری اشتغال دارند برای توسعه و پیشرفت اجتماع نیز فعالیت می کنند .

نشانه های تحکیم مبانی جامعه همچنین در افزایش مشارکت یاران الهی در خدمات توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی بویژه در تعلیم و تربیت مشهود بود . در موردی بسیار قابل توجه یکی از دولت ها از بهائیان تقاضا کرد که مسئولیت اداره هفت مدرسه از مدارس دولتی را بر عهده گیرند احباء نیز با پشتیبانی دفتر خدمات اجتماعی

و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی این خدمت را آغاز کردند . شایسته تذکر است که در افریقا جامعه های بهائی که در اثر اغتشاشات سیاسی در کشورشان در تبعید تشکیل گردیده به تأسیس مزارع کشاورزی و مشروعات دیگر ادامه داده اند و این امر به میزان زیادی سبب خودکفائی آنان شده است . سعی و کوشش در اعتلاء مقام نسوان با شتابی بیشتر پیشرفت نموده و در تعدادی از کشورها علاوه بر شرکت احباء در طرح هائی که از طرف سازمانهای دیگر ترتیب یافته ، مؤسسات امری لجنات و دفاتری برای حفظ مصالح نسوان تشکیل داده اند . تأسیس دفتر جامعه بین المللی بهائی برای ترقی نسوان نشانه افزایش توجه و اقدامات مبدوله در این زمینه است .

در تعدادی از کشورها نیز احباء بنحو بارزی در برنامه هائی که از طرف دولت برای بهبود وضع بهداشت ترتیب یافته بود مشارکت جستند و در مواردی دیگر دسته هائی از یاران الهی راسا چنین برنامه هائی ترتیب داده و به مرحله اجراء گذاشتند . خدمات مربوط به توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی نیز در اثر تأسیس و تحکیم تعدادی مشروعات و سازمان های عمده قابل ملاحظه بود . سه طرح آزمایشی سواد آموزی بعنوان مرحله مقدماتی طرح سواد آموزی در سراسر جهان که دفتر خدمات اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی قصد آغاز آن را دارد به مرحله اجراء گذاشته شد . همچنین اقداماتی به ابتکار و یا با مشارکت بهائیان برای توسعه و پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی معمول گردید که سبب مشارکت عمومی و جلب توجه وسائط خبری شد و مایه اعلان امرالله گردید .

فعالیت های مربوط به روابط خارجی ، نسبت به مدت زمان مشابهی در گذشته ، افزایشی سریع داشت و سبب اشتهار امر بهائی شد . کوششهای بی سابقه در این زمینه در جمیع مناطق جهان بیش از پیش سبب نمایان شدن امر الهی در انظار و در نتیجه افزایش اعتبار جامعه بین المللی بهائی گردید . شواهد این پیشرفت به سهولت در اقدامات جوامع بهائی اعم از بزرگ و کوچک در ترتیب دادن و یا در مشرکت جستن در اقدامات عمومی و نیز در حضور جامعه بهائی بصورت نیرونی خاص در جامعه که مورد شناسائی سازمان های دولتی و غیر دولتی و بسیاری از شخصیت های برجسته قرار گرفته ، و نیز در سهولت دسترسی به وسائط خبری آشکار است . فی الحقیقه وسعت نشر اخبار مربوط به رویدادهای امری دروسائط ارتباطی چاپی و الکترونیکی Print and electronic communication media از حد احصاء خارج است .

در مجموعه رویدادهای مربوط به امر مبارک در سراسر جهان بعضی وقایع بنحوی برجسته تر نمایان بود ، از جمله فراوانی مواردی که مقامات عالیرتبه مملکتی احباء را به مشارکت یا مساعدت در تنظیم و اجرای برنامه یا طرحی دعوت نمودند ؛ ابتکارات موفقیت آمیز احباء در مؤثر واقع شدن در اقدامات دولتی ؛ ایجاد برنامه ها و دروس امری در دانشکده ها و دانشگاه ها و اضافه کردن مطالبی در باره امر در برنامه مدارس دولتی ؛ و بالاخره استفاده از هنر توسط مؤسسات امری و گروه هائی از احباء یا افراد احباء برای اعلان و انتشار امر الهی .

در سال ۱۹۹۵ دو واقعه در سازمان ملل متحد روی داد که شاهد سرعت روز افزون جلوه و ظهور وحدت افکار در اقدامات بین المللی بود و توجه کامل جامعه بهائی را به خود معطوف داشته سبب مشارکت جامعه امر در اقدامات مزبور گردید . نخست کنفرانس جهانی سران دول برای توسعه و پیشرفت اجتماعی بود که در ماه مارس در کپنهاگ تشکیل گردید . دویست و پنجاه نفر از یاران الهی از چهل کشور مختلف در آن کنفرانس حضور داشتند و برای آشنا ساختن شرکت کنندگان در کنفرانس مزبور و همچنین در اجتماع سازمان های غیر دولتی که همزمان و در ارتباط با آن کنفرانس ترتیب داده شده بود با تعالیم بهائی کوشش بسیار مؤثری مبذول نمودند . در همین کنفرانس بود که بیانیه " رفاه عالم انسانی " که بوسیله دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین المللی بهائی تهیه شده بود برای اولین بار پخش شد و مورد بحث قرار گرفت و سپس در سراسر جهان کنفرانس ها و سمینارهایی در باره آن تشکیل گردید و بیانیه مزبور بنحو وسیع تری توزیع شد . دوم ، چهارمین کنفرانس جهانی در باره زنان و همزمان با آن اجتماع بین المللی سازمان های غیر دولتی بود که در ماه سپتامبر در پکن برگزار شد و علاوه بر نمایندگان رسمی جامعه بین المللی بهائی پانصد نفر از احباء از اطراف دنیا در آن حضور داشتند . در همین سال در سومین رویداد مهم یعنی مراسم یادبود پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل ، دفتر جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل متحد را بر آن داشت که بیانیه ای تحت عنوان " نقطه عطفی برای جمیع ملل عالم " متضمن پیشنهادهایی برای پیشرفت سازمان ملل تهیه و منتشر سازد .

در بین اقدامات مربوط به روابط خارجی دو مورد دیگر که مربوط به مشارکت بارز حضرت امة البهاء روحیه خانم بود جالب توجه خاص است . در بهار گذشته حضرت امة البهاء در سمت ریاست هیأت چهارنفری نمایندگان رسمی جامعه بهائی در جلسه سران اتحادیه ادیان برای حفظ محیط زیست Alliance between Religions and Conservation که تحت توجهات عالیہ والا حضرت پرنس فیلیپ و در کاخ ویندزور تشکیل گردید شرکت نمودند . در ماه اکتبر روحیه خانم سخنان اصلی چهارمین کنفرانس بین المللی "تحول بسوی جامعه جهانی" بودند که با حمایت سازمان یونسکو توسط کرسی صلح جهانی بهائی و بخش تاریخ دانشگاه مریلند تشکیل شد .

از ذکر بعضی دیگر از وقایع مهم این دوره نیز نمی توان چشم پوشید . از جمله چاپ مخصوص کتاب مستطاب اقدس به زبان اصلی عربی که برای اولین بار همراه با ترجمه فارسی یادداشت ها و ضائمی که با ترجمه انگلیسی کتاب مزبور منتشر شده طبع و نشر گردید . حکم حقوق الله بنحوی عمیق تر در قلوب یاران الهی در سراسر جهان جایگزین گردید و در آخرین سال نقشه ، امین حقوق الله و ایادی امرالله جناب دکتر علیمحمد ورقاء در ارض اقدس سکونت گزیدند و این اقدام سبب گردید که هر سه نفر حضرات ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم ، جناب علی اکبر فروتن و جناب دکتر ورقاء در حال حاضر ساکن مرکز جهانی بهائی باشند و سبب تشویق زائران و مسافران و خادمان مرکز جهانی شوند .

بر اساس چنین پیشرفت های امیدوار کننده ای است که در این رضوان نقشه چهارساله را آغاز می کنیم ،

نقشه ای که تا رضوان سال دو هزار ادامه خواهد داشت . با کمال محبت و اشتیاق از خواهران و برادران خود در سراسر جهان دعوت میکنیم که در تجهیز مساعی و مجهوداتی که میراث روحانی غنی و پایداری را برای نسلهائی که در قرن بیست و یکم زندگانی خواهند کرد تضمین خواهد نمود با این هیأت تشریک مساعی نمایند .

هدف نقشه چهار ساله اقدامی اساسی یعنی پیشرفتی مهم در جریان دخول افواج مقبلین است . همانطور که قبلاً متذکر شده ایم چنین پیشرفتی باید از طریق افزایش فعالیت ها و اقدامات افراد احباء و مؤسسات امری و جوامع محلی تحقق یابد .

عبارت " پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین " متضمن این مفهوم است که شرایط کنونی ایجاب می کند و فرصت های موجود اجازه می دهد که جامعه جهانی بهائی پیشرفت و توسعه ای عظیم و مستمر حاصل نماید .

چنین پیشرفتی در قبال اوضاع کنونی جهان ضروری است و در تأسیس نظم حضرت بهاء الله سه عامل یعنی افراد و مؤسسات و جامعه می توانند چنین پیشرفتی را عملی سازند . نحوه عمل عوامل مذکور چنین است که ابتدا از نظر روحانی و عقلانی امکان چنین اقدامی را بپذیرند و سپس با سعی و کوشش برای تبلیغ گروه هائی از مقبلین جدید و تهیه و تجهیز وسائل برای آموزش و پرورش روحانی و اداری آنان تعداد مبلغین و مدیران مطلع و فعال را برای مشارکت در خدمات امری چندین برابر کنند و بدین ترتیب دخول صفوف مقبلین جدید را در ظل امر الهی و تکامل و بلوغ بلاانقطاع محافل روحانی و استحکام مستمر جامعه را تضمین نمایند .

علاوه بر این ، عبارت " افزایش پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین " حاکی از آنست که این پیشرفت آغاز شده و جوامع محلی و ملی در مراحل مختلف این جریان قرار دارند . حال از جمیع جوامع محلی انتظار می رود که برای استمرار جریان مزبور اقدام نمایند و توسعه و تحکیم هر جامعه را به میزانی که با امکانات موجود متناسب باشد افزایش بخشند . از افراد و مؤسسات در حالیکه هر یک در حوزه خاص خود فعالیت دارند درخواست می شود که به منظور رفع نیازمندیهای این دوران بحرانی در حیات جامعه بهائی و در سرنوشت تمامی جامعه بشری، قیام نمایند.

نقش و وظیفه فرد در خدمات امری حائز اهمیتی بی نظیر است . فرد است که روح ایمان را که اساس موفقیت در اقدامات تبلیغی و توسعه و پیشرفت جامعه است زنده و نباض نگاه می دارد . از حکم حضرت بهاء الله که فرد مؤمن را موظف می سازد که به تبلیغ امر مبارکش پردازد مفری نیست و نمی توان آنرا به یکی از مؤسسات امری محول نمود و هیچیک از آن مؤسسات نیز نمی تواند این وظیفه افراد را برعهده گیرد . تنها فرد بهائی است که می تواند استعدادهای را که مشتمل بر توانائی استفاده از ابتکارات شخصی ، اغتنام فرصت ها ، ایجاد روابط دوستانه با دیگران ، معاشرت و مصاحبت با سایرین ، برقرار ساختن ارتباط با مردمان ، جلب همکاری سایرین در خدمات مشترک امری و اجتماعی ، و بالاخره اجرای تصمیمات متخذة بوسیله هیأت ها و مؤسسات امری است به کار گیرد . این وظیفه فرد بهائی است که "به جمیع وسائل ممکنه متشبث شود و طرق مختلفه را بکمال دقت مورد مطالعه

قرار دهد تا به جلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظلّ امرالله طالب والحقشان را به جامعه اسم اعظم شائق و آرزومند است توفیق یابد . " (ترجمه)

فرد بهائی برای حدّ اکثر استفاده از این قابلیت به عشقی که به حضرت بهاء الله دارد و به قوّه عهد و میثاق و به نیروی محرکه دعا و مناجات ، و به الهامات و تعلیماتی که از مطالعه نصوص مبارکه حاصل می گردد و بالاخره به قوای تقلیب کننده ای که در اثر کوشش در انطباق رفتار با احکام و اصول الهی در روح و وجدانش ایجاد می شود متکی و متوسل می گردد . علاوه بر اینها به فرد بهائی که موظف به تبلیغ امرالله است این استعداد عطا شده که جاذب تائیداتی باشد که حضرت بهاء الله موکداً وعده فرموده اند : " تالله الحق من یفتح الیوم شفتاء فی ذکر اسم ربّه لینزل علیه جنود الوحی عن مشرق اسمی الحکیم العلیم و ینزلن علیه اهل ملاء الاعلی بصحائف من النور . "

حضرت ولی امرالله ضرورت قطعی اقدام و ابتکار فردی بهائیان را مورد تأکید قرار داده و توضیح فرموده اند که بدون پشتیبانی " صمیمانه و مستمر و سخاوتمندانه " افراد هر اقدام و هر نقشه محفل روحانی ملی " محکوم به شکست " است و " مانع و رادعی " در راه حصول مقصود نقشه ملکوتی مرکز میثاق ایجاد می شود . بعلاوه تائیدات حضرت بهاء الله از هر فردی که بالمال در قیام به انجام وظیفه خود قصور ورزد سلب خواهد شد . " (ترجمه) بنا براین در مرکز و مدار هر پیشرفتی فرد قرار گرفته است که قدرت اجرایی را در دست دارد و تنها فرد است که می تواند از طریق اقدام و ابتکار شخصی آنرا به جریان اندازد . در باره احساس عدم لیاقت که بعضی اوقات مانع از قیام و اقدام افراد می شود در یکی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله توصیه شده است که " علت عمده ای را که متذکّر شدید عدم جرأت و ابتکار از طرف افراد و احساس حقارت است که مانع می گردد که با مردم مذاکره نمایند . دقیقاً همین نقاط ضعف است که یاران باید بر آنها فائق آیند . زیرا چنین احساسی نه تنها آنان را از اقدام باز می دارد بلکه فی الواقع موجب می شود که شعله ایمان در قلبشان خاموش شود . فقط هنگامی که کلیّه احبّای الهی درک نمایند که هریک از آنان قادر است در حدّ توانائی خود پیام الهی را ابلاغ نماید می توانند امیدوار باشند که به هدفی که مولای علیم و مهربان برایشان تعیین نموده است نائل گردند . . . هر فرد بهائی بالقوه مبلغ امرالله است . فقط کافی است آنچه را خداوند به او عطا نموده به کار برد و بدین ترتیب ثابت نماید که به رسالت خود وفادار است . " (ترجمه)

اما در مورد مؤسسات امری ، بین آنها و دخول افواج مقبلین به امر الهی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد . تکامل و بلوغ محافل روحانی ملی و محلی در این زمان نیازمند آنست که اعضای آن محافل و نیز نفوسی که آنان را انتخاب می نمایند طرز فکر جدیدی داشته باشند زیرا جامعه بهائی در جریان تاریخی عظیمی قرار گرفته و وارد مرحله بسیار مهمّی می گردد . حضرت بهاء الله مؤسساتی را به دنیا عطا فرموده اند که باید در چهارچوب نظامی انجام وظیفه نمایند که قادر است نیروهای تمتن جدیدی را به کار اندازد . پیشرفت بسوی آن هدف شکوهمند

محتاج توسعه عظیم و مداوم جامعه بهائی است تا برای بلوغ این مؤسسات حوزه عمل لازم فراهم گردد . توجه به این امر برای نفوسی در سراسر جهان که خود را از حامیان امر حضرت بهاء الله محسوب می دارند اهمیت فوری دارد . برای آنکه موجبات چنین توسعه ای فراهم آید محافل روحانی باید چنان برای اجرای مسؤولیت های خود به عنوان مجاری هدایت الهی و طرلحان نقشه های تبلیغی و عاملان توسعه نیروی انسانی و سازندگان جوامع و شبانان مهربان جماعات مردم قیام نمایند که به سطح و میزانی برتر از وضع کنونی نائل آیند . برای حصول این منظور باید توانائی اعضای خود را از طریق ذیل افزایش بخشند : مشاوره طبق اصول امری ، مشورت کردن با یاران ساکن حوزه اختیارات محفل ، پرورش روحیه خدمت ، همکاری به طیب خاطر با مشاورین قاره ای و معاونان آنان و توسعه روابط خارجی محفل . مخصوصا پیشرفت برای بلوغ و تکامل مؤسسات امری باید بصورت ازدیاد مراکز امری مشهود گردد که در آنها طرز کار محافل روحانی موجب افزایش استعداد افراد احباء برای خدمت به امر و مورش پرورش وحدت عمل و اقدام می شود . بطور خلاصه میزان و مقیاس بلوغ محفل روحانی فقط در تشکیل مرتب جلسات و انجام امور جاری نیست ، بلکه به افزایش و رشد تعداد اعضای جامعه ، مفید و مؤثر بودن روابط متقابل بین محفل و اعضای جامعه ، کیفیت حیات اجتماعی و روحانی جامعه و نشاط و تحرک عمومی جامعه ای که پیوسته در حال رشد و توسعه است منوط و معلق است .

جامعه هرچه بیشتر توسعه یابد هویت و مشخصات مستقلی احراز می نماید که از هویت و مشخصات افراد و مؤسسات جدا است . این توسعه و پیشرفتی ضروری است که باید در مورد نقاطی که تعداد کثیری مصدقین جدید داشته اند و نیز در رابطه با نقاط بسیاری که انتظار می رود در آنجا افواج مقبلین در ظل امر وارد شوند مورد توجه کامل قرار گیرد . بدیهی است که جامعه بیش از مجموع اعضا آنست . جامعه واحد جامعی از تمدن است که مرکب است از افراد ، خانواده ها و مؤسسات که خود سازنده و مشوق نظام ها و عوامل و سازمانهایی است که برای مقصدی واحد که عبارت از رفاه مردم در داخل و خارج جامعه باشد با یکدیگر همکاری می کنند . جامعه ترکیبی از شرکت کنندگان است که با یکدیگر متفاوتند و لکن در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند و پیوسته می کوشند تا برای نیل به پیشرفت و رفاه اجتماعی وحدت لازم را در میان خود ایجاد نمایند . چون بهائیان در همه نقاط در مراحل اولیه به وجود آوردن جامعه هستند ، باید برای انجام وظیفه ای که در پیش داریم کوششی عظیم معمول گردد .

همانطور که اخیرا در پیام دیگری متذکر شدیم شکوفائی جامعه مخصوصا در سطح محلی نیاز به تحوّل مهم در نحوه رفتار دارد : نحوه رفتاری که نمایانگر فضائل افراد عضو جامعه به صورت گروهی و نحوه عمل محفل روحانی در ایجاد وحدت و یگانگی در جامعه و تحرک و رشد آن باشد . این تحوّل در نحوه رفتار ایجاد می کند که مابین عناصر تشکیل دهنده جامعه یعنی بزرگسالان ، جوانان و کودکان در فعالیت های روحانی ، اجتماعی ، تربیتی و اداری هماهنگی ایجاد شود و همگی در نقشه های محلی به منظور تبلیغ و توسعه مشارکت یابند . لازمه

این تغییر رفتار عزم و اراده همگانی و احساس هدف و مقصود مشترک برای ادامه حیات محفل روحانی از طریق انتخابات سالانه است. لازمه این تغییر دعا و مناجات و تبتل دسته جمعی یاران است. بنابراین برای حیات روحانی جامعه لازم است که احباء جلسات منظمی برای دعا و مناجات در حظیره القدس های محلی (اگر وجود داشته باشد) یا در محل های دیگر، حتی در منازل خود، تشکیل دهند.

برای تحقق بخشیدن به امکانات توسعه و تحکیم که از دخول افواج مقبلین ناشی می شود باید احباء در سراسر جهان برای توسعه منابع انسانی با عزمی جزم کوشش نمایند. کوشش افراد برای ترتیب دادن کلاس های تزئید معلومات در منازل، دوره های معارف امری که کهگاه از طرف مؤسسات امری تشکیل می گردد و بالاخره اقدامات غیر رسمی جامعه اگرچه مهم است اما برای تربیت و تعلیم جامعه ای که بسرعت رشد می نماید کافی نیست. بنابراین بسیار مهم است که به طرح روشهای مخصوص برای تعلیم تعداد زیادی از احباء در باره اصول معتقدات و تعلیم بهائی و آموزش آنان و مساعدت به آنان برای اینکه تا آنجا که استعداد خداداده آنها اجازه می دهد به امر خدمت نمایند بطور منظم توجه شود. در تاسیس مؤسسات دائمی برای تأمین برنامه های آموزشی که بنحو کامل تهیه شده و بطور رسمی و طبق برنامه زمانی منظم اجراء می شود بهیچوجه نباید تأخیر شود. این مؤسسات لازم است به محل و تسهیلات مناسب دسترسی داشته باشند اما ضروری نیست که دارای ساختمان مخصوص به خود باشند.

این امر به تشدید همکاری بین مشاورین قاره ای و محافل ملی نیازمند است زیرا موفقیت این مؤسسات آموزشی به میزان زیاد منوط به دخالت فعال مشاورین و اعضاء هیأت معاونت در فعالیت های آنان است. مخصوصا لازم است که اعضای هیأت معاونت با مؤسسات آموزشی و البته با محافل محلی که جوامع آنان از برنامه های این مؤسسات بهره مند می شوند همکاری نزدیک داشته باشند. چون این مؤسسات باید مراکز یادگیری محسوب شوند و چون خصوصیات این مؤسسات موافق با مسؤلیت های تعلیم و تربیتی اعضای هیأت معاونت است و میدان عملی برای آنها به وجود می آورد از این پس باید شرکت بسیار نزدیک در فعالیت این مؤسسات بخشی از اقدامات این صاحبان مناصب در امر گردد. استفاده از استعدادها و توانایی های تعداد روز افزونی از احباء برای توسعه و اجرای برنامه های این مؤسسات ضروری است.

چون اصطلاح "مؤسسه" موارد استعمال متعددی در جامعه بهائی پیدا کرده لازم است در این مورد توضیحی داده شود. چهارسال آینده دوره ای استثنائی در تاریخ امر است. نقطه عطفی است که اهمیت و عظمت یک دوره یا عهد را دارد. آنچه در حال حاضر اجرای آن از یاران الهی در سراسر جهان تقاضا می شود آنست که خود و منابع مالی و استعدادات و اوقات خویش را برای به وجود آوردن شبکه ای از مؤسسات آموزشی در سطحی که تا به حال سابقه نداشته است متعهد نمایند. این مراکز تعلیماتی معارف امری دارای هدفی بسیار عملی هستند یعنی تربیت تعداد کثیری از احباء برای تسهیل و توسعه جریان دخول افواج مقبلین در امر الهی به مدد

کارآئی و محبت .

حضرت بهاء الله به بندگان امر فرموده است که " جمیع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید " و اضافه فرموده که " هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است به آن قیام نماید و الا آن یأخذ وکیلاً لنفسه فی اظهار هذا الامر " به همان ترتیبی که انسان می تواند نفسی را بعنوان وکیل خود برای تبلیغ امر تعیین کند و برای مهاجرت یا اسفار تبلیغی مخارج او را تأمین نماید ممکن است نفسی را بعنوان وکیل تعیین نمود تا بعنوان مدرس در یکی از مؤسسات آموزش معارف امری تدریس نماید . چنین شخصی البته معلّم یا مبلغ مبلّغین خواهد بود . برای این منظور ممکن است تبرّعات مورد نظر را به صندوق قاره ای یا صندوق های محلی ، ملی و یا بین المللی تقدیم کرد و آنرا برای این منظور اختصاص داد .

از یاران الهی تقاضا می شود در جمیع مجهودات خود برای تحقق اهداف نقشه چهارساله توجه بیشتری به استفاده از هنرها ، نه فقط برای اعلان امرالله بلکه برای اقدامات مربوط به توسعه و تحکیم ، مبذول دارند . هنرهای ترسیمی و نمایشی و ادبیات نقش عمده ای در اتساع دایره نفوذ امر الهی ایفاء نموده اند و در آینده نیز ایفاء خواهند نمود ، ازاین امکانات در سطح هنرهای قومی (فولکلور) در همه مناطق جهان چه در روستاها و چه در قصبات یا شهرها میتوان استفاده کرد . حضرت ولی امرالله بسیار اظهار امیدواری فرموده اند که هنرها واسطه ای برای جلب توجه به تعالیم الهی باشند . در توقیعی که بافتخار یکی از احباء صادر شده می فرمایند : " روزی فرا می رسد که امر الهی چون آتشی در خرمن سرعت توسعه خواهد یافت و آن هنگامی خواهد بود که روح تعالیم امر بهائی بر روی صحنه نمایش یا بطور کلی در هنرها و ادبیات عرضه شود . هنر ، مخصوصاً در میان توده های مردم ، بهتر از استدلال خشک منطقی می تواند عواطف و احساسات روحانی را بیدار نماید . " (ترجمه)

در حالی که یاران الهی و مؤسسات امری در جمیع نقاط مساعی خود را مصروف تأمین نیازمندی های نقشه می نمایند ساختمان مشروعات عظیمی بر فراز جبل کرمل ادامه خواهد داشت تا همان طور که انتظار می رود تا آخر این قرن خاتمه پذیرد . در خاتمه این نقشه در رضوان سال دو هزار ساختمان مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص و بنای ضمیمه دارالآثار بین المللی مورد استفاده قرار خواهد گرفت ، و بنای مقر دارالتبلیغ بین المللی به مرحله نهائی خواهد رسید . قسمتی از معبر عمومی که در حال حاضر طبقات فوقانی مقام اعلی را از مقام مزبور جدا می کند از سطح کنونی پائین تر خواهد رفت و بر روی آن پل وسیعی که پوشیده از باغات خواهد بود طبقه فوقانی مقام را به سایر طبقات متصل خواهد ساخت . پنج طبقه از طبقات فوقانی مقام مبارک حضرت ربّ اعلی تکمیل خواهد شد . چهار طبقه باقیمانده از طبقات فوقانی و دو طبقه باقیمانده در پای کوه کرمل به آخرین مراحل تکمیل خواهد رسید . اقدامات دیگری نیز در مرکز جهانی بهائی معمول خواهد گشت . از جمله تعمیم جهانی اجرای احکامی از کتاب مستطاب اقدس که در حال حاضر مفروض نیست ، آماده کردن مجموعه جدید به زبان انگلیسی از منتخبات آثار قلم اعلی ، توسعه بیشتر وظائف دارالتبلیغ بین المللی ، تأمین ترتیبات لازم برای افزایش عدد زائران و بازدید کنندگان از

مرکز جهانی .

جامعه جهانی بهائی در زمینه توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی و نیز در میدان روابط خارجی به گسترش اقدامات خود خواهد پرداخت و به همکاری مستقیم با اقداماتی که برای استقرار نظم در دنیا معمول می گردد ادامه خواهد داد . دفتر توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی با افزایش توانایی خود برای هم آهنگ کردن فعالیت ها تا آنجا که ممکن باشد موجبات پیشرفت صدها مشروع عمرانی بهائی را در سراسر عالم فراهم خواهد آورد . در عرصه روابط خارجی مساعی مبذوله متوجه این هدف خواهد بود که در جریاناتی که منجر به صلح جهانی می گردد امر مبارك مؤثر واقع شود . وصول به این هدف مخصوصا از طریق مشارکت جامعه بهائی در ترویج حقوق بشر ، مقام زن ، رفاه جهانی ، و تربیت اخلاقی خواهد بود . در اجرای این اهداف دفتر جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل خواهد کوشید که روابط موجود بین جامعه بهائی و سازمان ملل تقویت شود و همچنین دفتر اطلاعات عمومی به مؤسسات امری کمک خواهد کرد تا از مشارکت جامعه بهائی در اقدامات مربوط به چهار موضوع فوق الذکر برای اعلان امرالله بنحوی بیشتر و بهتر استفاده نمایند . دفاع از حقوق مسلوبه یارل ایران و افزایش مساعی برای استخلاص امر الهی در آن کشور و کشورهای دیگری که دیانت بهائی در آنها ممنوع یا محدود شده قسمت اعظم روابط جامعه بهائی با سازمانهای دولتی و غیر دولتی را تشکیل خواهد داد . در جمیع این موارد از احباء و مؤسسات بهائی مصلحا خواستاریم که از اهمیت فعالیت های مربوط به روابط خارجی مطلع باشند و بدانها توجه جدیدی مبذول دارند .

تأسیس دو محفل روحانی ملی جدید در این رضوان آغاز خجسته ای برای نقشه چهار ساله محسوب می گردد . خوشوقتیم اعلان کنیم که نمایندگان این هیأت در انجمن های افتتاحی این دو محفل عبارتند از ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم برای مولداوی و جناب فرد شکتر مشاور عضو دارالتبلیغ بین المللی برای سانوتومه و پرینسیپه . متأسفانه به علت شرایط موجود که خارج از اختیار احباء است محافل ملی بوروندی و رواندا در سال جاری قادر به تجدید انتخابات نخواهند بود . بنابراین تعداد محافل ملی در عالم همان ۱۷۴ محفل باقی خواهد ماند . رضوان سال دو هزار که زمان خاتمه نقشه چهار ساله است چندین ماه قبل از خاتمه قرن بیستم خواهد بود . در آن زمان عالم بهائی به پیشرفت های خارق العاده و موفقیت های خیره کننده ای که صفحات تاریخ امر حضرت بهاءالله را در عصر پر حادثه ای که حضرت عبدالبهاء آن را « قرن انوار » نامیده اند مزین نموده با دیده تحسین و تمجید خواهد نگریست . از اهم آنها موفقیت عظیم اكمال مشروعات جبل کرمل خواهد بود که همراه با سایر ابنیه فخمه بر فراز این کوه مقدس به منزله بناهای یادبودی برای پیشرفتی خواهد بود که نظم اداری بهائی تا آن موقع در عصر تکوین حاصل کرده است . مهمترین اقدام برای ابراز قدرشناسی ، انشاء الله انعقاد اجتماع عمده ای در مرکز جهانی خواهد بود که بمناسبت اختتام ابنیه قوس و افتتاح عمومی طبقات مقام اعلی ترتیب داده خواهد شد . دوستان عزیز ، نقشه چهارساله را در بجنبه اوضاع پرتلاطم و دوره تحول و تغییر در جهان آغاز می کنیم .

دو جریان همزمانی که در اثر ظهور حضرت بهاء الله آغاز گردیده شدت ادامه دارد و پیوسته بر شتابش افزوده می گردد . بفرموده حضرت ولی امرالله این جریانات " قوانی را که سبب دگرگونی وجه ارض خواهد بود به اوج می رساند . " (ترجمه) این دو جریان یکی وحدت بخش و دیگری تجزیه کننده است . این دو جریان " جوش و خروش جهانی " ایجاد می کند و سبب ظهور مراحل تدریجی صلح جهانی می گردد که در طی مراحل مزبور تأثیرات وحدت بخش آن سبب ظهور و بروز آگاهی وجدانی مردمان به شهروندی جهانی می شود .

این تحولات جهان مآلاً دو حالت متضاد ترس و وحشت و اطمینان و آرامش را در بر دارد . از یک طرف اغتشاش و بی نظمی در امور بشری همه روزه سبب تولید وحشت و اضطرابی می شود که حواس ما را مختل می سازد و از طرف دیگر رهبران دولت ها مکرراً به اقداماتی دسته جمعی متوسل می گردند که برای ناظر بهائی نشانه تمایل به سوی اقدامات دسته جمعی ملل برای حل مسائل جهانی است . مثلاً تکرار غیر عادی تجمع سران ممالک را در چهار سال گذشته یعنی از سال مقدس تا کنون ملاحظه نمایید . نظیر کنفرانس پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل که در آن سران ممالک و رهبران دول تعهد خود را به صلح جهانی تأکید نمودند . همچنین سرعت عملی که سران دولت ها به طیب خاطر در همکاری برای رفع بحرانهایی که در مناطق مختلف روی داده است نشان داده اند قابل توجه مخصوص است . این تمایلات همزمان با افزایش تقاضای مجامع مطلع و ذی نظر برای جلب توجه به عملی بودن تأسیس نوعی حکومت جهانی است . آیا در این وقایع که سریعاً و پی در پی روی می دهد ید تقدیر الهی در کار نیست ؟ براستی منادی این موقعیت عظیم در آثار خود این وقایع را پیش بینی نفرموده است ؟

اگرچه تأسیس صلح اصغر موکول و منوط به هیچ نقشه امری یا اقدام احباء نیست و اگر چه صلح مزبور عبارت از هدف غائی که مقدر است در عصر ذهبی نصیب جامعه انسانی گردد بشمار نمی رود اما جامعه بهائی این مسئولیت را برعهده دارد که به حمایت روحانی از گرایشهای صلح جویانه پردازد . در این هنگام آنچه مورد نیاز است آنست که در ایجاد نظام بهائی چنان سعی کوشش نمائیم که جالب و جاذب تائیدات جمال اقدس ابهی گردد و فضائی روحانی به وجود آورد که سبب تسریع آن گرایش ها شود . دو اقدام مهمی که در پیش داریم یکی اینست که مجاهدتی تبلیغی را آغاز کنیم تا همه افراد جامعه هریک شخصا با شور و شوق و بطور منظم در آن شرکت جویند و در ضمن آن با اجرای برنامه وسیع آموزشی تأمین نیروی انسانی عظیمی را تضمین نماید . اقدام دیگر تکمیل مشروعات ساختمانی جبل کرمل است که برای تأمین مصارف آن نباید از هیچگونه فداکاری در اهداء سخاوتمندانه تبرعات مالی دریغ ورزید . این اهداف توأمان هرگاه با عزمی جزم دنبال شود سبب آزاد شدن قوای محصورى خواهد شد که موجب تغییر جهت امور جامعه بشری در سراسر کره ارض می گردد .

راه به سوی صلح هر قدر کوتاه باشد ولكن پر پیچ و خم است و هر قدر حوادثی که انتظار می رود جهت آن را تعیین نماید امید بخش باشد باید پس از دوره طویلی از طی سیر تکاملی خود به مرحله بلوغ رسد . این دوره همراه با امتحانات و شکست ها و منازعات خواهد بود تا در ظل تأثیر و نفوذ امر الهی منجر به ظهور و طلوع

صلح اعظم گردد . مردم جهان در طول این دوره در همه جا قبل از آنکه به مرحله ای برسند که بتوانند حکمت و ارزش تحوّلی را که در جریان است درك کنند غالباً دچار یأس و نگرانی خواهند شد و لکن ما اهل بهاء در اثر ظهور جمال اقدس ابهی بینش جدیدی یافته‌ایم و آثار قلم اعلی سبب اطمینان خاطرمان گشته و نقشه الهی موجب راهنمایی و تاریخ پرشهامت امر مایه تشویق ما است . نه تنها باید از گنجینه آثار قلم اعلی بلکه از درخشش اعمال قهرمانانه و فداکاری هائی که حتّی امروز در سرزمین زادگاه امر الهی تابان است قوّت قلب یابیم .

در حدود هفده سال است که برادران و خواهران ستمدیده ما در ایران دلاوری و ثبوت و رسوخ در ایمان را چنان به منصّه ظهور و بروز آورده اند که سبب اعلان امر الهی بنحوی وسیع گردیده و امر بهائی را از مرحله مجهولیت خارج کرده است . این وقایع در زمان ما شاهدی زنده از کیفیت وجود قوای مکنونه در بحران ها و پیروزیها است . توسّل به حقّ می جوئیم که خواهران و برادران ایرانی ما بزودی از قیودی که بدان گرفتارند رهائی یابند و شاهد عزّت و جلال و اعجازی گردند که فقط جمال اقدس ابهی می تواند به آنان عنایت فرماید . تجارب آن یاران علامت و مثالی است برای همه ما در هر جا که زندگی می کنیم . چه همانطور که حضرت عبدالبهاء فرموده اند بالاخره مخالفت و خصومت با امر در همه قارات جهان پیش خواهد آمد . ضدّیت با امر الهی اگرچه ممکن است در هر نقطه ای به صورتی خاصّ جلوه نماید اما بدون تردید شدید خواهد بود . و لکن به برکت الطاف توان بخش حضرت بهاء الله و ظهور و بروز استقامت از جانب یاران ایران ، خواهیم دانست که چگونه حملات دشمنان را بدون ترس و واهمه مقابله نماییم . فی الحقیقه ربّ الجنود وعده فرموده است که فتح و ظفری محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد نمود .

در حالی که جامعه بشری گرفتار ویرانگری های تمدن بی بند و بار کنونی است ، باید قلوب و افکارمان را به وظائفی که بر عهده داریم متوجّه نماییم زیرا در بحبوحه این اضطرابات فرصت های فراوانی پیش می آید که باید » برای اشاعه قوّه ناجیه امر حضرت بهاء الله در جمیع اقطار و استتلال مقبلین جدید در ظلّ شریعت الله و دخولشان در صفوف دائم الاتّسع امرالله « (ترجمه) غنیمت شمرده شوند . نقشه ای که حال متعّهد اجرای آن شده ایم در یکی از ادوار بسیار بحرانی در حیات انسان بر روی کره ارض به مرحله اجراء در می آید . هدف این نقشه آماده ساختن جامعه بهائی برای مقابله با تغییراتی است که در دنیای ما روی می دهد و بخاطر آنست که جامعه بهائی را در وضعی قرار دهد که هم بتواند در برابر امتحانات و اضطراباتی که در پیش است مقاومت نماید و هم بتواند طرز کار جامعه بهائی را طوری جلوه گر سازد که دنیا برای اخذ کمک و نمونه عملی در اثر تحول پرتلاطمی که در پیش دارد بدان تأسی نماید . اینست که این نقشه جایگاه خاصی در طرح کلی بهائی و در تاریخ دنیا خواهد یافت ، افرادی از اهل بهاء که آینده را چنان که امر بهائی مجسّم می کند درك می نمایند این برتری را خواهند داشت که آگاهانه در کوشش هائی که هدفش به حرکت آوردن و پیش بردن جریانات مزبور است شرکت نمایند . امید است که آن یاران عزیز برای تعهد مسؤولیت های این اوقات بحرانی قیام نمایند ، و امید است که

هريك از آن عزيزان بتواند نام خود را در اين برهه كوتاه از زمان كه پر از امكانات و اميد براى عالم بشریت است ثبت نمايد . براى آنكه خاطر شما در اثر وقايع ناگوار اين دوره تغيير و تحوّل متشتت نگردد نصايح هدايت بخش مولای حنون حضرت ولی امرالله را به خاطر آرید كه می فرمایند : " ما كه موجودات حقیری هستیم نمی توانیم در چنین مرحله بحرانی تاریخ طولانی و پر حوادث نوع بشر واضحاً كاملاً درك كنیم بشر آغشته به خون كه از بدبختی خدای خود را فراموش کرده و به حضرت بهاء الله اعتناء ننموده چه مراحل متتابعه دیگری از عذاب و فنائش تا رستاخیز نجات نهائش باید طی كرد بلکه وظیفه ما آنست كه با وجود مغشوش بودن اوضاع و مظلم بودن مناظر حاضره و محدود بودن وسائلی كه در دسترس داریم با كمال مسرت و اطمینان و استمرار زحمت كشیده به هر وسیله كه ممكن باشد به سهم خود كمك كنیم تا قوانی كه حضرت بهاء الله ترتیب داده و اداره می فرماید به جریان افتاده نوع انسان را از وادی بدبختی و مذلت به اعلی رفرف قدرت و جلال برساند . " (ترجمه)

بيت العدل اعظم

﴿ مناجات ﴾

ای خداوند بهمتا * ای رب الملکوت این نفوس سپاه آسمانی
تواند امداد فرما و بجنود ملاء اعلی نصرت کن تا هريك نظیر
اردوئی شوند و آنمالك را بحبت الله و نورانیت تعالیم الهی فتح
کنند * ای خدا ظهیر و نصیر آنها باش و در بیابان و کوه
ودره و جنگلها و دریاها و صحراها مونس آنها باش
تا بقوت ملکوتی و نفثات روح القدس
فریاد زنند * توئی مقتدر و عزیز
و توانا و توئی دانا و شنوا
وینا

ترجمه

پیام بیت العدل اعظم

خطاب به پیروان حضرت بهاء الله در امریکای شمالی، آلاسکا، کانادا، گرین لند و ایالات متحده

رضوان ۱۵۲

یاران عزیز الهی :

با سابقه ای درخشان در اجرای اوامر حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه تبلیغی اعضاء جامعه بهائی در امریکای شمالی نقشه چهارساله را آغاز می نمایند . طی هشتاد سالی که از زمان صدور الواح مزبور گذشته است در اثر مساعی شگفت انگیز آن یاران الهی پیام حضرت بهاء الله به جمیع مناطق آن قاره و به اطراف و اکناف کره ارض واصل گردیده است . در تأسیس مبانی نظم اداری و در اعلان عمومی امر الهی ، بنحوی مستمر نقشی بسیار مهم بر عهده داشته اید . آن الواح مبارکه سبب شد که یاران الهی مشروعی جهانی را آغاز نمایند که ادامه آن در سراسر عصر تکوین و عصر ذهبی دور بهائی از وظائف شما و نسل های بعد از شما خواهد بود .

به منظور اجرای اهداف نقشه چهارساله در سطوح ملی ، ناحیه ای و محلی ، بر طبقه نقشه های تفصیلی که در هفته های آینده تنظیم خواهد شد ، باید پیوسته به خاطر داشت که هدف اصلی نقشه پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین به ظل شریعه مقدسه الهیه است . تردید نمی توان نمود که این جریان که نیروی محرکه اش قوای روحانی غیبی است ماورای ادراک اهل شك و ارتیاب بوده و در میقات معین سبب احیای روحانی جمعی کثیر از اقوام گوناگون در امریکای شمالی خواهد شد و جوامع بهائی را در آن قاره از نظر تعداد نفرات بنحوی بارز تقویت خواهد نمود .

مؤسسات آموزشی و سایر مراکز تعلیماتی از عناصر ضروری کوشش های مستمر برای پیشرفت این جریان محسوب می گردد و توسعه و عمق عرفان مصدقین جدید را تضمین می نماید و سبب می شود که مهارت های لازم را برای تبلیغ موفقیت آمیز امر الهی فرا گیرند و نیز فرصتی است برای یاران قدیم و جدید که بنحوی منظم به فرا گرفتن اصول تعالیم و حقایق امر حضرت بهاء الله پردازند . انتظار می رود که جوامع بهائی در آن صفحات به این دعوت برای تأسیس مراکز تعلیماتی با شور و هیجان پاسخ دهند و متناسب با نیاز انواع مردمانی که در آن سرزمین ها سکونت دارند روش هائی مناسب و متنوع اتخاذ نمایند .

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح فرامین تبلیغی به بهائیان امریکای شمالی توصیه می فرمایند که بکوشند تا شایسته مقام والای حواریون حضرت بهاء الله گردند و مخصوصا تاکید می فرمایند که ثبوت بر عهد و میثاق از شرایط ضروری موفقیت در این امر خواهد بود . از آن یاران الهی مصرا خواستاریم که در ضمن کوشش برای درک خصوصیات و اثرات عهد و میثاق که ماورای ترتیبات کنونی جامعه است تمسکی خلل ناپذیر به مقتضیات میثاق الهی ظاهر و ثابت نمایند .

موقعیتی که آن عزیزان برای ایجاد جنبشی شدید در خدمات تبلیغی دارند مایه غبطه سایر یاران است . در اثر هوشیاری و استقامت مؤسسات امری اقدامات یاران الهی در آن صفحات سبب آگاهی کلی از امر الهی و ایجاد احترام و اذعان عمومی به جامعیت ، عمومیت و آزاد منشی امر بهانی شده است از این موفقیت چشمگیر باید مسرور بود و با اشتیاق و اطمینان به نیازهای کنونی امر مبارک اندیشید ،

انتصارات حاصله راه را برای موفقیت هائی عظیمتر در آینده نزدیک آماده ساخته است . اکنون بیش از هر زمان دیگر باید بکوشید تا خود را از قیود سستی ، تمسک شدید به امور دنیوی و بی علاقهی که جامعه را از رسیدن به موفقیت های چشمگیر باز می دارد آزاد سازید . چون مردمانی که در اطراف شما زندگی می کنند روز به روز آرزویشان برای داشتن جامعه ای که در آن درستکاری و شرافت اخلاقی حکمفرما باشد و در آن نژادهای مختلف با یکدیگر یگانگی کامل یافته باشند رو به افزایش است ، وظیفه شماست که تأثیر و نفوذ پیام حضرت بهاء الله را در رفع نیازمندی های مردم و تجدید بنای زندگی فردی و اجتماعی به منصه ظهور و بروز رسانید . سراسر امریکای شمالی با نومیادی محتاج آرمانی الهام بخش و دیدی روشن نسبت به هدف زندگانی و معنویستی است که فقط کسانی که با روح حقایق مکنون در آثار امری مانوسند می توانند احتیاجات مزبور را برطرف سازند .

شهرت الفت ، اتحاد و پیوستگی اجتماعی جامعه اسم اعظم و اعتماد و اطمینان حاکم بر روابط بین احباء و تشکیلات اداری جامعه باید روز افزون باشد . حضرت ولی امرالله در سالهای اولیه ولایت امر در توقیعی چنین توصیه فرموده اند : امیدم چنان است که یاران الهی در کل اوقات و در جمیع نقاط و از هر مشرب و مرام به دل و جان و داوطلبانه با وجد و سرور حول مراکز محلی و بخصوص مراکز ملی مجهودات امریه مجتمع گردند و با اتفاق و رضایت تام و تفاهم کامل و اشتیاقی حقیقی و انجذابی مستمر در ترویج مصالح آنان کوشند . فی الحقیقه این است مایه سرور و آرزوی زندگانی این عبد زیرا که این سرچشمه جمیع الطاف و عنایات آتیه بوده و اساسی است متین که بالمال باید ضامن صیانت و استحکام صرح مشید الهی گردد . (ترجمه) لازمه تحقق این آرزوی هیکل مبارک آنست که یاران الهی متعهد شوند و صمیمانه از مؤسسات امری حمایت و پشتیبانی نمایند . نفوسی که برای خدمت در مؤسسات مزبور منصوب می شوند باید همواره به روش و منشی که برای انجام وظائفشان توصیه شده توجه داشته باشند و پیوسته با جدیت بکوشند تا موازین عالیه ای را که در تعالیم امر مبارک تعیین شده مراعات نمایند .

در نقشه الهی که حضرت عبدالهء برای آن عزیزان به میراث نهاده اند سرنوشت شکوهمند کسانی که اخلاف اولین ساکنان آن سرزمین هستند به وضوح ذکر شده است . از بومیل بهائی امریکا که در تعالیم الهی ثبوت و رسوخ حاصل کرده اند دعوت می شود تا با قول و فعل خود به کمک افرادی شتابند که هنوز به آن درجه از ادراک این تعالیم نائل نشده اند . پیشرفت به سوی آنچه برایشان مقدر است نیازمند آنست که از سوق و کشش به تفرقه و جنگ جوئی که در اطراف خود ملاحظه می کنند پرهیز نمایند و سعی کنند که برای تحقق اهداف نقشه چهارساله در خارج از محیط امریکای شمالی و در داخل ممالك خویش سهمی متمایز داشته باشند . باید همواره به کمک های

مؤثر و مهمی که می توانند در سراسر قاره آمریکا و در نواحی قطب شمال و در منطقه آسیائی اتحادیه روسیه معمول دارند توجهی مخصوص مبذول دارند .

توجه بهائیانی را که نیاکانشان افریقائی بوده اند و خود مورد محبت خاص حضرت عبدالهء قرار گرفته اند به احتیاج شدید به قیام مهاجرین برای پیشرفت امر الهی در نواحی بعیده عالم از جمله قاره افریقا جلب مینمائیم . حضرت ولی امرالله در آغاز اولین اقدامات برای سطوح انوار امر الهی در تنویر قاره افریقا مسئولیت خاصی برای مهاجرت به آن قاره بر عهده یاران مزبور نهاده اند . اگرچه مساعدت این یاران به جمیع جنبه های خدمات امری در داخل کشورشان و در سایر نقاط ارزش بسیار دارد و لکن می توانند برای خواهران و برادران افریقائی خود که حال در آستانه پیشرفت های عظیمی برای امر حضرت بهاء الله هستند منشاء تشویق و ترغیب گردند .

در طی سالهای اخیر جمعیت جامعه بهائی در امریکای شمالی در اثر ورود و اقامت تعداد زیادی از احبای مهد امرالله افزایش یافته است . از همه احبای ایرانی الاصل که منابع پر ارزشی از تجارب و قابلیتات هستند مصرًا خواستاریم که به منظور تحقق اهداف نقشه چهارساله ، بمراتب پیش از پیش و در ظل هدایت و رهبری مؤسسات امری در امریکای شمالی ، خود را وقف خدمات امریه نمایند . وحدت افکار و اقدامات در بین یاران شرق و غرب نمونه بارزی از قدرت جمال ابهی در رفع موانع ستنی و منشاء نیرومندی برای جلب توجه به امر الهی است .

امتیاز احبای آلاسکا این است که در ناحیه ای زندگی می کنند که حضرت ولی امرالله آنرا چنین توصیف فرموده اند : " ناحیه ای که مقدر است در تعیین سرنوشت روحانی جمهوری عظیم در مغرب زمین که ناحیه مزبور جزئی از آن محسوب می گردد سهمی بسزا داشته باشد و به تأسیس مؤسسات نظم جهان آرای الهی در سراسر قاره امریکا کمک شایانی مبذول دارد . " (ترجمه) کمک های پرارزشی که در سالهای اخیر به تأسیس امر الهی در سیبری نموده اند همراه با پیشرفت های قابل ملاحظه ای که در تقویت امور امری در کشور خود مبذول داشته اند شاهدهی بارز از استعدادی است که می توانند برای حد اکثر استفاده از فرصت هائی که در خلال نقشه چهارساله فراهم می آید به کار برند .

حضرت ولی امرالله جامعه شجیع بهائی کانادا را بخاطر " ثبات ایمان ، عزم ، جزم ، مساعی مستمر ، آمادگی برای فداکاری ، وفاداری نمونه ، شهامت خلل ناپذیر " (ترجمه) تحسین فرموده اند " (ترجمه) تحسین فرموده اند . سوابق موفقیت های آن جامعه طی نقشه سه ساله مؤید این توصیف و تمجید است . اقداماتی که در دفاع از امرالله و نشر نفحات الله در سراسر کره ارض و تأسیس مؤسسات امریه در کشورهای دور و نزدیک معمول داشته اند در مقایسه با تعداد اعضاء آن جامعه بسیار بزرگ و قابل تقدیر است . این موفقیت ها که موقعیت غبطه انگیزی در نقشه جدیدی که حال آنرا آغاز می نمایند به جامعه مزبور داده است .

چه بسا که جامعه بهائی گرین لند را به یاد آوریم ، ثبات ایمان و استقامت راسخشان در امر که سبب استحکام بنیان امر الهی در آن سرزمین بعید گردیده مورد تحسین و تمجید این مشتاقان قرار گرفته است . آن یاران الهی

با گرفتن الهام از وعده مذکور در الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء که اگر " قلوب حرارت محبت الله یابد ، آن خطه و دیار گلشن الهی شود و بوستان ربّانی گردد و نفوس مانند اشجار پرثمر به نهایت طراوت و لطافت تزئین یابند " اکنون باید قدم به پیش نهند و پیروزی های جدیدی را در آن سرزمین بدست آورند و ملت خود را به قوه تعالیم الهی تقلیب نمایند .

قریب به چهل سال قبل حضرت ولی امرالله اعضای جامعه بهائی ایالات متحده امریکا را " خادمان برازنده در صف مقدم امرالله، مدافعان قوی دل حقانیت و حقوق و دعاوی آن ، بانیان نظم اداری ، علمداران سپاه مجاهدین ، مشعل داران مدنیّی که هنوز در مرحله کمون است ، مساعدین اصلی پیروانی که به درماندگی و احتیاج و اسارت مبتلا هستند " (ترجمه) توصیف فرموده اند . بررسی موفقیت های ممتاز آن یاران محبوب در سه سال گذشته شاهد بارزی از استمرار تحقق مصادیق این توصیف و از کمکهائی است که برای پیشرفت امر الهی معمول می دارند . انتظار داریم که اعضاء جامعه بهائی در ایالات متحده در طی نقشه چهارساله اقداماتی قهرمانانه در خدمت به امر الهی معمول دارند که سبب اعجاب و تحسین یاران الهی در سراسر جهان گردد .

در امریکای شمالی برای پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین امکاناتی وجود دارد که در حال حاضر نظیر آن در هیچ منطقه دیگری در جهان موجود نیست . مشخصات سه گانه ای که مجموعاً این وضع را به وجود آورده عبارتند از : توانائی بی نظیر جوامع محلی که مخصوصاً در مساعی محافل روحانی محلی و فداکاری جوانان بهائی ملاحظه می گردد ، جلوه مثبت امر بهائی نه تنها در انظار عمومی بلکه در نظر پیشوایان افکار و نفوس ذی نفوذ و بالاخره تجمع ملل مختلفه در آن قاره که مهاجران و دانشجویان و پناهندگان را از همه مناطق جهان و از همه نژادها و ادیان اصلی جامعه انسانی با آغوش باز پذیرفته اند .

حضرت عبدالبهاء قاره امریکا را چنین توصیف فرموده اند که " در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار . " از یاران الهی که در چنین قاره ای زندگی می کنند دعوت می شود که از این شرایط مساعد حد اکثر استفاده را حاصل نمایند .

یاران عزیز ، حال باید از هر شك ، تزلزل و تردیدی که ممکن است در گذشته مانعی بوده خلاصی یافت و از نو خود را وقف خدمات و فعالیت های امری نمود . در این هنگام که قوای نیرومند روحانی در قلوب مردم زنده شده در حالی که با قاطعیت برای تحقق هدف دخول افواج مقبلین پیش می روید باید اقدامات شما شامل همه طبقات جامعه گردد ، چه افراد مرفه و چه تنگدستان هیچیک نباید از حیطه اقدامات شما دور مانند . باید هر جا که افراد جویای حقیقت یافت شوند ، چه در بین جماعات تحصیلکرده شهرنشین ، چه در محوطه دانشگاه ها ، چه در مراکز صنعتی و بازرگانی ، چه در مزارع و روستاها و چه در کوهستان ها و صحراها و دشت ها ، نفوس مستعد را پیدا نمود . باید سعی کنید چنان جامعه ای از افراد بهائی به وجود آورید که مثال زنده ای از مفاهیم وحدت در کثرت را به همه دنیا ارائه نماید . تأثیر و نفوذ مساعی شما می تواند به خارج از محیط آمریکای شمایل توسعه یابد . مخصوصاً احبای کانادائی فرانسوی زبان می توانند خدمات پر ارزشی برای امر در بین ملل و جزائر

فرانسوی زبان در سراسر جهان ایفا نمایند و احبائی را که در مناطق اطراف قطب شمال هستند می توانند سبب تقویت امور امری در آن مناطق شوند . برای یارانی که اصلاً از مردم اسپانیولی زبانند میادین خدمت در سراسر امریکای لاتین آماده است ، همه احباء باید تا آنجا که میتوانند برای تحقق مأموریت جهانی که به مخاطبان الواح نقشه تبلیغی تفویض گردیده از روابط خانوادگی و قومی خود با سایر مناطق جهان استفاده نمایند .

در این ساعات بحرانی در سرنوشت بشر ، نظر ما با اشتیاق و امیدوری به سوی بهائیان جمیع مناطق امریکای شمالی است ، احبائی که خزانه ای از منابع انسانی و مادی را تشکیل می دهند که در سایر مناطق جهان شبیه و نظیر ندارد . در حالی که در مسیری مشخص به پیش می روید باید این بیانات مرکز عهد و میثاق الهی را در الواح فرامین تبلیغی بخاطر داشته باشید که خطاب به آن عزیزان چنین می فرمایند : « امیدوارم که بزودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازد ، لهذا عبدالبهاء را آرزو چنانست که مثل خطه امریک در سایر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی صیت امرالله را به شرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات خمسۀ عالم بشارت به ظهور ملکوت ربّ الجنود دهید . »

برای اجرای این وظائف خطیری که حال بدان مأمور شده اید در هر قدمی که بر دارید ادعیه صمیمانه این مشتاقان در اعتاب مقدّسه علیا شامل حال و همراه شماست .

بیت العدل اعظم

« قسمتی از یکی از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء »

در قرآن میفرماید ﴿ ان الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الى النور ﴾ یعنی خدا مؤمنین را دوست میدارد لهذا آنان را از ظلمات نجات داده در عالم نوری آورد * در انجیل شریف میفرماید که باطراف جهان روید و ندا بملکوت الله نمائید * حال وقت آنست که شما باین خدمت عظمی قیام کنید و سبب هدایت جم غفیری گردید تا باین سبب انوار صلح و سلام جمیع آفاق را روشن و منور نماید و عالم انسانی راحت و آسایش یابد *

ترجمه

پیام بیت العدل اعظم

خطاب به پیروان حضرت بهاء الله در آسیای غربی و مرکزی - رضوان ۱۵۳

یاران عزیز الهی :

در احوالی که این قرن نورانی ولی پر تلاطم به پایان می رسد جامعه بهائی در جریان پیشرفت تدریجی نقشه الهی مجاهدتی جدید را آغاز می نماید . نقشه های جهانی که تا بحال با مساعی پیروان مخلص امر الهی اجراء شده انوار ظهور حضرت بهاء الله را منظمأ در اطراف و اکناف کره ارض منتشر ساخته و مؤسسات نظم اداریش را بنحوی مستحکم تأسیس نموده است . نقشه چهار ساله که هدف اصلی آن حصول پیشرفتی قابل ملاحظه در جریان دخول افواج مقبلین به ظلّ شریعت حضرت ربّ العالمین است در زمانی آغاز می گردد که امر الهی از مرحله مجهولیت خارج شده و کمک و همکاری با جامعه انسانی روز به روز بیشتر مورد توجه و اعتنا قرار گرفته و مصائب و متاعبی که جامعه بشری طی زمانی طولانی تحمل نموده زمینه را برای تحرّی معیارهای روحانی آماده ساخته و استعداد قبول امر الهی را افزایش داده است .

از یاران بسیار محبوب در مناطق غربی و مرکزی قاره آسیا که مهد قدیمیترین و محترم ترین جوامع بهائی است انتظار داریم که به تقویت مؤسسات امریه که اساسشان الهی است پردازند و در طی سالهای این نقشه بار دیگر با همان خلوص و دلاوری و عزم جزمی که تا بحال امتیازاتی بی نظیر را نصیب آنان ساخته است قیام نمایند . این افتخار نصیب شماست که در منطقه ای به خدمت امر الهی می پردازید که مشرق و مطلع یوم الله است و در آغوشش امر نوزاد الهی پرورش یافته و چه بسیار خون های پاک و مقدّسی که بر خاکش نثار گشته و در سواحل غربی اش قبله اهل بهاء قرار گرفته و در سینه اش اولین مشرق الاذکار عالم بهائی مرتفع شده و در سنین ماضیه از آن منطقه جنود مجنّده مؤمنان مخلص و خدوم قیام نموده و علم امر الهی را به جمیع اطراف و اکناف عالم حمل نموده اند .

ابتدا توجه خود را به عشاق جمال اقدس ابهی در سرزمینی که زادگاه امرش بوده است معطوف می داریم . گرچه هنوز آن یاران عزیز از مشارکت مستقیم در اقداماتی که امر الهی را در سراسر عالم با مداومت منظم پیش می برد محرومند ولی انتصاراتشان دلیل قاطعی بر قوه خلاقه فداکاری هائی است که همه روزه برای حمایت و دفاع از امر الهی ابراز می دارند . در این هنگام که این نقشه جهانی آغاز می شود آنچه را به وضوح می توان مشاهده کرد این واقعیت است که منبع قوای روحانی در جامعه بهائی ایران که در اثر

مصائب و اضطهادات تصفیه و مطهر گشته و در اثر مقابله با مشکلات و تحمّل خصومات چون فولاد آبدیده شده مخزنی از قوای معنویّه را تشکیل می دهد که در میقات مقدّر الهی ثمرات بی شماری برای امر الهی به بار خواهد آورد . « بگو آبشخور این طیور صحرانی دیگر و مقامی دیگر است . »

در سرزمین هائی که در جنوب و غرب ایران قرار گرفته بهائیان دچار تضییقاتی هستند که مانع از تبلیغ هموطنانشان می گردد . اما با تبرّعات و مجهودات عظیمه ای که برای پیشرفت امرالله در سایر مناطق عالم مبذول نموده اند ثابت کرده اند که آتش اشتیاق به انتشار پیام الهی را نمی توان خاموش نمود . ذوق و شوق و سرعت اقدام احبای آن مناطق که بلافاصله پس از رفع موانع تبلیغ امرالله در جمهوریات آسیای مرکزی و قفقاز به آن صفحات عزیمت نمودند مخصوصاً مایه امیدواری و اطمینان است . این نفوس با استمرار مساعی خود گروه های کوچکی از احبای آن مناطق را که سالیان دراز در آن حدود استقامت نموده بودند به منظور تأسیس جوامعی فعّال که حال در مسیر شکوفائی و رشد سریع قرار گرفته اند مساعدت نمودند . شبهه ای نیست که این یاران عزیز به مساعدت های پر ارزش خود به جامعه های بهائی در جمهوریات آسیای مرکزی و قفقاز در طول مدّت نقشه چهار ساله ادامه خواهند داد .

در این جمهوریات در اثر مساعی مشترک مبلّغین بومی و سیّار پیشرفت های خارق العاده ای را می توان انتظار داشت . راه و روش رشد سریع امر الهی در این صفحات بدین ترتیب بوده است که نقاط یکی بعد از دیگری مفتوح گشته و به سبب آمادگی مردم برای اقبال به امر الهی تعداد مؤمنین به سرعت افزایش یافته و در نتیجه محفل روحانی برای هدایت امور جامعه نوزاد انتخاب شده است . همراه با این اقدامات ، از همان ابتداء دوره های تزئید معلومات امری ترتیب داده شده که در اثر آن دوستان جدید خود مروجین جدّی امر مبارک شده اند . اگر مساعی مربوط به توسعه و تحکیم امر الهی به همین نحو و شدّت در سالهای آینده ادامه یابد رشد جامعه بهائی تسریع خواهد شد و تعداد احباء و مراکز امری افزایش عظیمی خواهد داشت . برای تحقق چنین رشد و پیشرفت سریعی احباء در این ممالک باید چنان در تحصیل معارف امری عمیق شوند که به ابتکار خود بتوانند مشعل هدایت را در دست گیرند و جمعیت کثیری را به نور ایمان منور سازند . یاران مزبور نباید به داشتن جامعه های کوچک راضی باشند و نباید اجازه دهند که اداره امور تشکیلاتی جامعه سبب انحراف توجه و مساعی آنان از هدف اصلی یعنی وارد ساختن اعضاء جدید در جامعه گردد . هر جامعه ای از همان مراحل اولیّه تأسیس خود باید با توجه به عظمت امر الهی به قیام و حرکت در آید و از شور و اشتیاق برای حصول توسعه سریع و مداوم امر در محلّ خود و در شهرها و روستاهای اطرافش سرشار گردد .

در پاکستان که جامعه امر بخوبی استقرار یافته و سابقه تاریخی آن به حدود یکصد سال می رسد یاران الهی باید برای ازدیاد قابل ملاحظه احباء از افراد جميع طبقات سعی بلیغ مبذول دارند . عزم و اراده لازم برای توسعه و تحکیم در سطحی وسیع در اثر اجرای برنامه های مستمر و وسیع تعلیم و تدریس منظم معارف بهائی حاصل می گردد ، برنامه های که کلام خلاقه الهی را به گروه های روز افزونی از افراد مؤمنین تعلیم دهد و بدین ترتیب توانائی روحانی آنان را برای نشر نجات الله و توسعه و پیشرفت مؤسسات امریه افزایش بخشد . لازمه رشد سریع امر مبارك در آن سامان پیش قدمی روز افزون نسوان بهائی در فعالیت های امری ، چه در خدمات تبلیغی و چه در زمینه های اداری است . یاران الهی در پاکستان در حالی که برای دخول افواج مقبلین به شریعه رب العالمین در کشور خود اقدام می نمایند باید توجه مخصوصی به همسایگان افغانی خود مبذول دارند . آنان مدت مدیدی است که دچار متاعب اند و مشتاق و خواهان وصول پیام شفا بخش حضرت بهاء الله هستند ، پیامی که تنها درمان دردها و مصیبات آنان است .

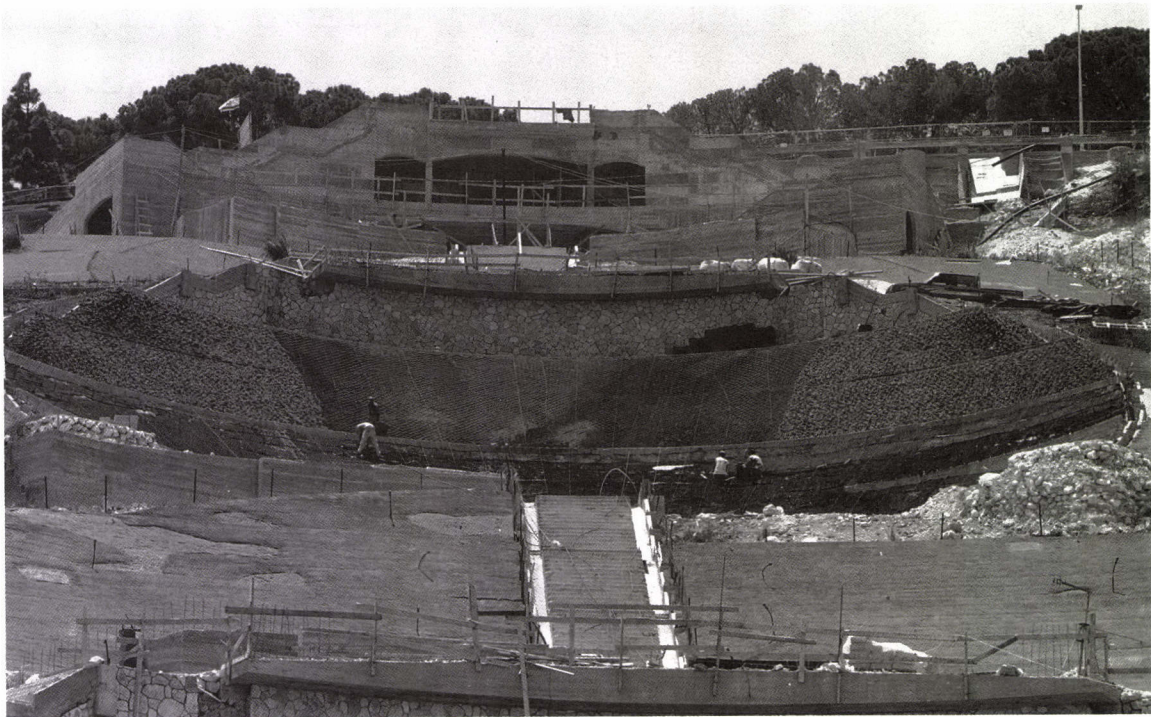
در جميع کشورهای آن خطه باید تربیت اطفال را مقدم شمارید . از آنجا که تاثیر تعلیم حضرت بهاء الله را در نسلهای متوالی ملاحظه کرده اید . ارزش تربیت بهائی و رشد و پرورش صحیح روحانی را میتوانند به خوبی ادراک نمایند . در مناطقی که حتی فعالیت های امری محدود است می توان اطفال جامعه را در هر حال تعلیم داد و به آنها کمک نمود تا به نحوی پرورش یابند که اعمده قوت و استحکام برای جامعه شوند . در مناطق دیگر ممکن بل قطعاً ضروری است که کلاس های درس اخلاق را به روی اطفال خانواده های غیر بهائی نیز بگشایید تا این کلاس ها در نزد اهالی آن نقاط بعنوان مربیان نسل های آینده معروف و مشتهر گردند .

دوستان عزیز ، فرصت کوتاه و وظائفی سنگین بر دوش هر يك از افراد بهائی قرار گرفته است . حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس می فرماید : نراکم من افقی الابهی و ننصر من قام علی نصره امری بجنود من الملاء الاعلی و قبیل من الملائكة المقربین .

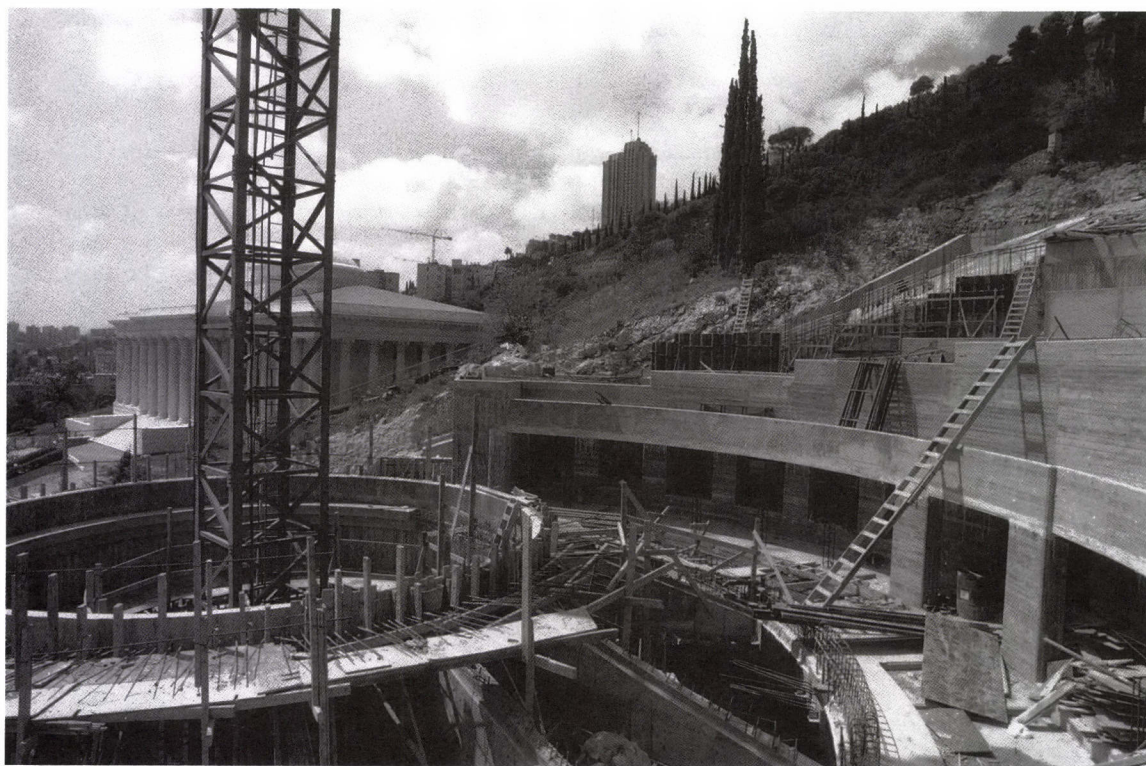
اطمینان داشته باشید که خدمات خالصانه شما همچون مغناطیسی تأییدات لاریبیه را جلب می نماید و قلوبتان را از مشاهده پیروزیهای پی در پی امر الهی که برای هر يك از شما عزیز و گرانها است ، پر شمع و سرور می سازد . همگی شما را در ادعیه خود در اعتاب مقدسه علیا بیاد آریم و از آستان قدس حضرت بهاء الله هدایت و حمایتش را مسئلت نمائیم تا در سالهای نهائی این قرن که از نظر روحانی واجد امکانات و استعدادات فراوان است در اجرای وظائف سنگینی که بر عهده دارید موفق و مؤید گردید .

بیت العدل اعظم

پیشرفت عملیات ساختمانی قوس کوه کرمل در می و جون ۱۹۹۶



فرستنده دایره پروژه کوه کرمل - عکاس روحی ورقا



کتاب مفاوضات

چگونه به وجود آمد ؟

« پرسش » به معنای پرسیدن سئوالات عمومی و حائز اهمیت از شخصیت های معتبر و مسئول ، فنّی است که در مشرق زمین کمتر معمول بوده و هنوز هم به درستی شناخته نشده است . صاحب این فنّ همیشه ابتکار عمل را در دست دارد ، چه جواب در مقابل سؤالت . اگر سؤال درست و جالب نباشد ، انتظار جوابی صحیح و چشمگیر را نباید داشت . تنها پرسش مفید آفریننده پاسخ مفید است . سؤال کردن مانند جستجوی مروارید از کف دریا و یا استخراج زر از دل زمین است ، اگر توأم با علم و تجربه نباشد ، کوششی بیهوده است ، با سئوالات مناسب است که میتوان حقیقت پوشیده ای را هویدا کرد ، و گوهر دانش نهفته ای را از ژرفای مغز دانشمندی بیرون آورد . مصاحبه کنندگان معروف سیاسی و اجتماعی که در رسانه های ارتباط جمعی با بزرگان جهان روبرو می شوند ، هنرشان خوب سؤال کردن ، و به عبارت دیگر طرح سئوالات بجا و احياناً تیز و برنده است . آنان فنّ سؤال کردن را هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی ، آموخته اند ، و به همین ملاحظه به شهرت و ثروت و قدرتی پنهان رسیده اند . اما وجه منفی این فنّ در انبوه سئوالات نیشدار و غرض آلود و یا پرسشهای کودکانه و عامیانه و خارج از موضوع

دکتر سیروس علانی

ظاهر می شود . بنابراین مردم جهان مدیون معدود پرسشگرانی هستند که سئوالاتشان بجا و سودمندست . در میان چنین نفوسی خانم لورا بارنی (۱) دست کم در دهه اول قرن بیستم ، درخشش ویژه ای دارد ، و همیشه از او به نیکی و احترام یاد خواهد شد . سئوالات مفید و مطالعه شده ایشان از حضرت عبدالبهاء جوابهایی چون جواهر نه فقط برای اهل بهاء بلکه برای عموم مردم دنیا ، به یادگار گذارده است . خانم بارنی می دانست چه سؤال کند و شهامت آن را داشت که سئوالات خود را مطرح نماید و حاضر بود که هر مدتی لازم است برای نیل به منظور خود منتظر شود .

نتیجه سئوالات این بانوی استثنائی کتابی است که اوّل « گفتگو بر سر نهار » (۲) نامیده شد ، و بعداً به « النور الابهی فی مفاوضات عبدالبهاء » تسمیه گردید ، و نزد فارسی زبانان به « مفاوضات حضرت عبدالبهاء » و یا « کتاب مفاوضات » (۲) معروفست . عنوان ترجمه انگلیسی این مجموعه (۴) « سؤال و جوابی چند » است که مناسب کتاب است . بیان بخشی از زندگی نامه خانم لورا بارنی در ارتباط با کتاب مفاوضات و شرح تاریخچه به وجود آمدن مجموعه مذکور ، موضوع این مقاله کوتاهست ، ولی بررسی مطالب کتاب منظور این منظور نیست .

خانم لورا بارنی به سال ۱۸۷۹ در آمریکا در خانواده ای که اهل دانش و هنر بودند متولّد شد

، (۵) و بعد از نود و پنج سال زندگی پر از حرکت و فعالیت در سال ۱۹۷۴ در پاریس در گذشت. او تحصیلات خود را در آخرین دهه قرن نوزدهم در فرانسه به اتمام رسانید و سراسر عمر خویش را وقف بهبود روابط افراد انسانی و اتحاد نفوس مختلفه بشری کرد. خانم بارنی شخصی بود با فراست و منطقی و اهل تتبع و تحقیق، ناطقی بود زبردست و چندین بار به دور دنیا سفر کرد و همه جا در مورد لزوم یگانگی و اتحاد به ایراد خطابه پرداخت و این در عصری بود که جهان در ژرفنای تفرق و ملی گرایی افراطی دست و پا می زد، و گوش شنوایی برای وحدت عالم انسانی وجود نداشت. با وجود این از ذوق و شوقش در نیل به اهداف عالیّه خویش تا آخرین دم حیاتش کاسته نشد. او با امر بهائی در سال ۱۹۰۰ در پاریس به وسیله خانم می آلیس بولز (۶) آشنا شد و ایمان آورد. وی در میان غربیانی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به حضور حضرت عبدالهء مشرف شدند. مکان و منزلت خاصی دارد، چندین بار به ارض اقدس سفر نمود و اجازه یافت که اوقات زیادی را در حضور سرکار آقا و عائله مبارک سرکند. وی حضرت شوقی را هنگامی که کودک بودند در عکا ملاقات کرد، و در این مورد می نویسد:

« اولین ملاقات خود را با حضرت شوقی در ارض مقصود به خوبی به خاطر دارم. در آن هنگام ایشان

پنج یا شش ساله بودند (باید سال ۱۹۰۱ بوده باشد) و در حالی که لباس قهوه ای رنگ ایرانی بر تن داشتند، در حضور حضرت مولی الوری مناجاتی تلاوت کردند. نگاه نافذ و لب های کشیده ایشان گوئی از آینده ای که برای حضرتش مقدّر بود، حکایت میکرد. « وقتی خانم بارنی متوجّه شد که حضرت عبدالهء قصد دارند وسائلی جهت تعلیم زبان و ادبیات انگیزی به حضرت شوقی فراهم آورند، بانوئی مهدّب و فرهنگی را از اهالی انگلستان به حضور مبارك معرفی کرد (۷) و تعلق خاطرش به حضرت شوقی با گذشت زمان به حسّ روز افزونی از تحسین و احترام تبدیل شد. مادر ایشان خانم آلیس بارنی (۸) که هنرمندی کامل عیار، و از جمله نقاش و شاعر و موسیقیدان و معمار بود، نیز به امر مبارك ایمان آورد و در سال ۱۹۰۵ با دختر نیک اخترش همسفر ارض اقدس شد. بعضی از تابلوهای نقاشی خانم آلیس بارنی در موزه ملی واشنگتن (۹) محفوظ است، و وی در سال ۱۹۰۲ وقتی جناب ابوالفضائل گلپایگانی در شهر واشنگتن بودند، صورتی از ایشان نقاشی کرده است.

اما تاج خدمات خانم لورا بارنی بدون شك تنظیم کتاب مفاوضات است که در ادبیات دینی جهان بی نظیر است. این کتاب نه جمع آوری مطالب مختلفی است که حضرت عبدالهء بدون مقدمه بیان فرموده باشند، و نه شباهتی به مصاحبه های سنتی و یا امروزی دارد، بلکه جواب آزاد و گاهی مفصل به

سئوالات مفیدی است که گهگاه در سر میز نهار عنوان شده است. این سئوال و جوابهای خصوصی و غیر رسمی طی سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۶ در عکا (بیت عبدالله پاشا) در برهه ای از زمان انجام شده که مخاطره آمیز و شاید سخت ترین ایام حیات حضرت عبدالبهاء بوده است، چه در آن ایام به حالت تبعید در محدوده شهر عکا محبوس بودند و اجازه نداشتند میهمانان زیادی را بپذیرند، و ساختمان شش اطاق اولیه مقام اعلی همراه با تفتین ناقضین و جور وجفای هیئت های تفتیش در جریان بود.

حضرت شوقی ربانی در کتاب قرن بدیع (۱۰) میفرمایند:

«... و در این موقعیت خاص بود که حضرت عبدالبهاء در وقت محدودی که میتوانستند (موقع تناول نهار) صرفه جوئی کنند، ضمن گفتگوهای مشهور خود که بعداً تحت عنوان « کتاب مفاوضات » طبع و نشر گردید، پاره ای از جهات و جنبه های اصلی امر اب مکرم خویش را روشن فرمودند و دلائل عقلی و نقلی بر صحت این امر اقامه کردند و مواضع متنوعی را در مورد دیانت مسیحی و انبیای الهی و بشارات انجیلی و اصل و مبداء انسانی و دیگر مسائل وابسته به نحوی متقن توضیح دادند. « و نیز میفرمایند: « خدمت جاودانی و فنا ناپذیر خانم لورا بارنی جمع آوری توضیحات گرانقدر حضرت عبدالبهاء در مورد مسائل بسیار متنوعی

بود که طی دوره ممتد زیارتش در ارض مقصود بیان فرمودند، و وی توضیحات مزبور را به صورت کتابی به نام « مفاوضات » برای آیندگان باقی گذارد. » (۱۱)

دکتر یونس افروخته که در آن ایام در عکا مشرف و مقیم بوده و مدتی طولانی در سر سفره نهار سئوالات خانم بارنی را به فارسی و بیانات حضرت عبدالبهاء را به انگلیسی ترجمه میکرده، شرح نسبتاً مفصلی در این مورد در « خاطرات نه ساله » آورده است که بخشی از آن اطلاعات جالب و دست اول ذیلاً نقل می شود: (۱۲)

«... حضرت عبدالبهاء او (خانم بارنی) را به لقب امة البهاء مفتخر و سرافراز فرمودند. در زمان تشرف این عبد سه مرتبه برای کسب فیض مشرف شد. دفعه اخیر امة الله میس روزنبرگ (۱۲) اهل لندن را به عنوان منشی و کاتب همراه آورد و تقریباً مدت یکسال توقف نمود... و از فرط اشتیاق که برای درک حقایق و معانی داشت، زندگانی مدینه مطموره عکا و بیت محقر سجن محبوب امکان را به جمیع قصور عالیه ممالك غرب ترجیح میداد. با داشتن ثروت و استطاعت و مال و منال در عنوان جوانی به این ترتیب زندگانی علاقه مفرطی داشت... گاهی بر سبیل مزاح به او میفرمودند « تو باید در این فصل گرمای تابستان در قصور و عمارات عالیه ییلاقی سویس و جبال باصفای اروپا زندگانی کنی، در این مدینه

خرابه عكا با ما فقرای مسجون چرا به سر میری ؟
 ... این خانم مانند سایر دوستان غربی در سر سفره درك فیوضات مینمود ... تنها وقتی که برای جواب سؤالات این خانم مقرر بود همانا در سر میز بود ، آن هم فقط در هنگام نهار یعنی ساعت يك بعد از ظهر ، زیرا هیکل مبارك در شبانه روز يك وعده بیشتر غذا میل نمی فرمودند ، و در ایام صیام نهار روز به افطار شام مبدل میگشت ، بالجمله این گفتگو بر سر نهار که نام اصلی این کتابست ، هرچند خوب وسیله ای بود که هیکل مبارك ساعت معینی را برای صرف غذا جلوس فرموده و غذای ماکول مسلمی را تناول فرمایند ، و مثل سایر اوقات بی ترتیب و به ساعتهای مختلف به نان و زیتون یا نان و پنیر اکتفا نفرمایند ، ولکن اوقاتی که برای تفهیم مطالب و تشریح نکات صرف می شد ، دیگر فرصت اکل طعام باقی نمی ماند ... در هر حال خاطر مبارك از این زحمت به هیچوجه آزاده نبود ، و از این خستگی اظهار ملالت نمی فرمودند ، مخصوصاً يك روز که از سر سفره برخاستند مختصر اظهار خستگی نموده ، سپس به این عبارت اظهار مسرت فرمودند : « بازخوبست که الحمدلله بعد از این همه زحمت مطلب را خوب می فهمد و رفع خستگی می شود . اگر با همه این تفصیل مطالب را خوب درك نمیکرد ، من چه میکردم ! ، مقصود این است که هیکل مبارك از زحمات این خانم راضی و مسرور بودند . ترتیب

جلوس در سر سفره بیشتر اوقات چنان بود که هیکل مبارك در رأس میز و در طرف دست چپ میس بارنی و زیر دست ایشان میس روزنبرگ ، سپس يك عده هشت یا نه نفر دیگر از مسافران با مجاورین حاضر بودند . و این عبد (دکتر یونس خان) عموماً در زیر دست مبارك روبروی میس بارنی می نشستم ، سؤالات ایشان را از انگلیسی به فارسی ترجمه نموده ، جواب مبارك را مجدداً به انگلیسی ترجمه و ابلاغ می کردم ، و امة الله روزنبرگ سئوال و جواب هر دو را به سرعت می نوشت . اما باید دانست که مطلب به این سهولت و سادگی انجام نمیگرفت ، زیرا میس بارنی ناچار بود مطلب خود را اولاً به مترجم بفهماند ، و مترجم عین مطلب را فهمیده یا درست نفهمیده به سمع مبارك برساند ، و جواب را سنجیده یا نسجیده به زبان انگلیسی اما با لحن شرقی و اصطلاح امری ترجمه نماید ، و میس روزنبرگ مسموع خود را به رشته تحریر در آورد . اگر از برای شخص سائل (سؤال کننده که خانم بارنی باشد) اقناع حاصل نمی شد ، تکرار مطالب لازم ، و این تکرار موجب اطالة کلام و باعث تأخیر و تعطیل اکل طعام میگردد ... طرز بیان مبارك در تشریح و توضیح مطالب به قسمی بود که مستمع را مفتون و مدهوش می نمود . حتی گاهی اتفاق می افتاد که ایراد و اعتراض سائل را قبلاً تذکر میدادند و جواب آن را گوشزد مینمودند ، کما اینکه يك روز که در موضوع

« در وجود شرّ نیست ، بیانات میفرمودند ، یکمرتبه متبسمانه به این عبد تذکر دادند ، حالا خواهد پرسید که پس خدا عقرب را چرا خلق کرده است ؟ ، دقیقه ای طول نکشید که امة البهاء (خانم بارنی) بی اختیار همین مطلب را سؤال کرد ، فرمودند ، دیدی گفتم ، پس در جواب بگو این امر وجودی است ، بلی عقرب شرّ است اما بالنسبه به ما ، ولكن بالنسبه به خودش شرّ نیست ، بلکه این سمّ سلاح اوست که با آن نیش محافظه خویش نماید ، اما چون عنصر این سم با عنصر ما تطابق نمی دهد لهذا شرّ است ، خلاصه آنکه اشارات از این قبیل بسیار شنیده می شد و باعث فرح و انبساط میگردد . . . باری چند ماهی صحبت های سفره به این ترتیب جاری بود تا آنکه اهل بیت مبارك و منتسبین که این بیانات را شنیدند به این نکته برخوردند که اگر میس بارنی در بحر اعظم الهی غوص ننموده بود ، این لثالی گرانها در قعر این دریا تا ابد بی ثمر میماند ، و این جواهر رحمانی در عمق معادن معانی مستور بود ، پس حالا که این لثالی مکنونه مکشوف گردید ، خویست عین الفاظ مبارك هم به زبان فارسی در اوراق و صفحات روزگار باقی و برقرار بماند ، لهذا از حضور مبارك تمنا نمودند يك نفر نویسنده در محضر انور حضور یابد و عین کلمات گوهر بار را دانه دانه برچیند و در سلك دُر شاهوار در آورد . الحمدلله این مسئول به اجابت مقرون و جناب میرزا

منیر ابن مرحوم میرزا محمد قلی به این سمت مأمور گردید ، و همه روزه در جوار مبارك نشست ، و کلمات را به رشته تحریر در آورد . اما این ترتیب تحریر هم برای هیکل مبارك خالی از زحمت نبود ، زیرا تصحیح و تنظیم آن باز بر عهده مبارك بود و همچنین جمع آوری بیانات گذشته از روی ترجمه انگلیسی و تنظیم آن بسیار طولانی شد ، و میس بارنی زحمت بسیار تحمل نمود . خلاصه آنکه وقتی که دو ثلث کتاب نوشته شد ، مسافرت اروپای این عبد (دکتر یونس خان) پیش آمد ، و خدمت ترجمه به عهده صبیای مبارك محوّل گردید ، و ضمناً امة البهاء (خانم بارنی) به واسطه کثرت ممارست و تمرین و مطالعه کلمات الهی در زبان فارسی تسلّط یافت ، و این خدمت را در عالم امر به خوبی انجام داد ، و این یادگار فنا ناپذیر را از خود باقی گذاشت «

خانم بارنی در نامه مورخه هفتم اگوست ۱۹۲۷ خود به دکتر یونس خان می نویسد : (۱۴) « . . . انگلیسی و فرانسه آن (کتاب مفوضات) که چاپ شده است مستقیماً از مضمون فارسی که حضرت مولی الوری تصحیح فرموده بودند ، ترجمه شده است . . . »

من از ابتدا مایل بودم که فرمایشات مبارك به فارسی هم نوشته شود ، ولی وقتی که حضرت مولی الوری ملاحظه فرمودند که این بیانات باید وقتی تصحیح شود ، لهذا امر فرمودند عین مضامین

فارسی هم نوشته شود ، البته شما میدانید که حضرت مولی الوری نه فقط نسخه اول مرقومه میرزا منیر را تصحیح فرمودند ، بلکه (آنچه) بعد از آن استنساخ شد ، خود ایشان دوباره مطالعه فرمودند و هریک از این مفاوضات را امضاء فرمودند .

بنابر مراتب بالا ابتدا نسخه فارسی کتاب طی سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۶ بتدریج کامل شد و به نظر مبارك حضرت عبدالبهاء رسید که آن را با اعمال تصحیحاتی تصویب فرمودند ، سپس در پاریس خانم بارنی با کمک خانم روزنبرك ترجمه جدید انگلیسی از روی نسخه مصوب فارسی تهیه کرد . نسخه انگلیسی کتاب تحت عنوان ، سؤال و جوابی چند ، با مقدمه خانم بارنی و فهرست مطالب برای اولین بار در لندن در سال ۱۹۰۸ به چاپ رسید ، سپس در امریکا در سال ۱۹۱۸ و ۱۹۳۰ و ۱۹۵۴ و ۱۹۶۴ و ۱۹۸۱ تجدید طبع شد . اولین قطع جیبی این کتاب با مقدمه مفصل تری از ناشر و با فهرست اعلام در سال ۱۹۸۴ منتشر و در سال ۱۹۹۰ تجدید چاپ گردید . (۱۵) . نسخه فارسی کتاب نیز به همت خانم بارنی در لایدن هلند در همان سال ۱۹۰۸ با فهرست مطالب و مقدمه ای از ناشر (در مورد مقدمه فارسی و فهرست مطالب در آخر این مقاله توضیحی آمده است) به چاپ رسید . سپس به وسیله موسسه مطبوعات امری ایران از طریق عکس برداری از روی نسخه چاپ لایدن مکرر تجدید طبع شد و حتی جلد مقوائی سبز رنگ

و عنوان « مفاوضات حضرت عبدالبهاء » روی جلد و « النورالابهی فی مفاوضات عبدالبهاء » در داخل کتاب حفظ گردید (۱۶) بعد از انتشار کتاب به فارسی و انگلیسی ، محقق بهائی جناب هیپولیت دریفوس (۱۷) که در سال ۱۹۰۱ به عنوان اولین فرانسوی امر مبارك را تصدیق نموده بود ، داوطلب شد که در ترجمه این اثر به زبان فرانسه با خانم بارنی همکاری کند . این اشتراك مساعی به دوستی و بالاخره در سال ۱۹۱۱ به ازدواج این دو نفس خدوم انجامید ، و از آن پس خدمات امری خود را مشترکاً انجام دادند . از جمله به توصیه حضرت عبدالبهاء به ماکو و بعضی نقاط دیگر ایران و نیز به عشق آباد که در آن زمان شاهد اختتام بنای اولین مشرق الاذکار بهائی بود ، سفر کردند ، و سپس راهی هندوچین و دیگر نقاط خاور دور شدند .

حضرت عبدالبهاء خدمات خانم لورا کلیفورد بارنی دریفوس را در مکاتیب متعددی ستودند و اهل بیت مبارك هدایائی از جمله چند قطعه جواهر به ایشان اهدا کردند . خانم بارنی در همان نامه هفتم اگوست ۱۹۲۷ خود را به دکتر یونس خان می نویسد : « زمستان سال گذشته (۱۹۲۶) نسخه اخیر تصحیح شده و امضاء شده مبارك را به توسط انگیز خانم تبریزی که عازم حیفا بود ، حضور حضرت شوقی افندی ارسال داشتم . . . » ایشان تمام مکاتیب و هدایا را نیز به وسیله جناب اوگو

جیاکری به ساحت بیت العدل اعظم تقدیم داشت . خانم بارنی در ساختن منزلی در حیفاً برای اقامت حضرت عبدالبهاء (بیت مبارک در حیفاً) کمک موثری بود و خدمات عمومی ایشان در ارتباط با جامعه ملل و سازمان ملل متفق و تشکیلات بانوان فرانسه مفصل و خارج از بحث ماست . کافی است ذکر شود که به ایشان مدال معروف فرانسه به نام " فارس هنگ افتخار " (۱۸) اهدا شده است . نگارنده در تابستان سال ۱۹۵۲ وقتی محصل جوانی در آلمان بودم ، در سفری به پاریس به حضور این بانوی موقر و گرامی رسیدم ، و روحانیت و محبت و صفای ایشان را در آن زمان که هفتاد و سه سال از عمرشان میگذشت ، از یاد نمی برم ، وقتی صعود ایشان به ملکوت ابهی در نود و پنجسالگی در پاریس اتفاق افتاد ، بیت العدل اعظم طی تلگرافی ایشان را از معدود ناشران عصر رسولی و اثر جاودانش " کتاب مفاوضات " را در ادبیات جهانی بی همتا دانستند و مقرر فرمودند که تمام جوامع بهائی فرانسه برای تجلیل از خدمات برجسته اش ، جلسات یادبودی منعقد نمایند .

مقدمه فارسی کتاب مفاوضات

مقدمه ای که به خانم بارنی در نشر فارسی لاییدن (۱۹۰۸) و نشرهای بعد از آن نقل شده با نوشته اصلی ایشان که به انگلیسی در چاپ اول لندن (۱۹۰۸) و چاپ های بعدی آمده ، تفاوت فاحشی

دارد ، و مترجم فارسی از حد ترجمه آزاد بسی فراتر رفته است . به نظر میرسد که نویسنده فارسی زبان و عربی دانی چند مطلب اصلی مقدمه را از متن انگلیسی گرفته و با کسر و اضافات زیادی به فارسی نا مانوسی بازگو کرده و از جمله از واژه هایی که حتی در آن زمان کمتر متداول بوده ، مانند " شروق " (۱۹) و " اغتراف " (۲۰) و " عُبَاب " (۲۱) و " مُنْخَرَط " (۲۲) و امثال آن سود جسته است . سیاق مقدمه فارسی از هر حیث با سبک انگلیسی خانم بارنی و نیز با روش فارسی حضرت عبدالبهاء متفاوت و بلکه مغایر است ، و بنابراین نمی تواند معرف خوبی برای شخصیت فرهنگی و روحانی خانم بارنی باشد . نام مترجم بر نگارنده معلوم نیست ، آنچه معلومست اینست که او معتقد بوده که برای این مقدمه نثر مغلق و پیچیده و پر تعارف منشیان حرفه ای در شرق مناسبتر از نوشته ساده و روان و بی تکلف این بانوی غربی است . به عبارت دیگر پیشگفتار فارسی معرف شخصیت خاص خانم بارنی نیست ، و به نظر میرسد که ایشان از تفاوت مقدمه فارسی با آنچه خود به انگلیسی نگاشته تا حدی مطلع بوده است ، چه در نامه ای که به تاریخ هفتم اگوست ۱۹۲۷ به دکتر یونس خان نوشته (۲۳) میگوید :

" ... توصیه میکنم مقدمه مختصری (را) که برای این کتاب مفاوضات در سنه ۱۹۰۷ نوشته ام ملاحظه کنید . حالا به خاطر ندارم آیا مقدمه ای که در

چاپ انگلیسی و فرانسه نوشته شده است ، همانست که در فارسی است . . . » آنچه از دست نگارنده بر می آید اینست که ترجمه ساده ای از مقدمه انگلیسی خانم بارنی به دست بدهم تا خوانندگان گرامی با مقدمه فارسی مقایسه و خود ملاحظه نمایند که تفاوت ره از کجاست تا به کجا . .

پیشگفتار - ترجمه از انگلیسی (۲۴)

روزی حضرت عبدالبهاء بعد از آنکه جواب یکی از سؤالات اینجانب را بیان داشتند ، در حین ترك میز نهار فرمودند : « من اوقات خستگی خود را به شما داده ام . » کار سؤال و جواب در چنین اوقاتی ادامه داشت ، و بین ساعات کار ، خستگی حضرتش با تجدید فعالیت تخفیف می یافت . ایشان گاهی می توانستند مفصل تر صحبت کنند ، ولی اغلب اوقات ، حتی اگر توضیح مطلب به زمان بیشتری نیاز داشت ، می بایست برای انجام امور دیگر لحظاتی بیرون تشریف ببرند ، و بعد ممکن بود روزها و هفته ها سپری شود تا موقعیتی پیش آید که به درس و بحث من برسند . ولی من میتوانستم منتظر بمانم ، چه همیشه درس بزرگتری برای آموختن داشتم ، و آن مطالعه زندگی شخصی حضرتش بود . طی چند سفری که به عکا رفتم ، توضیحات حضرت عبدالبهاء همان وقت که بیان میفرمودند ، به فارسی یادداشت می شد ، ولی منظور چاپ و انتشار نبود ، بلکه امکان مطالعه

بعدی من بود . در اوایل این توضیحات را به زبانی ساده بیان می داشتند که ترجمه شفاهی آن آسان باشد و بعدا که مختصری فارسی آموختم ، فهم محدود فارسی مرا در نظر می گرفتند . به این سبب بود که بعضی جمله ها و عددها تکرار می شد ، و گر نه کسی را به توانائی حضرت عبدالبهاء در شیوانی و رسائی گفتار نمی توان یافت . در این دروس حضرت عبدالبهاء معلمی بود که در حد شاگرد سخن می گفت و نه در حد نطق و خطابه و شعر .

این کتاب تنها به بعضی از مسائل امر بهائی پرداخته است ، امری که پیامش جهانی است ، و برای هر سؤال کننده ای جوابی مناسب احتیاج خاص او آماده دارد . در مورد اینجانب مطالب به صورت ساده ای بیان می شد که مناسب اطلاعات ابتدائی من باشد و به همین علت همانطوریکه از فهرست مواضع نیز بر میآید ، کامل و جامع نیست . فهرست مذکور تنها به این منظور تنظیم شده است که رؤس مطالب مورد بحث مجموعه را نشان دهد . اعتقاد من آن است که آنچه برای اینجانب گرانقدر بوده ، مورد استفاده سایرین نیز میتواند باشد ، چه نفوس بشری با تمام تفاوت ها و اختلافاتشان ، در جستجوی حقیقت متحدند ، و به همین دلیل بود که از حضرت عبدالبهاء اجازه خواستم که بیاناتشان به صورت کتابی منتشر شود ، این مکالمات و مذاکرات در اصل ردیف بندی خاصی نداشت ،

ولی بعداً برای سهولت مطالعه فصل بندی شد .
در ترجمه انگلیسی (۲۵) متن فارسی کاملاً رعایت شده ، گو اینکه این روش گاهی به روانی و ترجمه صدمه زده است ، تنها در بعضی موارد که ترجمه دقیق تولید ابهام میکرد ، تغییراتی داده شده است . ضمناً برای آنکه فکر خواننده مرتباً قطع و منحرف نشود ، از بکار بردن هرگونه علامت و عبارت توضیحی در بین جملات صرفنظر گردید . همینطور بسیاری از اسامی خاص فارسی و عربی با املاء ساده انگلیسی نوشته شد ، چه به کار بردن روشهای خاص (آوا نگاری) ممکن بود خواننده عادی را دچار اشتباه و سرگردانی کند . لورا کلیفورد بارنی

فهرست مواضع

متن فارسی کتاب شامل ۲۲۵ صفحه خشتی به اندازه تقریبی ۱۵ X ۲۲ سانتیمتر است . مطالب کتاب به وسیله خانم بارنی به پنج قسم تقسیم شده و هر قسمی شامل چند مقاله است . ردیف مقالات در چاپ فارسی با یک یا دو حرف ابجد از الف تا ح و در چاپ انگلیسی بوسیله اعداد ۱ تا ۸۴ شماره بندی شده است :

قسم اول : در تأثیر انبیاء در ترقی و تربیت نوع انسانی - شامل ۱۵ مقاله .
قسم دوم : بعضی مقالات متعلق به مسائل مذهب عیسوی - شامل ۲۰ مقاله .

قسم سوم : در علامات و کمالات مظاهر الهیه - شامل ۱۰ مقاله .

قسم چهارم : مقالات در مبدء و معاد و قوی و حالات و کمالات مختلفه انسان - شامل ۲۸ مقاله .
قسم پنجم : مقالات در مواضع مختلفه - شامل ۱۱ مقاله .

خانم بارنی در نامه مورخ هفتم اگوست ۱۹۲۷ خود به دکتر یونس خان افروخته از جمله می نویسد : « ... یکی دو مفاوضه در طبع ثانی افزوده شد ... » (۲۶)

منظور باید طبع دوم انگلیسی باشد ، چه طبع اول فارسی کامل است ، و تنها تفاوتی که با طبع کامل انگلیسی دارد این است که مقاله « مسئله اعتصاب » (مقاله شماره ۷۸ انگلیسی) در آخر کتاب (به جای مقاله شماره ۸۴ انگلیسی آمده است . خانم بارنی در همان نامه مینویسد : « ... مفاوضات اول که حضرت مولی الوری عنایت فرمودند در قسم اول کتاب است . به نظر من این قسم همانست که ابتدا به انگلیسی نوشته شد ، و همچنین بیشتر قسم سوم و کمی از قسم پنجم همانست که فقط به انگلیسی مرقوم گردید ... » (۲۷)

این مجموعه شامل توضیحات شفاهی حضرت عبدالبهاء است که به زبان ساده و قابل فهم برای استفاده خانم بارنی بیان شده است ، و منظور حضرتش تدوین کتابی جامع و مانع در فلسفه الهی نبوده ، چه مطالب محدود به جواب سئوالاتی است

که خانم بارنی عنوان کرده است . نوع سؤالات
طوریست که بعضی مطالب در مقالات مختلف تکرار
شده است و چون فصل بندی کتاب بعداً به عمل
آمده ، گاهی عنوان قسم یا مقاله با مطلب توافق
کامل ندارد . با آنکه بخشی از سؤالات در مورد
مسائل خاص دیانت حضرت مسیح است ، بسیاری
از مقالات عمومی است و بیشتر به حالات و تحولات
انسان مربوط می شود ، و براین اساس میتواند
برای عموم مردم آموزنده و مفید باشد .

سبک بیان مبارك ساده و روان است ، و اگر در
زمان ما بعضی لغات به علت گذشت حدود يك قرن
برای نفوسی نا آشنا باشد ، می توان با افزودن
لغت نامه مختصری در آخر کتاب این مشکل را
برطرف نمود . همچنین اگر سابقه تاریخی بعضی
سؤالات و صورت دیگر الواح و آثار مهمی که در
هر مورد از قلم اعلی و میثاق نازل شده به آخر
کتاب اضافه شود ، کمک موثری به مطالعه کننده
محقق خواهد کرد ، در حالیکه خواننده عادی
میتواند بدون مراجعه به حواشی مذکور کتاب را
یکسره بخواند . ناشر نشر انگلیسی ۱۹۸۱ مینویسد
که : (۲۸)

« . . . اغلب گفتارها کوتاه و به صورت گفتگو است
، و برای توضیح مسائل مشکل مثالهای روشن و
قابل لمسی ذکر شده است . گاهی مطایبه لطیفی
مطلب سختی را نرم میکند ، و در هر گوشه ای
نوعی سادگی توأم با فطانت و اطمینانی متقاعد

کننده و نیروئی نافذ ملاحظه میشود که اصول و
نکات دقیق اعتقادات امر بهائی را روشن
می سازد . »

یادداشت ها

- ۱ - Laura - Clifford Barney - Dryfus
- ۲ - خاطرات نه ساله - دکتر یونس افروخته - چاپ اول به وسیله لجنة
نشر آثار امری ایران ، ۹۹ بدیع ۱۹۴۲ ، طهران - چاپ جدید به
وسیله کلمات پریس ، امریکا ۱۹۸۳ - صفحه ۴۱۶
- ۳ - مفاوضات جمع مفاوضه به معنای گفتگو و مذاکره
- ۴ - Some Answered Questions
- ۵ - قسمت مهم شرح حال خانم لورا بارنی در این اوراق از مقاله ای
اخذ شده است که ایادی امرالله جناب اوگو جیاکری بعد از صعود
ایشان در سال ۱۹۷۶ در پاریس در یکی از نشریات امری فرانسه
منتشر نموده و بعداً قسمتی از مقاله مذکور از فرانسه به انگلیسی ترجمه
و در جلد شانزدهم کتاب عالم بهائی ، صفحه های ۵۲۵ تا ۵۲۸ نقل
گردیده است .

Ugo Giachery's original article " An Appreciation to
Laura Clifford Barney " , Published in " La Pensee
Baha'ie " , No. 56 , June 1976 in French, of which
some excerpts in English appeared in " The Baha'i
world " Vol. XVI (1973 - 1976) , Baha'i world center,
printed in GB, the University Oxford Press, 1978,
PP.535-538

- ۶ - خانم May Ellis Bolles - Maxwell والدۀ امه البهاء روحیه
خانم .

۷ - نام بانوی انگلیسی مذکور بر نگارنده معلوم نشد ، او باید شخصی
به جز خانم روزنبرگ بوده باشد ، چه خانم اتل روزنبرگ از قبل معرف
حضور مبارك بود و نیازی به معرفی خانم بارنی نداشت .

Alice Barney - ۸

- ۹ - The Naional Museum of Washington DC, USA
- ۱۰ - God Passes By, by Shoghi Effendi, Baho'i
Publishing Trust, Wilmette, Illinois, USA, First edition
1944, revised Edition 1974, P. 268.

کتاب فوق تحت عنوان " قرن بدیع " به وسیله جناب نصرالله مودت به
فارسی ترجمه شده و لجنة نشر آثار امری ایران آن را در سال ۱۱۸
بدیع (۱۹۶۲) طبع و نشر کرده است . نشر جدیدی از این ترجمه به
وسیله مؤسسه معارف بهائی - دانداس کانادا ، در سال ۱۹۹۲ به عمل
آمده است .

نگارنده با مقایسه ترجمه فارسی بالا با اصل انگلیسی متوجه این نکته
شد که مترجم محترم ، شاید برای آنکه ترجمه شبیه نوشته های فارسی

of Mrs Barney), first pochtsize edition 1984, reprinted 1990.

۱۶ - النور الابهی فی مفاوضات عبدالبهاء ، به اهتمام لورا کلیفورد بارنی ، انتشارات بریل ، لایدن هلند ۱۹۰۸

Brill, Leiden - Holland , 1908 - E J

17 - M. Hypolyte Dryfus

18 - Chevalier de la Legion d'honneur

۱۹ - " شروق " به معنای برآمدن آفتاب (فرهنگ عمید صفحه ۶۷۱)
۲۰ - " اغتراف " به معنای با دست آب برداشتن برای آشامیدن (فرهنگ عمید صفحه ۱۲۷)

۲۱ - " عُباب " به ضم عین به معنای سیل عظیم (فرهنگ معین جلد دوم صفحه ۲۲۷۲) .

۲۲ - " منخرط " به معنای به رشته کشیده شده - آراسته و خراطی شده (فرهنگ معین جلد چهارم صفحه ۴۳۸۶)
۲۳ - خاطرات نه ساله صفحه ۵۳

24 - Preface to the first edition of ? Some Answered Questions "

۲۵ -- این بند (پاراگراف) مخصوص نشر انگلیسی کتاب آمده است و طبعاً از مقدمه فارسی باید حذف شود .

۲۶ - خاطرات نه ساله - صفحه ۵۴

۲۷ - خاطرات نه ساله صفحه ۵۳

۲۸ - چاپ انگلیسی کتاب مفاوضات نشر ۱۹۹۰ - صفحه یازده رومی (X1)

Some Answered Questions , 1990 , P. X1



مبارک باشد ، قسمت هائی از بیانات حضرتش را به تشخیص خود حذف ، و کلمات و عبارات زیادی به سلیقه خویش به آن بیانات اضافه کرده است . چنین دخل و تصرفی حتی در مورد قراردادهای عادی تجاری قابل قبول نیست تا چه رسد به توقعات حضرت شوقی ربانی که باید قرن ها راهنمای جامعه بهائی باشد . اگر در این توقعات دقیق شویم به آسانی ملاحظه میکنیم که از هر کلمه و عبارتی معنایی خاص منظور است و حضرتش با تسلطی که به زبان های انگلیسی و عربی و فارسی داشتند جهت هر معنی مناسب ترین کلمه را انتخاب و برای پرهیز از تطویل کلام ، کلمات مذکور را در جملاتی فشرده و طولانی جای داده اند و هدفشان هرگز خلق قطعه ادبی و یا ابداع سبک خاصی در نگارش فارسی نبوده است . بنابراین ما کجا مجازیم که مثلاً به جای " دیگر مسائل وابسته " (Other kindred themes) جمله " و پاره ای دقایق علمیه و حقایق الهیه " را قرار دهیم ، (اصل انگلیسی صفحه ۲۶۸ - ترجمه فارسی صفحه ۵۳۶) و یا به جای " به نحو متقن ... توضیح دادند " (authoritatively explained) جمله " به نحو متقن و مستدل توضیح و تفسیر و تقریر و تعلیم نمود " را بگذاریم . (اصل انگلیسی صفحه ۸۲ - ترجمه فارسی صفحه ۵۳۶) از آنجا که ترجمه جناب مودت هر قدر هم به نظر بعضی شبیه بیانات فارسی مبارک باشد ، با هیچ اغماض و مماشاتی منطبق با اصل نیست و با متن انگلیسی مبارک تفاوت فاحش دارد ، نگارنده دو فقره ای را که از کتاب مهم بالا نقل کرده ، خود از اصل انگلیسی به فارسی ساده و بی پیرایه ولی نزدیک به اصل ترجمه نموده است .

۱۱ - ترجمه نگارنده از کتاب قرن بدیع (به پانویس ۱۰ مراجعه شود) نشر انگلیسی صفحه ۲۶۰ (ترجمه جناب مودت در نشر فارسی صفحه ۵۱۵ آمده است) .

۱۲ - نقل از خاطرات نه ساله (به پانویس ۲ مراجعه شود) صفحه های ۴۱۴ تا ۴۲۰ .

۱۳ - اتل جنر روزنبرگ (Ethel Jenner Rosenberg) از بهائیان اولیه و بسیار خدوم انگلستان و اهل لندن که زبان فارسی را تا حدی آموخته بود ، مدتی در عکا برای یادداشت بیانات مبارک با خانم لورا بارنی همکاری کرد ، و بعداً در پاریس در ترجمه کتاب به انگلیسی به همکاری خود ادامه داد . برای اطلاع بیشتر از شرح حال خانم روزنبرگ و خدمات طولانی و مؤثر ایشان به کتاب زیر مراجعه شود .

Ethel Jenner Rosnberg, by Robert Weinberg, George Ronald Publishers, Oxford 1995.

۱۴ - خاطرات نه ساله صفحه ۵۵۱ تا ۵۵۳

15- Some Answered Questions, by Abdu'l-Baha, collected and translated (from the original Persian) by Laura Clifford Barney, first edition by Kegam Paul - Trench - Truber and Co. Ltd - London 1908, later editions by the Baha'i Publishing Trust, Wilmette- Ill- USA 1918, 1930, 1954, 1964 (with an additional foreward). (with a rather lengthy new foreword in addition to the forward of 1964 and the original preface

قصه در آثار بهائی

در شماره ۱۸ مجله عنذلیب (بهار ۱۳۶۵ ، ص ۲۲ - ۲۰) مقاله ای تحت عنوان « قصه در آثار بهائی » منتشر گردید. در آن مقاله پس از مقدمه ای کوتاه سوابق و مآخذ هفت قصه منقول در آثار مبارکه بهائی بررسی گشته و جمع آوری و تعیین سوابق قصص دیگر به مقالات بعدی موکول شده بود . بعد در عنذلیب شماره ۲۲ (بهار ۱۳۶۶ ، ص ۲۴ - ۲۲) و شماره ۲۶ (بهار ۱۳۶۷ ، ص ۲۸ - ۲۵) و شماره ۲۲ (پائیز ۱۳۶۸ ، ص ۲۶ - ۲۹) و شماره ۲۶ (پائیز ۱۳۶۹ ، ص ۲۷ - ۲۲) و شماره ۴۱ - ۴۲ (زمستان و بهار ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ ، ص ۶۴ - ۶۹) و شماره ۵۰ (بهار ۱۳۷۲ ، ص ۲۰ - ۲۶) سوابق چند قصه دیگر مورد مطالعه قرار گرفت ، آنچه در این شماره درج میگردد بررسی و تعیین مآخذ و سوابق چند قصه دیگری است که در آثار مبارکه بهائی نقل و یا به آنها اشاره گردیده است .

اول - جمال اقدس ابهی در لوح « جناب اسم ها »
یعنی ملا هادی قزوینی چنین می فرمایند :

« هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

مکتوب شما رسید و ندای شما شنیده شد انشاء الله لازال بعنایت حق فائز باشید و بشطرش ناظر از عسر شاکی نباشید چه که کل در عُسرنده و از ضیق دلتنگ نباشید چه که کل در ضیقند اگر ضیق مال نباشد لابد ضیق آمال هست و اگر ضیق آمال بعنایت محبوب بیزوال رفع شود ضیق آز موجود. باید از سلطان بی نیاز بکمال عجز و ابتهال مسنلت نمائیم تا جمیع را باراده و رضای خود فائز فرماید چه هر که باینمقام فائز شد لعمرا لله لایدرکه الضیق و لایمسه العسر یا اسم ها اگر کسی ذره بین های متعدده بر چشم بگذارد آیا میتواند شینی در عالم بیابد که در ششدر عسر محصور نباشد (۱) و این عسر از ظنون و اوهامیست که بما اکتسبت ایدی الناس حاصل میشود

دکتر وحید رأفتی

عسر مراتب دارد و همچنین ضیق اگر این بیانات علی ما ینبغی ذکر شود البته مطول تفتازانی پیش او مختصر خواهد بود (۲) آنجناب و سایر احباب باید فی الحقیقه بحق توجه نمایند و باو متوسل شوند که بابی را بمفتاح اسم خود بگشاید تا جمیع از آلایش عالم فانی پاک و منزّه شوند و بملکوت آسایش واصل گردند در کلمات مکنونه میفرماید اگر در جمیع آسمان و زمین سیر نمائی و تفحص کنی مقرر امن و راحت و آسایش نخواهی یافت مگر در ظل اطاعت حق (۳) حق شاهد و گواه است که طرف عنایت بشما بوده و خواهد بود البته بعد از قرائت خواهید گفت مطلب عرض شد . قضای آن مقصود بود نه موعظه و نصیحت ، حکایت ما و شما حکایت آن اعرابیست که وارد شد نزد بزرگی و عرض کرد فقیرم فرمود کلنا فقراء بقوله تعالى يا ايها الناس اتتم الفقراء الى الله و الله هو الغني الحميد (۴) بعد عرض کرد اراده زیارت مکه دارم فرمود بارك الله لك ولله على الناس حج البيت (۵) بعد عرض کرد خرجی سفر موجود نیست . قال لا بأس عليك اقعد في البيت بقوله تعالى لمن استطاع اليه سبيلا (۶) بعد عرض کرد یا مولی بجهت مطلب آمده ام نه بجهت موعظه این بیانات از مطلع شمس بیان مشرق و ظاهر تا بخوانید و مسرور شوید اما يك كلمه باقیست که آن را بلسانیکه مقدس از بیانست میگویم لك ان تدارك ما فات عنك اگر باین كلمه که فی الحقیقه مفتاح بیانست تمسك نمائی البته ابواب رحمت و عنایت

و خیرات و برکات و راحت و آسایش بروجه آنجناب گشوده شود کذلک يُبَشِّرُكَ الصَّادِقُ الْأَمِينُ بَکُوشِ جَانِ اَیْنِ کَلِمَه مَظْلُومِ اَمْکَانِ رَا بَشْنُو وَ اَنْشَاءُ اللّٰه بَآنِ مَوید شوی الْعَاقِبَتَهُ لِلْمُتَّقِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ " (۷)

حکایتی که در لوح مبارک فوق نقل شد ، در کتاب لطائف الطوائف چنین آمده است :

" اعرابی نزد خلیفه بغداد آمد که مردی فقیر و غریب ، گفت میتواند بود و همه مردمان فقیر و غریبند بحکم خدا و رسول ، چه خدایتعالی فرمود : یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و رسول (ص) هم فرمود که : کن فی الدنیا کأنک غریب اعرابی گفت داعیه حج دارم ، خلیفه گفت مبارک باد ، نیتت نیکو کرده یی که ادای فریضه یی کنی از فرایض حقتعالی که میفرماید : ولله علی الناس حج البيت ، اینک راه روشنست قدم در راه نه ، اعرابی گفت استطاعت ندارم و زاد و راحله ام نیست ، خلیفه گفت حج از تو ساقط شد ، که فرضیست بشرط استطاعت ، چنانکه فرمود : من استطاع الیه سبیلاً اکنون بفرغت باش که از رنج سفر خلاص شدی ، اعرابی بتنگ آمد ، گفت ای خلیفه من بنزد تو بچیزی طلبیدن آمده ام نه به فتوی جستن و وعظ شنیدن ، خلیفه بخندید و هزار درمش داد . " (۸)

دوم ، حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه چنین میفرماید :

هوالبهی

ای ناظر بمنظر اکبر حکایت کنند اسکندر رومی جهانگشا بود و کشورستان و چون از فتوح ایران و توران و چین و هندوستان طبل رجوع بکوفت و با

حشمتی بی پایان توجه بوطن مألوف نمود در شهر زور چراغ عافیت خاموش شد و شش جهت پرده ظلمت فرا گرفت و صبح آخرت نمایان شد دانایان بر جنازه او جمع شدند و انجمن ماتم تأسیس نمودند هرکس تعزیت نمود و در مقام تأسف لبی گشود از جمله شخصی از هوشمندان برخاست و در مقابل نعش بایستاد و گفت سبحان الله این شخص گمان مینمود که ملک الملوکست حال ثابت و محقق گشت که عبد ملوکست دیگری گفت سبحان الله دیروز این پادشاه غیور را هفت اقلیم وسعت گنجایش نداشت امروز در شبری از زمین گنجایش یافت ، باری اگر سلطنت باقیه جوئی در جهان الهی اسکندری جو اگر ملک الملوی خواهی در ظل فقر و درویشی در سبیل الهی درآی تا ذوالقرنین جهان جاودانی گردی . ع ع (۹)

سخنانی که حکیمان و دانایان در کنار تابوت اسکندر بیان کرده اند و حضرت عبدالبهاء یکی دو فقره از آنها را در لوح مبارک فوق نقل فرموده اند در منابع مختلف تاریخی و ادبی به صور گوناگون انعکاس یافته است . از جمله ثعالبی نیشابوری در شرح و بسط این مطالب در تاریخ خود چنین آورده است :

" چون گروه بسیاری از فلاسفه و حکیمان سواد (۱۰) همراه با دیگر کسان در کنار تابوت اسکندر گرد آمدند ، ارسطو طالیس به آنان گفت : بیایید تا آنچه از نکته ها و گفتنیها در سینه داریم بیرون بریزیم تا برای خواص پندی باشد و برای همگان سبب بیداری و هشیاری گردد ، دست خود را بر تابوت گذارد ، حالی که گریه گلویش گرفته بود و چنین آغاز سخن کرد : آن که همه را به بند می کشید اکنون به بند

کشیده شد و آن که شاهان را می کشت اینک خود بی جان افتاده است ، آنگاه افلاطون پیش آمد ، حالی که فریادها و زاریها همه جا را پر کرده بود - گفت : اسکندر آرام گرفت و ما رابه حرکت آورد . سپس بطلمیوس پای پیش نهاد و گفت : بنگرید به آن که همواره در حال رؤیا بود ، خوابش بسر آمد . بنگرید به این سایه ابر که دیگر بجای نماند ، آنگاه دیوجانس پیش آمد و گفت : اسکندر پیوسته از طلا دینه می ساخت . اکنون طلایش دینه ساخت ، آنگاه ذروثیوس پای پیش گذارد و گفت : مردم به طلای این تابوت روی می آورند و از این که در آن گذارده شوند سخت روی گردانند . سپس بلیناس آمد و گفت : تو که به تنهائی کار مردم و شهرها را بدست داشتی ، چه شده است که نمی توانی هیچ يك از اعضای بدنت را بجنابانی ؟ آنگاه طویقا پیش آمد و گفت : با این فروتنی که امروز داری آن همه زورمداری دیروزت سزاوار نبود . آنگاه دیمقراطیس پای پیش نهاد و گفت : چه شده است که از تنگی جای باکی نداری ، تویی که فراخنای جهان تنگت می نمود . سپس سقراط پیش آمد و گفت : دیروز سخنگوی تو بودی و امروز پند گوی تری ، سپس غریوس پیش آمد و گفت : این شیر همواره اژدها شکار می کرد و اکنون به دام آن گرفتار آمد . آنگاه دیگری پیش آمد و گفت : هرکسی کشت خود بدرود - اینک کشت خویش درو کن . آنگاه دیگری آمد و گفت : زینت طلا بر زندگان زبینه تر است تا بر مردگان . آنگاه دیگری پیش آمد و گفت : از گرفتاریهای این جهان بیاسودی ، اینک بیندیش که از کابوسهای جهان

دیگر چگونه خواهی آسود . دیگری پیش آمد و گفت : با مرگی چنین زودرس ، از هلاك ساختن مردم بسیار سیر نمی شدی . دیگری پیش آمد و گفت : ما در پیش تو سخن گفتن نمی توانستیم و اکنون خاموش بودن نتوانیم . دیگری آمد و گفت : چه دشوار بود دسترسی به آنچه تو بر آن سختگیر بودی و چه آسان است بر آنچه که تو اکنون آن را رها کرده ای . دیگری آمد و گفت : بسا روزها که مردم را در حیات خود گریان ساختی و اینک در ممات خویش آنان را می گریانی . دیگری پیش آمد و گفت : این چنین که در این تابوت آرام گرفته ای ، در آبن آرام نداشتی ، دیگر پیش آمد و گفت : راه ظلمات را پیش گرفتی تا روشنائی زندگی بجویی و نمی دانستی راهی که در پیش داری در تاریکی تابوت است . دیگری آمد و گفت : شب در جایی می خوابیدی و روز در جای دیگر ، چه شده است که خواب بلند شب و خواب کوتاه روز را در يك بستر پذیرفته ای ؟ دیگری آمد و گفت آنگاه که دستت می رسید تا کاری بکنی ، ما را توان گفتن نبودو اکنون در گفتن آزادیم ، اما تو را توان کاری نیست . دیگری پیش آمد و گفت تند باد درخت تناور را از ریشه بر کند و شبان سر خود گرفت و رمه از پای در آمد . دیگری آمد و گفت : به دنبال شاه دیگری بروید که شاهتان برفت - رفتنی بی بازگشت . دیگری پیش آمد و گفت : هم اکنون دریافتی که زاده شده بودی از بهر مرگ و بنیاد نهادی از بهر ویرانی . دیگری آمد و گفت : زمین را با همه درازا و پهنا به پای سپردی تا به چنگش آوردی . زمینی که اکنون در دست تو است

تنها چهار ارش است . دیگری آمد و گفت : بنگرید که چگونه قله بلند فروافتاد و دریای خروشان فروکش کرد و ماه تابنده پستی گرفت . سپس مادر اسکندر پیش آمد و گفت : ای فرزندم ، من به دیدارت امید بسته بودم ، حالی که درازنای خاور و باختر میان ما جدایی افکنده بود و اکنون از تو نا امیدم ، حالی که تو از سایه ام به من نزدیکی . سپس روشنگ پیش آمد و گفت : نمی دانستم آن که پدرم را بشکست خود بشکند ، گنجور او پیش آمد و گفت : به من فرمان دادی مالها را گرد آورم ، اکنون آنچه گرد آورده ام به تو وا می گذارم . خزانه دار رسید و گفت : این است کلیدهای خزانه هایت ، دستور ده که آن را از من بستانند ، پیش از آن که برای آنچه که از تو نگرفته ام مرا فرو گیرند ، خوانسالار پیش آمد و گفت : سفره ها را گسترده اند و بالشها را نهاده اند و خوردنیها را چیده اند . اما بزرگ مرد مجلس را نمی بینم . . . " (۱۱)

سوم : جناب حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی در کتاب بهجت الصدور راجع به حضرت عبدالبهاء چنین مرقوم داشته اند که " روزی در باغچه خانه غرس درختی می فرمودند ، یکی از اعیان مشرف می شود [و] عرض می کند برای که درخت را غرس میفرمائید ؟ [حضرت عبدالبهاء در جواب می فرمایند :] آخرین کشتند ما ثمرش را خوردیم ، فرض و تکلیف انسانی [و] رحمانی ما هم این است [که] بکاریم که دیگران ثمرش را بخورند و بعد قصه کسری ملک ایران را [بیان] می فرمایند که می گذشت شخص نود ساله را دید انجیر می کارد فرمود برای که می

کاری ؟ [پیر گفت] آخرین کشتند ما میوه اش را برداشتیم و ما می کاریم آخرین مرزوق و متنعم شوند . فرمود احسنت و مبلغی به او انعام فرمود . عرض کرد حال کشتم و حال ثمرش را برداشتم باز همان قدر انعامش فرمود . عرض کرد دو ثمرش را برداشتم ، همان قدر عنایت فرمود و اسب را تاخت و فرمود این پیرمرد خزانه را از خوش صحبتیش خالی میکند . . . " (۱۲)

حکایتی که از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء در بهجت الصدور نقل شده در کتاب جوامع الحکایا سدیدالدین محمد عوفی به این شرح آمده است :

" باغبان پیر و نوشروان

روزی نوشروان به شکار رفته بود و طوفی می کرد . پیری را دید که درخت جوز می کشت ؟ گفت : " ای پیر ، چه می کنی ؟ " گفت : " پادشاه دیرزیاد ، درخت جوز می کارم " نوشروان گفت : " تو مردی پیری ، چه طمع داری که بر این بخوری ؟ " گفت : " کشتند و خوردیم ، کاریم و خورند " نوشروان را خوش آمد و گفت " زه " و عادت نوشروان آن بود که چون چیزی را بپسندیدی و گفتی : " زه " او را در حال هزار درم صلت دادنی ، پس پیر را هزار درم بدادند . پیر گفت : " پادشاهها : هیچ کس دیدی که درخت کشت و بر آن زودتر به وی رسید که به من ؟ " نوشروان گفت که : " زه " و هزار درم دیگر به وی دادند پیر گفت : " به اثرنظر پادشاه این درخت [را] دو بار بر برآمد " نوشروان گفت ، " زه " و او را دو هزار درم دیگر بدادند " (۱۳)

همین حکایت را شیخ فریدالدین عطار در الهی نامه به

شعر در آورده و چنین سروده است :

فرس می راند نوشروان چو تیری

بره در چون کمائی دید پیری

درختی چندمی بنشانند آن پیر

شش گفتاچو کردی موی چون شیر

تو روزی چند را باقی نمائی

درخت اینجا چرا در مینشائی

بشاه آن پیر گفت این حجت بس

که کشتند از برای ما بسی کس

که تا امروز اینجا بهره داریم

برای دیگران ما هم بکاریم

بوسع خود نباید رفت گامی

که در هر کار میباید نظامی

خوش آمد شاه را گفتار آن پیر

کفی پر کرد زر گفتا که این گیر

بدو آن پیر گفت ای شاه پیروز

درخت من بیار آمد هم امروز

نداد این کشت دهسال انتظارم

که هم امروز زر آورد بارم

چوشه را خوشتر آمد این جوابش

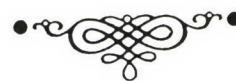
زمین ده بدو بخشید و آتش

ترا امروز باید کرد کاری

که بیکارت نخواهد بود باری

قدم در راه دین باید نهادن

رعونت بر زمین باید نهادن (۱۴)



یادداشتها

۱ - ششدر عسر یا ششدر تنگ یا شش جهت که در لوح حضرت عبدالبهاء مذکور شده (این لوح در قصه اسکندر ذیلا مندرج خواهد شد) کنایه از دنیای فانی است و جهات شش گانه عبارتند از بالا و پائین و پس و پیش و چپ و راست .

۲ - مقصود از " مطول تفتازانی " کتاب المطول اثر مشهور سعدالدین مسعود بن حمر تفتازانی هروی است . او در سال ۷۲۲ ه ق (۱۲۲۲ م) در تفتازان از قراء نسا خراسان متولد شد و در علوم عصر خویش سرآمد اقران گردید و در سال ۷۹۲ ه ق (۱۲۹۰ م) در سرخس رخت به عالم دیگر کشید . تفتازانی از علمای طراز اول ایران در علوم ادبی و مذهبی و فلسفی است . کتاب مطول تفتازانی در شرح کتاب تلخیص المفتاح اثر محمد بن عبدالرحمن معروف به خطیب قزوینی به رشته تحریر در آمده و معروفترین کتابی است که در فنون بلاغت و فصاحت زبان عربی نوشته شده است . تألیف کتاب مطول در سال ۷۴۸ ه ق (۱۲۴۷ م) در هرات به اتمام رسید و در طی قرون متوالی در عالم اسلام کتاب درسی اهل علم و ادب بوده است . این کتاب اول بار در سال ۱۲۶۰ ه ق (۱۸۴۴ م) در اسلامبول طبع شده و بعد از آن بارها در بلاد مختلفه عالم تجدید طبع گردیده است .

۳ - نصّ بیان جمال اقدس ابهی در کلمات مکنونه چنین است :

" یا ابن الانسان اركض فی بَرِّالعماء ثم اسرع فی میدان السماء لن تجد الراحة الا بالخضوع لامرنا و التواضع لوجهنا " (مجموعه الواح مبارکه ، قاهره ، سعادت ۱۹۲۰ م ص ۲۵)

۴ - قرآن کریم - سوره فاطر (۲۵) ، آیه ۱۶ .

۵ - قرآن کریم ، سوره آل عمران (۳) ، آیه ۹۷ .

۶ - مأخذ فوق .

۷ - ملا هادی قزوینی که مخاطب لوح فوق میباشد یکی از حروف حیّ دوره بیان و پسر حاجی میرزا عبدالوهاب قزوینی است . ملاّ هادی که در آثار جمالقدم با عناوین حرف ها و اسم ها یاد شده مخاطب الواح عدیده بوده و در سوره حج بیت بغداد نیز آیاتی خطاب به او از قلم مظهر امر الهی عز نزول یافته است . برای مطالعه شرح این مطالب خوانندگان گرامی میتوانند به کتاب محبوب عالم (کانادا : عندلیب ، ۱۹۹۲ م ، ص ۳۴۸ - ۳۵۰ مراجعه فرمایند) .

ملا هادی قزوینی عاقبت از جمالقدم اعراض نمود و به تدارک مافات که در انتهای لوح فوق به آن امر شده بود موفق نگردید و خطاب به او در یکی از الواح جمال اقدس ابهی چنین نازل شد : " ... یا هاء الهاویة انت تفرح و

بقیه در صفحه ۴۷

عشق بین با عاشقان آمیخته

چه زیباست و چه حلاوت انگیز است عشقها و محبتها که انگیزه بهم آمیختگی انسانها و همه موجودات میگردند :

بجهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی)
این جهان و هرچه در اوست پرتوی است از روی دوست ، دوستی که همه ما را دوست دارد و حب اوست که این دنیای هستی را آفریده است ، ببینید که این محبت او در این گیتی چه روابطی بدیع و استوار جلوه گر ساخته است : هرگز به برگها و شاخه های يك درخت دقت کرده اید که چطور همه آنها باستحکام روابط حیاتی یکدیگر کمک میکنند ؟ برگ به برگ، شیره حیاتی نبات را بهم میرسانند ، شاخه بشاخه برای جوشش برگها و گلهای تازه بهم یاری مینمایند و محال است که يك برگ مانع رشد و نمو و استفاده نور آفتاب از دیگری گردد .

چشم دل را بسوی مظاهر دیگر این دنیا بیفکنیم : دیده میشود ، ابرها که آکنده از ذرات لایتناهی بخار آب هستند ، چون با هم مجتمع و آمیخته گردند و بجوش و خروش درآیند ، آنگاه به صحراها ، کوهها ، چمنها و باغها می بارند و عالم را طراوت بخشند و ضامن حیات انسانی و سایر موجودات گردند و نیز ما چه میدانیم ، کوهها که سر بدل آسمان کشیدهاند چه اثرات شکفت انگیزی در زندگی این عالم دارند . آیا این ابرها بوسیله این کوهها بارور میشوند ؟ آیا چه

عباس ثابت

آمیختگی در میان اینهاست که هر يك در این كششها از كوشش خود باز نمی ایستند ؟ باز می بینیم که شهرها و مساكن انسان ، چون گرم و پرتاب شوند ، گویی باد از دل کوهها بسوی گرماها می شتابد تا خانه ها را خنك كنند و دره ها را تازه نماید و افسردگی و پژمردگی درختها و گلها را ببرد و نشنه تازه ای بآنها بدهد . آیا جز این میتوان اندیشه نمود که در روز نور خورشید حیات بخش جمیع موجودات است ؟ و شب هنگام ، ماه و اختران شبگرد ، چراغ و نور و روشنائی در جنگلهای تاریك و دره ها و دشتهای بی انتها هستند ؟ آیا ندیده اید که در این روشناییهای افسونگر ، در میان شاخه های درختان ، پيك نسیم چگونه پیامها و زمزمه های محبت آنانرا بهم میرساند ، آیا همه اینها بهم سخن از عشق و محبت نمیگویند ؟ و آیا اگر این چراغهای آسمانی نبودند ، این مرغان که آشیانه در شاخسارها دارند و غزالان که لانه صحراها دارند در ظلمت نمی مردند و حیات در میانشان خاموش نمی شد ؟

عشق بین با عاشقان آمیخته

روح بین با خاکدان آمیخته

چند گویی بی نشان و با نشان

با نشان و بی نشان آمیخته

چند بینی این و آن و نیک و بد

بنگر آخر، این و آن آمیخته

چند گویی این جهان و آن جهان

آن جهان بین وین جهان آمیخته

دل چو شاه آمد زبانش ترجمان

شاه بین با ترجمان آمیخته

آب و آتش بین و خاک و باد را

دشمنان با دوستان آمیخته

براستی جز این نمیتوان اندیشه نمود ، همانطور که خداوند نور را در آفتاب و عطر را در گل و عشق را در دل بلبل و روح را در لطیفه وجود انسان بودیعت نهاده است ، سراج عشق را نیز از آغاز در قلب آدمی گذاشته تا همه قلبها جلوه گر یکدیگر باشند و بهم بیامیزند و عالم را روشن و متور نمایند ، پس حقیقت واقع آمیختگی و همرنگی و یگانگی است نه بیگانگی و عداوت و دشمنی ، ببینید چه بیانی از سماء مشیت جمال قدم برای یگانگی جمیع عالم نازل شده است : « ... مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلايا و انزال آیات و اظهار بینات اخماد نار ضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم بنور اتفاق متور گردد و باسایش حقیقی فانز گردد » و یقین است که در پرتو این روشنایی ابدی و جلوه آسمانی ، جمیع بشر متحد شوند و آهنگ الهی بلند کنند و نوع انسان از بیماریهای مزمنه هزار ساله خرافات و تعصبات که علت دشمنیها و عداوتهاست رهائی یابد .



بقیه از صفحه ۴۵

ینوح نقطه الاولى من فعلك يا ايها المشرك المرتاب انا امهلناك لحكمة من لدنا ان ربك لهوالعزیز العلام اتق الله و لاتقل مايلعنك الذرات .

(اسدالله فاضل مازندرانی ، اسرار الآثار ، طهران : مؤسسه ملی مطبوعات ، ۱۲۹ ب ، ج ۵ ، ص ۲۵۲)

۸ - فخرالدین علی صفی ، لطائف الطوائف (طهران : اقبال ، ۱۳۶۲ هـ ش) ، طبع چهارم ، به اهتمام احمد کلچین معانی ، ص ۱۴۲ .

۹ - بشارة النور (لانگنهان . لجنة نشر آثار ، ۱۴۰ ب) ، ص ۲۰۷ - ۲۰۸ .

۱۰ - سواد به ناحیه میان دجله و فرات در کشور عراق گفته می شود و گاه نیز همه عراق را سواد می گویند ، بابل نیز در همین ناحیه بوده و شهر زور که در لوح مبارک حضرت عبدالبهاء مذکور شده نیز نزدیک بابل و در ساحل رود دجله قرار داشته است .

۱۱ - عبدالملك بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری ، تاریخ ثعالبی (مشهور به غرر اخبارملوك العرس و سیرهم) (طهران : نقره ، ۱۳۶۸ هـ ش) ، ترجمه محمد فضائی ، ج ۱ ، ص ۲۷۸ - ۲۸۱ . برای اطلاع از متن سایر شروحي که در باره پایان زندگی اسکندر نوشته شده است به اثر ذیل مراجعه فرمائید :

دکتر سید حسن صفوی ، اسکندر و ادبیات ایران و شخصیت مذهبی اسکندر (طهران : امیر کبیر ۱۳۶۴ هـ ش) ، ص ۵۷ - ۶۲ .

۱۲ - حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی ، بهجت الصدور (طبع دوم در آلمان ۱۹۸۲ م) ، ص ۴۹۴ - ۴۹۵ .

۱۳ - سدید الدین محمد عوفی ، گزیده جوامع الحکایات و لوامع الروایات (طهران : سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۶۳ هـ ش) مصحح دکتر جعفر شعار ، ص ۲۸۲ .

۱۴ - فریدالدین عطار نیشابوری ، الهی نامه (طهران : اسلامیة ، ۱۳۵۵ هـ ش) ، ص ۶۴ .



غنچه

دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن	که باد صبح ، نسیم گره گشا آورد (حافظ)
چو غنچه گرچه فرو بسته است کار جهان	تو همچو باد بهاری گره گشامیباش (حافظ)
شکفتن غنچه بی رنگ و بو را می کند رسوا	همان بهتر که دست بی کرم در آستین باشد (صادق اصفهانی)
جای گریه است بر این عمر که چون غنچه گل	پنج روزی است بقای دهن خندانش (حافظ)
نشکفته ماند غنچه امید ما بشاخ	بس بی دوام بود بهاری که داشتیم (عرشی)
ای غنچه بازگو لب لعل که بوده ای	ای گل تو رنگ چهره زیبای کیستی (سرخوش)
غنچه پیش دهندش لب بحدیثی نگشود	رسم خجلت زده گانست بلی کم سخنی (کمال خجندی)

غنچه خونین دل از این عقده گریبان زد چاک .

کس نباشد که گشاید گره از کار کسی (کمال اجتماعی)

مباش ای غنچه از اوراق گل مغرور جمعیت

که این پیوستگی ها در بغل دارد جدائیا

(عبدالقادر بیگلری)

بگذشت بهار و وا نشد دل

این غنچه مگر شکفتنی نیست ؟ (عمادی شیرازی)

سر بهم آورده دیدم برگهای غنچه را

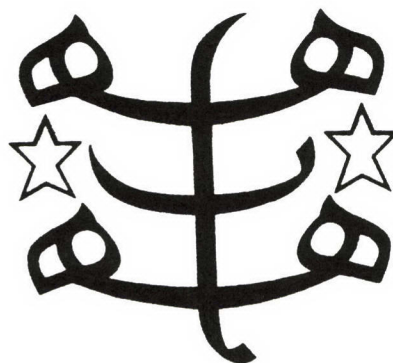
اجتماع دوستان یکدم آمد بیاد + (صائب)

مستمع صاحب سخن را بر سرکار کار آورد

غنچه نشکفته بلبل را به گفتار آورد (صائب)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه : حسب الامر لجنه مجلله ملى مدارس تابستانه قرار است برای مدت یکساعت رموز (ترکیب اسم اعظم در فصّ نگین رحمانی) را مطالعه نمایم .
شکل ظاهری : شکل ظاهری این رمز عظیم مرکب از (۴ ها) و (۲ باء) و دو ستاره ۵ ضلعی در طرفین می باشد چنانچه ذیل از نظر شما میگذرد .



چون در این خصوص لوح مبارکی از قلم معجز شیع حضرت مولی الوری روح ما سواه فدا نازل و رموز آنرا توضیح فرموده اند لهذا عین لوح مبارک را زیارت و بعداً توضیحات دیگری را که از آثار قلم اعلی و حضرت عبدالبهاء در مواضع اخری نازل گردیده مطالعه مینمائیم ولی قدر مسلم آنست که برای درک کلیه مطالب و تعمق کامل هرگز یکساعت کافی نبوده و ناچار نظربضیق وقت باختصار باید کوشید. اینک قسمتی از لوح مبارک حضرت مولی الوری روح ما سواه فداه :

« ... اما شروح (مسیو انزل من) در خطوط فصّ نگین اسم اعظم هرچند بدرجه مقارن حقیقت است ولی باید که تعمق زیاد نمایند و تدبّر کلی فرمایند

خسرو خسروی علیه رضوان الله

زیرا مرکب از دوبا است و چهارها است شرح باء در تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم مرقوم گردیده بسیار مفصل است در این نامه نگنجد رجوع بآن شود ، تکرر باء اشاره بمقام غیب و شهود است و اما چهارها که ارکان اربعه بیت توحید است و عددش متمم عشره است زیرا يك با دو سه ، سه و سه شش ، شش و چهارده و اشاره باین مقام در آیه قرآن است که میفرماید و انماها بعشر باریها را عدد پنج است و اینها ها هویت و حقیقت رحمانیه است در عدد پنج که عدد باب است ظاهر و آشکار است لهذا در فصّ نگین اعظم با باءها ترکیب شده است و همچنین اسم اعظم از آن نقش ظاهر و عدد اسم اعظم نه است چون نه را که عدد بهاء است در باب که عدد پنج است ضرب نمائید نه پنج است که چهل و پنج گردد و همچنین پنج را که عدد باب است در نه ضرب کنیم که عدد بهاء است چهل و پنج است و این عدد با عدد آدم مطابق است و همچنین مفردات نه را چون جمع کنیم چهل و پنج است يك و دو سه و سه شش - شش و چهار ده - ده و پنج = پانزده ، پانزده و شش = بیست و يك - ، بیست و يك و هفت = بیست و هشت ، بیست و هشت و هشت = سی و شش ، سی و شش و نه = چهل و پنج و همچنین چون عدد باب را جمع کنیم پانزده گردد يك و دو = سه ، سه و سه = شش ، شش و چهار

= ده ، ده و پنج = پانزده مطابق عدد حوا است و موافق حدیث انا و علی ابوا هذه الامة مقصد از آدم حقیقت فائضه متجلیه فاعله است که عبارت از ظهور اسماء و صفات الهیه و شئونات رحمانیه است و حوا حقیقت مقتبسه مستفیضه مستنبه منفعله است که منفعل بجمیع صفات و اسماء الهیه است . باری این ادنی رمزی از ترکیب اسم اعظم در فصّ نگین رحمانی است و همچنین ملاحظه کنید که سطوح ثلاثه عالم حقّ و عالم امر و عالم خلق است که مصادر آثار است عالم حقّ مصدر فیض جلیل است و عالم امر مرآت صافیه لطیف که مستنباء از شمس حقیقت است و عالم خلق مصدر اقتباس انوار است که بواسطه وسیله کبری المستفیضه من الحق و المفیضه علی الخلق حاصل گردد .

باری باء حقیقی که حقیقت کلیه است چون در مراتب ثلاثه از ذروه اعلی تا بمرکز ادنی نزول و تجلّی کرد جامع و واحد جمیع عوالم شد و در افق عزت قدیمه دو کوکب نورانی ساطع و لامع گردید کوکبی از یمین و کوکبی از یسار و این رمز عظیم دو شکلی است که در یسار و یمین اسم اعظم در فصّ نگین محترم ترسیم گردیده و رمز از ظهور جمال ابهی و حضرت اعلی است و هرچند دو شکل یمین و یسار بصورت ستاره است ولی اشاره بهیکل انسانی است که عبارت از سر و دست و دو پا است و عليك البهاء الابهی . ع ع

اهمیت (ب)

۱ - باء تدوین : اول قرآن مجید و کتاب بیان و اقدس به (ب) شروع میشود که بسم الله باشد بفرموده حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فداه در تفسیر بسم الله ، باء (حقیقت مجمله جامعه و شامل معانی الهیه و حقایق ربانیه و دقائق صمدانیه و اسرار کونیه است اوست مبداء بیان و جوهر تبیان و عنوان تدوینی کتاب مجید و فاتحه منشور تجرید بظهور (لا اله الا الله) که کلمه توحید و آیه تفرید و تقدیس من حیث الاجمال و التفصیل است در سوره برائه چون شروع این سوره با حرف (باء) است (برائه من الله) دیگر به بسم الله احتیاج نداشته و حضرت مولی الوری میفرمایند (این نظر به جامعیت و کاملیت و برهان عظیم و کثرت معانی آن است)

۲ - باء تکوین - حرف اول دو مظهر حقیقت حضرت باب - حضرت بهاء الله است و در حقیقت مقصود از (ب) این دو وجود مبارکست بیاناتی حضرت ربّ اعلی در تفسیر (ب) میفرمایند که مفهوم آن چنین است (در مبدء تکوین و ابداع چون حقّ خطاب به ممکنات فرمود الست بریکم جواب بلی دادند یعنی اول حرفی که از وجود ظاهر شد (ب) بود . و از طرف دیگر در جمله الست بریکم ارتباط ب به ربّ کاملاً مشهود گشت (رب = علی محمد) و باء چنانچه خواهیم دانست بهاء الله است) و در جواب ممکنات و قبول قابلیت

موجودات چون بکلمه بلی' تکلم نمودند مدل بر آنست که این دو امر ابداع اعلى معاً و مألأً عالمی است و جمیع را در ظلّ سراپرده خود وارد خواهد نمود .

مقصد از (ب)

۱ - از حضرت علی ابن ابیطالب مروی است : (انّ کلمات فی التوراة و الانجیل و الزبور فی القرآن و کلمات فی القرآن فی الفاتحة و کلمات فی الفاتحة فی البسملة و کل مافی البسملة فی الباء و کلّ ما فی الباء فی النقطة والمراد من النقطة الالف اللینیة التي هی الباطن الباء وعینها فی غیبها وتعینها وتشخصها و تميزها فی شهادتها .

برای درک مطالب فوق اگر بشرح قصیده الالیمیة حضرت سید کاظم رشتی مراجعه کنیم بزودی در خواهیم یافت که مقصد از جمیع کتب همان نقطه یا الفه لینیة است که با هاء و الف همراه باشد یعنی (بهاء) زیرا مقصود از الف لینیة یعنی الفی که خواوریده باشد یعنی (ب) عین بیان شرح قصیده چنین است : الحمد لله الذی طرّز دیباج الکینونة بسرالینونة بطراز النقطة (۱) البارز عنها الهاء بالالف بلاشباع و لانشقاق . پس نقطه ، باء شد و چون از باء و ها و الف بدون اشباع و انشقاق ظاهر شود بهاء می شود .

۲ - شیخ محیی الدین عربی که یکی از دانشمندان

(۱) نقطه را چنانچه در جمله قبل مشاهده نمودیم حضرت علی میفرماید همان الف لینیة یعنی (ب) است .

و عرفای اسلامی است چنین مینگارد (بالباء ظهر الوجود وبالنقطة تميز العابد من المعبود و النقطة للتمیز وهو وجود العبد بماء تقضیه حقیقة العبودیة) .
۲ - حضرت امام جعفر صادق فرمود (کلمات فی التوراة و الانجیل و الزبور فی القرآن و کلمات فی القرآن فی الفاتحة و کلمات فی الفاتحة فی البسملة و کلمات فی البسملة فی الباء و انّ الباء بهاء الله) و نیز در تفسیر بسم الله میفرماید (الباء بهاء الله السین سناء الله المیم مجد الله الرحمن الرحیم بالمؤمنین خاصة)
۴ - حضرت سید کاظم رشتی در شرح قصیده میفرماید :

و قد قال سبحانه تعالى الله نور السماوات و الارض فاطلق النور على الاسم الذی هو العله (یعنی بهاء را بر الله اضافه کن) لآن الظاهر بالالوهیة هو الاسم اعظم الاعظم (تا آنجائیکه میفرماید) لقول مولانا و سیدنا ابوعبدالله جعفر ابن محمد الصادق علیهما آلاف التحية و الثناء من الملك الخالق فی تفسیر البسملة (انّ الباء بهاء لله) و نیز بعبارت ذیل مطالب شیخ محیی الدین عربی را نیز تأیید مینماید :
و هو باء بسم الله الرحمن الرحیم التي ظهرت الموجودات فیها وهی الالف المبسوطة و شجرة طوبی و اللوح الاعلى .

تکرّر باء

۱ - حضرت عبدالبهاء روح ماسواۀ فداہ در لوحیکہ زیارت شدہ میفرمایند « تکرّر باء اشارہ بمقام غیب و شہود است » .

۲ - حضرت بهاء اللہ جل اسمہ الاعلیٰ در لوح احمد فارسی میفرمایند :

« جمال غیب در ہیکل ظہور میفرماید » الخ

۲ - مقصود از غیب و شہود را جمال قدم جل ذکرہ الاعظم در این آیۃ مبارکہ در لوح توحید (۱) تشریح میفرمایند : « و این لطیفہ ربّانی و دقیقہ صمدانی را از دو عنصر خلق فرماید عنصر ترابی ظاہری و عنصر غیبی الہی » (۲) ، در لوحیکہ در مائدہ آسمانی جلد ۴ ص ۲۹۹ منقول میفرماید کینونۃ الاحدیہ کہ مقدّس از حدودات و منزّہ از کلمات و اشارات و اسماء و صفات و ظہورات و تجلیّات بودہ در ہیکل بشریہ ظاہر لذا اکثر بریۃ نظر بعبادات بشریہ کہ از ہیکل امریہ مشاہدہ مینمایند محتجب مانده اند .

۱ - صفحہ ۲۴۰ از مجموعہ الواح جمال قدم جل ذکرہ الاعظم چاپی .
۲ - پس مظاهر مقدّسہ دارای دو مقامند مقام الوہیت و مقام عبودیت مسیح ابن اللہ و ابن انسان بود حضرت رسول مقام انا بشر مثلکم را با مقام لولاک ما خلقت الافلاک داشت و حضرت اعلیٰ مظهر یفعل مایشاء بودند و خود را عبد ذلیل نامیدہ اند و جمال قدم جل ذکرہ الاعظم در لوح امنع اقدسی کہ در کتاب اقتدارات صفحہ ۱۵۹ مطبوع است میفرمایند (و جوہر توحید آنکہ مطلع ظہور حقّ را با غیب منبع لایدرک یک دانی باین معنی کہ افعال و اعمال و اوامر و نواہی او را از او دانی من غیر وصل و وصل و ذکر و اشارہ ، اینست منتهی مقامات مراتب توحید طوبی لمن فاز بہ و کان من الراسخین) و همچنین در ہمین مجموعہ مبارکہ صفحہ ۱۰۹ میفرمایند : (مقر نور توحید اگر در ظاہر موسوم و محدود مشاہدہ میشود و لکن در باطن بسیط و مقدّس از حدود بودہ .

باء و نقطہ

حضرت بهاء اللہ جلّ اسمہ الاعلیٰ در زیارت نامہ حضرت سید الشہداء میفرماید :
« بمصیبتک ترکّ النقطۃ مقرّها الاعلیٰ و اتخذت لنفسها مقاماً تحت الباء .

اولا - حضرت علی علیہ السلام میفرماید « انا النقطہ » و چنانچہ دانستیم حضرت اعلیٰ ہم نقطہ اولی بودند .

ثانیا - حضرت امام محمد باقر فرمود : « الباء بہاء اللہ »

توضیح ۱ - پس اگر در دو اسم علی محمد و حسین علی دقت کنیم در اسم اول علی فوق اسم محمد قرار گرفتہ یعنی اعلیٰ مقر را دارد نظر باہمیت شہادت حضرت حسین از بالای اسم محمد پائین آمدہ و در اسم حضرت بہاء اللہ بعد از حسین قرار گرفت (زیرا مقصود از نقطہ علی و مفقود از باء حسینعلی است)

توضیح ۲ - در دیانت قبل یعنی اسلام علی کہ نقطہ بود پدر حسین و مقدّم بر او بود حال متأخر شد و در اسم حسینعلی قرار گرفت و با ہم بائی را درست کردند کہ همان بفرمودہ امام (بہاء اللہ) باشد .

در این مقام قسمتی از بیانات حضرت نقطہ اولی کہ در ص ۱۰۲ کتاب خطّی استنساخ شدہ ۱۲۶۳ می باشد مذکور المقام الرابع السرّ المقنع بالسرّ ہیکل الاحدیۃ قال علی علیہ السلام : سرّ البسملة فی الباء

و سرّ الباء فی النقطة و انا النقطة تحت الباء و فی الحديث ظهرت الموجودات من باء بسم الله الرحمن الرحيم و قد عبّر فی الاحادیث عن تلك الرتبة بالشجرة الطوبی و بالقصبة الحمراء و القضاء المثبت

والرحمة الجامعه و رتبة الحسين عليه السلام و هو عليه السلام واقف فی مقام توحيد الشهودی بعد خفاء التثلیث فی رتبة التریع قد ظهر اسمه الاعظم و رسمه الاكرم فی سرّ القدم و قد خفی جلال عزّه لشدة ظهوره و استتر علوّ مجده لعظم نوره و من زاره عليه السلام عارفاً بحقه كمن زار الله فی عرشه و المشبة عين المشبه به لأن المقصود ليس الازل لان الازل لا سبیل الیه ابدأ و لا المقصود غیره بل ظهور هویتة فی عالم الامكان و هی مقامه عليه السلام لأن زیارته زیارة ربّ جلّ و علا (الی آخر بیانہ الاحلی) ۱ برای معنی شجره طوبی - سدره ابهی - رفرف اعلی به ص ۴۶ محاضرات جلد ۱ رجوع شود ۱ .

توضیح ۲ -- حضرت باب که نقطه اولی است با وجودیکه بظهور مبارکش قبل از حضرت بهاء الله شریعت مستقلی بود مع هذا خود در مقابل حضرت بهاء الله خاضع و خاشع گشته و کلیه آیات و بینات و شریعت خویش را تحت اراده و اذن جمال مبارک نهاد پس نقطه در ظلّ باء قرار گرفت ، با وجودیکه خود مقدم بود و حضرت بهاء الله هم این دو ظهور اعظم را یک ظهور بیان فرمودند چنانچه حضرت عبدالهء میفرماید التدوین طبق التکوین تحقق

یافته حال که باهمیت حرف باء واقف شدید خوبست در اسم بهاء نیز اندکی تعمق نمایم .

اسم اعظم الهی بهاء است

بعضی علماء عقیده دارند که در بین اسماء خداوند اسم اعظمی است که اگر کسی آنرا بشناسد رستگار شده و دعایش نیز مستجاب میگردد .

۱ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام قسم یاد نمود که اسم اعظم خداوند در دعای ام داود و دعای سحر ماه رمضان مذکور شده لهذا معدودی قلیل پی بحقیقت بردند از جمله مولوی است که در مثنوی گوید ،

ما بهاء و خونها را یافتیم

جانب جانباختن بشتافتیم

از جمله شیخ بهائی معروف است که از مقایسه اسماء مذکوره در دو دعای سابق الذکر با سایر ادعیه چون اسم بهاء را در ادعیه دیگر ندید پی برد که اسم اعظم بهاء است لهذا خود را باین نام مختصر نمود و در اشعارش میگوید :

چون شب قدر از همه مستور شد

لاجرم از پای تا سر نور شد

اسم اعظم را که کس شناسدش

سروری بر کل اسماء باشدش

در این شعر صریحاً اشاره میکند که اسم اعظم در بالای اسماء دیگر قرار دارد و در دعای سحر ماه رمضان (که اسامی ۱۹ ماه بدیع را حضرت ربّ اعلی

روح العالمین له الفداء از آن مأخوذ فرموده اند (باین جملات شروع میشود :

(اللهم انی استلک ببهائک بابهاه و کلّ بهائک بهی اللهم انی استلک ببهائک کلّه . . .)

در لوح مبارکی که در جلد ۴ مائده آسمانی صفحه ۲۲۰ نقل گردیده جمال قدم جلّ اسمه الاعظم میفرمایند :

کتابت در سجن حاضر و توجّه الیه طرف المظلوم الذی دعا کلّ الی الله المهیمن القیوم و صدر آن باین کلمه مبارکه مزین بود اللهم انی استلک من بهائک بابهاه مشاهده در غفلت اهل فرقان نمایند مع آنکه از قبل فرموده اند که اسم اعظم الهی در این دعا مذکور است و نزد صاحبان بصر واضح و مشهود است که مقام ذکر اسم اعظم در اول و ابتدا بوده چه که مقدم بر اسماء و مبداء و مطلع اذکار است و در صدر دعای مذکور واقع شده با وجود این جمیع انکار نموده و عارف بحق او نشدند بلکه فتوی بر قتلش دادند الا من حفظه الله بالحق و انقذه من بحر الاوهام انه لهوالمقتدر القدير .

(لوح میرزا عباس استرآباد)

و در مقامی هم اسم اعظم جمال قدم جلّ شأنه الاعظم بنفسه المقدس میباشد چنانچه در این لوح مبارک که بمناسبت میلاد اسم اعظم نازل میفرماید (مائده جلد ۴ صفحه ۵۱۴) هذا شهر فیه و لد الاسم الاعظم الذی به ارتعدت فرائص العالم و استبرک بقدمه الملاء الاعلی و اهل مدائن الاسماء هللوا و

کبروا و تسبّحوا بالروح و الريحان الخ . . .) .

۲ - شیخ احمد بن علی البونی در کتاب خود بنام شمس المعارف الکبری « باب ۱۱ در ذیل اسم بهاء مینویسد (سوف یشرق الله اشراقاً من الوجه البهی الابهی بسم البهاء فی الیوم المطلق و یدخل مرج عکا و یتحدّ من علی الارض کلها » نقل از دلائل العرفان حاجی میرزا حیدر علی) اصل موضوع را در دلائل العرفان در صفحه ۷۸ و ۷۹ کتاب شمس المعارف با وجود تحریف و اغلاط زیادی که در چاپ دارد .

و اعلم انّ الباری جلّت قدرته لما انزل السراقد الاعلی و اجله علی الكرسی الوقوف الابهی و کساه خلّة النورالبهی و توجّه بتاج الحکمة العلیا جلاه علی الحقائق فی درجه یوم الرضا من النور المطلق .

اولا در این پیشگوئی ظاهر تقدّم زمانی امر اعلی را بر امر ابهی بیان نموده .

ثانیاً: به نور بهی و حکمة علیا اشاره نموده (در درجه یوم رضا [که ۱۲۶۹ می شود) تاریخ آنرا تعیین و نور مطلق که مطابق گفته امام جعفر صادق مقصود بهاء الله است اشاره نموده است .

در پیشگوئی های بسیار از علمای عرفا در اسلام مطالبی صریحه از حیث سنه و اسم و غیره مشاهده میشود ولی اشاره باسم اعظم بها کمتر دیده میشود مثلاً بنام رسول جدید و نسخ شریعت اسلام شخصی است بنام یزید ابن انیسه که از رؤسای خوارج است و مؤسس فرقه یزیدییه صریحاً میگوید (سیبعت رسولاً من العجم و ینزل علیه کتاباً من السماء ینسخ

شريعة شريعة محمد) در ملل و نحل ذکر شده و علمای مسلمین مخالف او بودند و در استدلالیه های امری بسیار از این قبیل نقل شده است .

در کتاب دلائل العرفان از حاجی میرزا حیدرعلی، ص ۱۵۶ مذکور است در فصل (۱۱) کتاب شمس المعانی الشیخ البونی ثم اعلم ان الله سوف یشرق اشراقاً من الوجه البهیّ الابهی باسم البهاء فی يوم المطلق فی مرج عکا و نیز در ص ۱۵۷ دلائل العرفان نقل از آثار حضرت اعلی و لیمزن عند طلوع شمس البهاء کلّ الفجار من اهل الفرار عن الاخيار من اهل القرار و ليعملن فی تلك الفتنة الصماء البکماء العلماء الظلماء الذمما و البنراء السوداء الحناء حکم البداء بعد القضاء و الامضا فی نفس القضاء و . . . اذا خذ قميص يوسف البقاء من یدمبشره العلی الاعلی ثم استنشفه لتجد عرف يوسف البهاء ثم ضعه علی رأسک ترتد بصیراً و تجد نفسك خبیراً و لقد خلق الله حول ذلك الباب بحوراً من ماء الاکسیر محمراً بالدهن الوجود و حیواناً بالثمره المقصود لها سفن من یاقوته الرطبته الحمراء و لا یرکب فیها الا اهل البهاء .

و نیز در کتاب دلائل العرفان ص ۱۵۸ از حضرت ربّ اعلی است :

ولقد اخذ الله عهده قبل عهدي عن کلّ شیء ان یا کلّ شیء بعهد الله لیوفون هو الذی یشهره الله لیجزی کلّ من دان بالبیان و کلّ فی يوم ظهوره یفتنون و انک فی رضوان الابهی تجد کلماً تحب و ترضی فضلاً

من ربک العلی الاعلی و جوداً البهی الابهی لا اله الا هو ذوالمثل الکبری والایات .

ص ۱۵۹ در باب خامس و العاشر من آمن بمن یشهره الله فانما آمن بالله فیکل العوالم ظهورالله در هر ظهور که مراد مشیت اولیه است بهاء الله بوده و هست که کل نزد بهاء او لاشی بوده و هستند .

در باب سادس و العاشر من الواحد الثالث طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربّه فانه یشهر و لامرد له فی کتاب الله .

۳ - چنانچه از قبل گذشت حضرت سید کاظم رشتی در شرح قصیده فرمود (لان الظاهر بالالوهية هو الاسم الاعظم ، الاعظم لقول مولانا و سیدنا ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما الف التحية والثناء فی تفسیر البسملة ان الباء بهاء الله)

۴ - و نیز حضرت امام جعفر صادق مقصود از باء بسم الله را بهاء الله دانسته و میفرماید (الباء بهاء الله - السین سناء الله - المیم مجدالله) الخ .

و تعجب در اینست که در هر سه این کلمات یک معنی دارد زیرا بهاء بمعنی مجد و روشنائی هم آمده .

۵ - حضرت نقطه اولی در بیان فارسی میفرماید (طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربّه) و در بیان عربی میفرماید (ذلك میزان الهدی فی البیان انتم به مومنون الی حین حین ما یشرق شمس البهاء ذلك ظهورالله ان تعملی به مؤمنون) و نیز میفرماید (من اول ما تطلع شمس البهاء الی ان

تغرب خیر فی کتاب الله عن کلّ اللیل ان انتم تدركون) و در کتاب پنچ شأن طلعت اعلی باین کلمات دریات ناطق (هل تعرفون بهاء الله او لاتعرفون ذلك بهاء من يظهره الله فمالکم کیف لاتعرفون) .

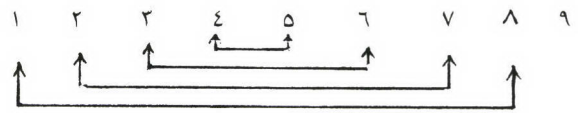
و در خطبه ذهبیه میفرماید (ولیمیزن عند طلوع شمس البهاء من وراء طمطام یم القضاء کلّ الفجار من اهل الفرار عن الاخيار من اهل القرار) و در کتاب اسماء ذکر سفینه را فرموده که فقط اهل بهاء را حمل مینماید و در لوح کرمّل نیز حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعلی بآن اشاره نموده میفرماید (سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر اهل البهاء الذين ذکر هم فی کتاب الاسماء) ، (مقصود از سفینه دراین لوح مبارک بیت عدل اعظم الهی است) و در تفسیرها میفرماید و ان ما فسرت من تفسیر حرف الهاء هو ذکر من ثناء شجرة البهاء حیث يعرف اهل القضاء بحکم البداء فی رکن الحمراء و انه هو سرّ الانشاء و نیز میفرماید (قد جعل علم البداء فوق عرش البهاء و خصصه لاهل السناء فوق منطقه الثناء و قد ختم بالقضاء بان لابداء بعده فی الامضاء و در یکی از الواح ص ۲۴۰ مجموعه خطی الواح جمال قدم جلّ ذکره الاعظم میفرماید :

از باء بحرا عظم هویدا و از هاء هویه بحتہ . اوست توانی که توانائی مردم روزگار او را از خواست خود باز ندارد و لشگرهای پادشاهان از گفتارش منع ننماید . و همچنین در ص ۱۵۶ میفرماید : الحمد

ربّ الذی جعل طراز قضائه یهاء رحمانیته . . . فہی ہی حمراء ، صفراء خضراء بیضاء نطقت علی عرشها بثناء البداء فی منقطعها لا الہ الا هو .

و نیز میفرماید : (ص ۱۵۷) ، الحمد لله الذی جعل طراز اذنه بهاء ربوبیته فہی فہی لامعة شعشعانیہ متلألئة دورت و استقرت کورت و استقامت دارت و استضائت فہی ہی مشرقة شمسیة متنورة قمریہ لامعة تحمیه حاکیة عرشیة مخترعة فردوسیہ منتخبته افريدوسیہ مندكة جبلیہ مسطحة ارضیہ ہی ہی مائدة تراپیہ ہی ہی ہوائیہ ناربیہ ان قلت منفرد فہی جمعیة و ان قلت جمعیة فہی احدیة مظهر الهاء فی لجة ، لجة الاحدیة التی نطقت و تجلّت و خضعت و خشعت و قالت الله لا الہ الا هو .

بهاء بحروف ابجد ۹ میشود و همانگونه کہ صاحب این اسم مبارک مظهر کلی الهی است این عدد نیز کامل ترین اعداد و دارای خواص عجیبہ است . صاحب کتاب سفینه طالبی مینویسد کہ در پطرزبورک کتابی از ابوعلی سینا دیدہ کہ در آن شرحی از مراتب اعداد نگاشته از جملہ در بارہ ۹ نوشته است کہ این عدد در حقیقت اعداد دیگر مندرج و مندمج است مثلاً اگر اعداد را از (۱ تا ۹) در رتبہ احاد بنویسیم و یا از (۱۰ تا ۹۰) در رتبہ عشرات و همچنین سایر مراتب و بشرح ذیل بهم الحاق نمائیم و باشکال مختلفہ در آوریم خواصی در این عدد می بینیم کہ در سایر اعداد نیست .



۱ - جميع دو عددی که فلش دارد نه میشود :

$$۱ + ۸ = ۲ + ۷ = ۳ + ۶ = ۴ + ۵ = ۹$$

۲ - اگر کنار هم قرار گیرند عددی بدست میآید

قابل تقسیم بر ۹ مثل ۴۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۱۸

۳ - اگر مغلوب هم کنار هم قرار گیرند قابل تقسیم

بر ۹ میباشد مثل ۵۴ و ۶۳ و ۷۲ و ۸۱

۴ - مجموع ارقام فردیه در نه چون جمع شود قابل

تقسیم به ۹ میباشد :

$$۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ + ۸ + ۹ = ۴۵$$

اهمیت حرف ه و مقامات توحید

۱ - حضرت ربّ اعلی در تفسیر هاء میفرمایند

حرف الهاء هو رتبة خامسى ظهورات التوحید و

شئون التجرید و هو حرف التوحید فی الفواد لما

دار فی هیاکل الاربعه با المشاهد الاربعه ظهر حرف

الكاف و هو اول كلمة الامر الذى به قام كلشئ و انّ

الله سبحانه خلق مقامات التوحید فی حرف الهاء و

ان منها مقام النقطة جعله فی هذا المقام مقام نفسه و

منها ^{هـ}مقام الالینّیه و سرّ الازلیة والولایة الکلیة التی یوحد

الله ربّه و منها مقام الف المبسوطة و هی مقام لا اله

الا الله ائمة عباد المکرمون الذین لایعملون الا بامرالله و

منها مقام الحروف المجتمعة . . . انّ بنورها قد و

جدت حقایق الانبیاء و ذوتت جواهر ذاتیات

الاصیاء و منها مقام الكلمات و هو مقام توحید

الانبیاء و الاوصیاء و المومنین من الانس حیث یدلّون
على الله و لیس لاحد ممن سواهم حقاً فی توحید هم
و عرفانهم لله سبحانه و انهم الکرویین و انّ لكل تلك
المراتب مقامات اربعة التی ترجع الی نقطة واحدة .

۱ - و منها مقام توحید الذات

بأنه کما هو هو لن یعرفه الا هو

۲ - و منها مقام توحید الصفات

بأن لا صفة لله دون ذاته (کمال التوحید نفی

الصفات عنه)

۳ - و منها مقام توحید الافعال

و آن فی ذلك المقام زلت اقدام الكلّ فی معروءه

امرين الذی هو سرّ القدریه یوحد العباد موجدهم

فی مقام الافعال ثم قوله عزّ ذکره قل کل من عندالله

و انّ ذلك لهوالسرفی توحید الافعال و لینزل الله آیه

فی ذکر ذلك البیان اکمل و اتمّ من کلمة لاحول و

لاقوة الا بالله و سبحان الله عما یصفون .

۴ - و منها مقام توحید العبادة و من عبدالله بما

وصف نفسه باسمائه و صفاته التی نزل الله فی کتابه

فقد عبدالله بما یمکن فی حق الامکان .

۵ - همچنین کلمه توحید در اسلام چهار است که

ارکان اربعة بیت توحیدند :

۱ - سبحان الله (رکن تسبیح) .

۲ - الحمد لله (رکن تحمید) .

۳ - لا اله الا الله (رکن تهلیل) .

۴ - الله اکبر (رکن تکبیر) .

بقیه درصفحه

آدم و حوا

۱ - چنانچه در این لوح مبارك زیارت شد حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداء میفرماید که ۵ باب X ۹ بها = ۴۵ است .

و نیز رقم ۱۵ که از جمع مفردات ۵ بدست میآید مطابقست با عدد حوا :

و رقم ۴۵ که از جمیع مفردات ۹ بدست میآید مطابقست با عدد آدم .

و نیز میفرماید همانگونه که از آدم و حوا عالم بشریت پدید شد از محمد و علی نیز امة اسلام پدیدار گردید زیرا محمد حقیقت فائضه بوده و علی حقیقت مستفیضه و از این دو یعنی روح محمدی و نفس علوی امة وسط موجود شد و حجت الهی نیز کامل گشت چنانچه آیه مبارکه ذیل نازل گردید « ان الذین یحاجون فی الله من بعد ما استجبت له حاجتهم داحضة عند ربهم و علیهم غضب و لهم عذاب الیم » یعنی نفوسی که حجت بطلبند در امر خدا بعد از قبول کردن یکنفر حجت آنان باطل و از خداوند بر ایشان غضب و عذاب دردناک نازل میشود (۱)

۲ - در کتاب مستطاب مفاوضات در باره آدم و حوا چنین مذکور (آدم روح آدمی است و حوا نفس آدم و شجره خیر و شر عالم ناسوتی و مار تعلق بعالم ناسوتی . آن تعلق سبب شد که نفس و روح آدم را از عالم اطلاق بعالم تقیید دلالت کرد و از ملکوت توحید بعالم ناسوت متوجّه نمود ، از جنت

اطلاق خارج گشت و در عالم تقیید افتاد و بعالم خیر و شر قدم نهاد .

خلاصه

دوستان عزیز اینک خلاصه از مطالب مشروحه طی چند سطر معروض میگردد تا بهتر بتوانیم رئوس مطالب را بخاطر بسپاریم .
۱ - در فصّ نگین ۴ هاء و دو باء و دو ستاره ۵ ضلعی با هم ترکیب شده .

۱ - زیرا نبوت هر مدعائی بشهادت دو شاهد عادل موکل شده شاهد اول بنص صریح قرآن حضرت رسول است که میفرماید (انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا) و شاهد دوم اولین کسی که مؤمن شود و بر صدق ادعای رسول شهادت دهد و باعتقاد اهل تشیع ایمانی کاملتر از ایمان علی نبود پس با این شاهد دوم حجت الهی بالغ شد حال اگر هزاران هزار تکذیب نمایند البته قول ایشان مسوع نیست لهذا در این آیه مبارکه وعده غضب و عذاب به منکرین و مهاجه کنندگان داده شد .

۲ - ۴ هاء ارکان اربعه بیت توحید ۲ باء اشاره بمقام غیب و شهود و دو ستاره در یمین و یسار اشاره بهیکل انسانی و رمز از دو ظهور جمال اقدس ابهی و حضرت اعلی است .

۳ - ۵ در حروف ابجد ۵ است مطابق باب و چون مفردات آنرا جمع کنیم ۱۵ میشود که مطابق حواست :

$$۲ + ۱ + ۲$$

$$۱ + ۲ + ۲ + ۴ + ۵ = ۱۵$$

$$۱۵ = ۸ + ۶ + ۱ = حوا$$

۴ - بهاء بحروف ابجد مساوی ۹ است و چون

بقیه در صفحه ۶۲

عید رضوان

ما ز طرب ساز کن موکب رضوان ^{سید} نغمه بخوان کف بزن صبح سعادت دید

باب غزل باز کن شور بهشت ز کن که منظر کبریا پرده ز رخ بر کشید

ما ز طرب ساز کن نغمه بخوان کف بزن

باغ و نسیم بهار خند و گل باید کن یاد شب نور مه بر گل شمشاد کن

ز هر طرف جلوه گر خرمی از رخ گل خرمی از سرخ گل شکوه آن یاد کن

ما ز طرب ساز کن نغمه بخوان کف بزن

به فرّه ایزدی به ماه اردیبهشت منظر امر خدا به باغ مینو سرشت

آیه صلح و صفا به لوح و دفتر ثبوت به باغ دلهار لطف نهال امیت

ما ز طرب ساز کن نغمه بخوان کف بزن

به ماه اردیبهشت دل همه شیداشود به یاد آن خاطره شور سراپا شود

به لحن شور و نوای سرود عرفان بخوان که نغمه دلنشین انجمن آرا شود

ما ز طرب ساز کن نغمه بخوان کف بزن

طهران - خرداد ۱۳۵۱

شعر بالا اثر شاعر ماهر فقید نصرالله عرفانی علیه رضوان الله متخلص به عرفان میباشد که دختر نیک اخترش خانم مانادانا عرفانی (رفیع زاده) آنرا برای درج در عندلیب بانضمام نواری با صدای گرم خانم نرگس نوح نژاد فرستاده است.

کتاب مستطاب اقدس

نشر جدید امّ الكتاب دور بهائی و ملحقات آن در آغاز سال جدید میلادی مژده ای کم نظیر برای احبای ایرانی در سراسر عالم می باشد .

کتاب مستطاب اقدس یکبار در اواخر حیات جمالبارک و یکبار در دوره میثاق در بمبئی و دوبار در طهران بچاپ رسید و سالها نسخ آن بسیار کمیاب و مورد درخواست و احتیاج دوستان بود .

در سال ۱۹۷۲ رساله " تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس " ب زبان انگلیسی که تدوین آن ابتدا توسط حضرت ولی امرالله آغاز شده و بعداً تحت نظر معهد اعلی تکمیل گردیده بود منتشر شد . حضرت ولی امرالله انتشار این رساله را شرط لازم و مقدماتی برای ترجمه و نشر کتاب مستطاب اقدس ب زبان انگلیسی دانسته بودند .

ترجمه فارسی این رساله در سال ۱۹۸۵ بوسیله لجنه امور احبای ایرانی امریکا بچاپ رسید .

حضرت ولی امرالله در حدود يك ثلث کتاب مستطاب اقدس را به انگلیسی ترجمه فرموده بودند . بیت العدل اعظم برای تکمیل ترجمه این سفر جلیل هیئت های مخصوصی را که در کار زبان و ترجمه تبحر داشتند انتخاب کردند . این هیئت ها این کار خطیر و تاریخی را زیر نظر مستقیم معهد اعلی بانجام رساندند تا این که در نوروز ۱۵۰ بدیع ترجمه موثق انگلیسی

کتاب مستطاب اقدس که یکی از اهداف مهم نقشه شش ساله محسوب شده بود منتشر شد . معهد اعلی در اهمیت و لزومیت آن رَقّ منشور در پیام ۵ مارچ ۱۹۹۲ چنین اعلام داشتند : " انتشار ترجمه رسمی متن کامل کتاب مستطاب اقدس به یکی از السنه عمده جهانی که کتاب مزبور را برای اولین بار در دسترس قارئین مغرب زمین قرار میدهد ، دامنه نفوذ این اثر جلیل را وسعتی عظیم خواهد بخشید و ترجمه آن ب زبانهای دیگر ابواب توسعه و پیشرفتی را بر روی افراد و جوامع مفتوح خواهد ساخت که مطمئناً باید تأثیری شدید و روز افزون و تحول انگیز بر امم و ملل عالم داشته باشد . . . "

پس از نشر ترجمه انگلیسی این سفر جلیل در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۹۴ بشارت چاپ آن ب زبان نزولی و ملحقات بفارسی به احبای ایرانی داده شد ، دارالانشاء معهد اعلی در پیام مزبور از جمله چنین بیان داشته اند : " . . معهد اعلی دستور فرمودند که پس از انتشار ترجمه کتاب مستطاب اقدس ب زبان انگلیسی ، این سفر جلیل با کلیه ملحقات و توضیحات و یادداشتها به سایر السنه ترجمه و طبع و نشر گردد . حال طبق این دستور مبارک نسخه کامل این کتاب مستطاب برای احبای فارسی زبان در شرف تهیه و امید است که در آتیه نزدیکی به طبع رسیده در دسترس هم وطنان جمال قدم قرار گیرد . . . " دستور بیت العدل اعظم در آغاز سال جاری میلادی بمرحله عمل در آمد و این اثر گرانقدر با کمال زیبایی و نفاست در دسترس

دوستان فارسی زبان قرار گرفت .

این سفر جلیل با دیباچه کوتاهی آغاز شده و سپس در مقدمه مفصلی معهد اعلی در بیان اهمیت کتاب مستطاب اقدس از جمله فرموده اند : « کتاب مستطاب اقدس حقانیت ادیان سالفه را تصدیق کرده همان حقایق ابدی لن یتغیری را از قبیل وحدانیت الهی ، محبت به نوع و اهداف اخلاقی و روحانی حیات عنصری که انبیای اولوالعزم نازل فرموده اند مجدداً تائید مینماید . در عین حال آنچه از احکام و حدود که در شرایع سابق وضع شده و حال سدّ راه و مانع ایجاد وحدت عالم انسانی و تجدید بنای جامعه بشری است از میان بر میدارد . . . »

در سطور بعدی این مقدمه شمه ای در مورد اهمیت مقام و اختیارات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و معهد اعلی بعنوان « مراجعی که مصدر تبیین و تشریع اند » سخن گفته شده از جمله فرموده اند « این مراجع به تصریح حضرت بهاء الله در آثار مبارکه و بالاخص در کتاب مستطاب اقدس به فرزند ارشد خویش حضرت عبدالبهاء محول فرمودند ، حضرت عبدالبهاء آن شخصیت بی نظیر و بدیل هم مثل اعلای تعالیم پدر آسمانی و هم مبین ملهم و مصون از خطای آیات نازله و هم مرکز و محور عهد و پیمانی است که مؤسس آنین بهائی با پیروان خود بسته است . . . » سپس از مساعی جمیله حضرت ولی امرالله طی سی و شش سال دوره ولایت که منجر به استقرار نظم اداری عالم بهائی و تشکیل محافل ملّی و محلی گردید سرانجام به تشکیل بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ منجر شد سخن رفته و از جمله چنین آمده است «

بیت العدل اعظم به نصّ صریح مختار است که با تغییر مقتضیات زمان احکام و قوانینی را که خود وضع نموده نسخ نماید یا تغییر دهد ولی هرگز نمیتواند احکام منصوصه را نسخ و یا تعدیل نماید ، به این نحو امر ضروری انعطاف و عدم تصلّب و انجماد در شریعت الله تحقق می یابد . . . »

در این مقدمه در مورد رساله « سؤال و جواب » چنین آمده است : « از جمله این آثار مبارکه رساله « سؤال و جواب » است که جناب زین المقربین که در میان کاتبین حضرت بهاء الله مقامی والا دارد جمع آوری نموده ، این رساله حاوی جوابهایی است که حضرت بهاء الله به سئوالات احباء عنایت فرموده اند و مجموعه گران قدری است که متمم کتاب اقدس محسوب میگردد ، الواح مهمّه دیگر که ذکر آنها در بیان مبارک حضرت ولی امرالله آمده الواحی هستند که ترجمه آنها در سنه ۱۹۷۸ در مجموعه « الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده » طبع و نشر گردیده است .

در این مقدمه سپس شرح مفصلی در باره اسلوب و روش ترجمه کتاب مستطاب اقدس بزبان انگلیسی بیان کرده اند .

در فصل بعدی صفحاتی از « کتاب قرن بدیع » (گاد پاسز بای) را که در شان اقدس مستطاب سخن رفته درج شده است حضرت ولی امرالله مندرجات این سفر مبین را به نقل از آثار مبارکه : « روح الحیوان لمن فی الامکان ، حصن حصین ، اثمار الشجره ، السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم مصباح الحکمة و الفلاح ، عرف قمیص و مفاتیح رحمت » دانسته اند .

متن اصلی کتاب مستطاب اقدس بزبان نزولی " عربی " با سرآغاز تذهیب شده و زیبا بخط نسخ هنرمند جوان برهان زهرانی خطاطی شده و صفحات آن جداگانه شماره گذاری گردیده که تعداد آنها به ۱۸۰ صفحه میرسد .

قسمت ملحقاتی بر کتاب اقدس نازله از قلم اعلی ، شامل اشراق هشتم از لوح " اشراقات " صلات های سه گانه و صلات میت است .

سپس رساله در سنوال و جواب " بفارسی آمده و رساله " تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس " که قبلاً در مورد آن سخن رفت در ۲۷ صفحه چاپ شده است .

در فصل " یادداشت ها و توضیحات " به ترتیب ، آغاز هر پارگراف با ذکر " بند " (شماره ای که در حاشیه کتاب اقدس چاپ شده) آمده و ذیل آن سوابق و توضیحاتی را که در سایر آثار مبارکه آمده نقل شده که فی الواقع راه گشای درک معانی آیات متن کتاب است و اگر کسی عربی هم نداند با مطالعه این فصل مقصود و منظور آیات مندرج در متن کتاب را درک خواهد کرد . آخرین فصل کتاب ، " فهرست کلی اعلام و مواضع " است که در آن اسامی و مواضع مندرج در کتاب با ذکر صفحات آمده و راهنمای مفیدی برای خواننده است .

انتشار مجموعه نفیس و بی نظیر کتاب مستطاب اقدس بزبان نزولی و ضنائم آن بفارسی فرصتی بی بدیل برای دوستان فارسی زبان بدست آمده که با مطالعه این اثر گرانقدر به گوهرهای ثمینه معانی نهفته در متن این سفر کریم دست یابند و آنها را آویزه گوش

هوش نمایند .

نشر جدید کتاب مستطاب اقدس و ضنائم آن که در کسوتی جمیل با چاپ و تجلید نفیس و شایسته در کشور آلمان تحت نظر معهد اعلی انجام شده به قیمت ۲۰ دلار آمریکائی یا (۴۵ مارک آلمانی) در دسترس دوستان عزیز قرار داده شده است ، مساعی جمیله هنرمند ارجمند جناب برهان زهرانی در تحریر خطوط نسخ این اثر نفیس و همچنین زحمات طولانی خادم صمیمی امرالله نسخه شناس برجسته جناب مهندس سعید معتمد در راه حُسن اجرای مراحل چاپ و نشر این سفر جلیل مشکور است .

بقیه از صفحه ۵۸

مفردات آنرا جمع کنیم ۴۵ میشود که مساوی عدد آدم است :

$$۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ + ۸ + ۹ = ۴۵$$

$$۱ + ۴ + ۴۰ = ۴۵$$

۵ - همانگونه که از اقتران آدم و حوا عنصر جسمانی بشر موجود از اقتران معنوی باب و بهاء نیز هیکل نورانی شریعت رحمانی تحقق یافت .

۶ - در نگین اسم اعظم ۲ سطح موجود است که اولی (فوقانی) رمزی از عالم حق و دومی رمز عالم امر و سومی یا تحتانی عالم خلق است .

در خاتمه امیدوار است این شرح مختصر مورد قبول مشترکین عزیز در این مدرسه واقع و اگر مطالبی نظر بضیق وقت و احتراز از اطاله کلام معروض نشد بصرف فضل و لطف معذورم دارند .

مآخذ اشعار در آثار بهائی

جلد دوم

مآخذ اشعار فارسی الف - ث

محقق محترم جناب دکتر وحید رافتی که بسیاری از یاران باآثار تحقیقاتی ایشان آشنائی کامل دارند ، بعد از تألیف مآخذ اشعار عربی، در آثار بهائی (جلد اول) کتاب مفید و سودمند دیگری بنام مآخذ اشعار فارسی (جلد دوم) الف - ث تألیف نموده که در ۴۱۲ صفحه با خط نسخ و کاغذ مرغوب و جلد مقوایی خوب ، طبع و بدوستان الهی و مشتاقان زیارت و مطالعه الواح و آثار مبارکه و دوستداران ادبیات فارسی عرضه گشته است .

گرانمایه یاری که ادیبی است فرزانه در نامه ای که برآستی آن را توان تقریظی بر این کتاب دانست چنین مینویسد :

" ... درج اشعار فارسی در الواح منزله منزلتی برای ادبیات فارسی ببار آورده که اگر هموطنان جمال مبارک از آن با خبر گردند سر بآستان ساینده ... "

نقل بعضی از اشعار فارسی در آثار و کتب بهائی موجب شناسائی شعرای فارسی گو و شهرت و اعتلاء ادبیات غنی و شیرین این زبان در عالم بهائی شده، تا آنجا که عده ای از بهائیان مغرب زمین بآموختن زبان و ادبیات فارسی رو آورده اند . بخاطر دارم چند سال قبل در مدرسه بهائی لوهلن در میشیگان امریکا یک بهائی امریکائی نطقی در باره شرح حال حکیم سنائی و معانی برخی از اشعار او بزبان فارسی ایراد

روح الله مدیر مسیحائی

نمود که بسیار مورد توجه شنوندگان واقع گردید . ذکر این مطلب نیز در این مقام خالی از فایده نیست، اخیراً یکی از هفته نامه های شهر تورنتو ، نوشتاری از نویسنده ای غیر بهائی راجع باهمیت آموزش زبان و ادبیات و فرهنگ ایران به نوباوگان و جوانان برون مرزی دور از وطن چاپ نموده که در آن بحثی جامع در باره ارزش و اهمیت خدمات جوامع بهائی باشاعه فرهنگ و ادب ایران در جهان نوشته شده بود . نحوه تنظیم کتاب :

ابتدا ابیات و مصاریع اشعار مندرج در الواح مبارکه و کتب امریه بترتیب الفبای کلمات در صدر صفحات ثبت گشته ، سپس يك یا چند لوح از الواح نازله از اقلام طلعات مقدسه که شعر و یا مصرع در آن ذکر گردیده ، درج شده ، بعد مآخذ اشعار با ذکر نام گوینده نقل گشته سرانجام گفتاری کوتاه در باره شرح حال شاعر و در صورت لزوم توضیحی مختصر در مورد مبحث ، بیان و مندرج گشته و بدین ترتیب کتابی بدیع با مقدمه ای مبسوط تألیف و انتشار یافته که با هر ذوق و سلیقه ای سازگار است .

ناگفته پیداست ، معرفی کتابی که هر صفحه اش اثری تازه از الواح بهائی و کتب امری و مباحثش کلاً متنوع و متفاوت است در اوراقی محدود و صفحاتی معدود ننگند .

بنابراین به منظور اکمال این گفتار صفحات اول دو مبحث مندرج در کتاب ذیلاً گراور میگردد :

ولی نباید از نظر دور داشت که دو صفحه اول از دو

مبحث کتاب فقط به منظور آگاهی بیشتر یاران به نحوه تنظیم و تدوین کتاب اندراج یافته و الا صفحات اول هر قسمت ، شامل تمام موارد نیست چنانکه در مبحث غزل معروف :

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی " پنج اثر دیگر صادر از کلک گهربار حضرت مولی الوری و قسمتی از کتاب تذکره الوفا در باره حیات جناب استاد اسماعیل که بامر جمال مبارک مأمور به توجه به حضرت نقطه اولی و خواندن غزل مزبور بلحن خوش شده و همچنین انتساب غزل به ملای روم و چاپ آن در دیوان حسین بن منصور بیضاوی معروف به حلاج و شرح مختصری راجع بزندگانی حلاج نگاشته شده است. نه تصور رود که تالیف چنین کتابی کاری است ساده و آسان ، بلکه صبر و پشتکار ، صرف وقت بسیار تحقیق مستمر در آثار ، شناخت سبکها ، مراجعه بدواوین شعرا و تذکره ها و اطلاع کافی از تاریخ ادبیات و دسترسی بمنابع کثیره امری لازمه چنین تالیفی است . چقدر مشکل است تحقیق در باره حیات شاعری خیالی نام که مصرعی از او در اثر مبارکی صادر گردیده است .

یاد دارم ، که در اوان جوانی توقعی از حضرت ولی محبوب امرالله زیارت نمودم که در آن این مصرع از فم اطهر صادر گردیده بود :

" ای خانم اهل بها ، رفتی و شکست محفل ما " با خود گفتم این مصرع از کدام شاعر نیکبخت است که از لسان محبوب اهل بها، جاری گشته چندانکه در آثار شعرای پیشین جستجو کردم چیزی نیافتم و از دوستان صاحبنظر نیز هرگاه پرسش نمودم پاسخی

درست نشنیدم ، تا آنکه روزی برحسب اتفاق در مغازه یکی از دوستان دیوان عاشق اصفهانی را دیدم که برای فروش بود آنرا خریده باز نمودم غزلی آمد بدین مطلع :

رفتی و شکست محفل ما هم محفل ما و هم دل ما چنان شاد و مسرور شدم که کوئی گوهر گرانبهای گمشده خود را یافته ام ، مقصد از بیان خاطره بالا آنکه یاران الهی و مشتاقان زیارت آثار مبارکه و ادب فارسی از صعوبت کار آگاه شوند و قدر و منزلت اینگونه تالیفات را بشناسند .

ممکن است احباء پیرسند معرفی کتاب بجای خود ولی از کجا میتوان آن را ابتیاع نمود . مراکز کتابفروشیهای امری و مؤسسه معارف بهانی کانادا بآدرس زیر آماده فروش می باشند ، قیمت کتاب سی دلار آمریکائی است .

Institute for Baha'i Studie,
PO. Box . 65600
Dandas O. N. T
L9H - 6Y6 Canada
Te: (905) 628 - 3040 Fax: (905) 628-3276

گرچه معرفی کتاب بنحو اجمال بیایان آمد ولی حال نقل خاطره ای از دوستی نیکو سرشت در این مقام مناسب مقال است . در روزگار گذشته برای گذراندن دوره نظام وظیفه وقتی راهی زاهدان شدم در بدو ورود در منزل یکی از دوستان ، بدون انتظار با مبلغ و دانشمند بزرگوار بهانی جناب عنایت الله فناپذیر علیه رضوان الله دیداری تازه نمودم ، ازاین حسن اتفاق بدو جهت شاد و مسرور گشتم ، اول رهایی از غصه تنهایی در دیار غریب که همواره از آن گریزانم و ثانی فکر اکتساب معارف بهانی از محضر دانشمندی جلیل.

بعضی از آیام که در مسافرخانه امری ملاقات دست میداد ایشان را مشغول تحریر میدیدم . روزی پرسیدم دوست عزیز چه مینویسی ؟ فرمود شرح حال شعرانی که ابیاتی از اشعارشان در الواح مبارکه الهیه نازل گشته ، اسم کتاب را ینابیع گذاشته ام و هر جزوه که آماده میشود بطهران برای تصویب میفرستم . جزوه ای از آنرا مطالعه نمودم دارای مباحثی بسیار خوب بود و با خطی نیکو نوشته شده بود . واضح است که تألیف چنین کتابی در شهر کوچک زاهدان بعلت عدم دسترسی بمنابع و آثار خالی از اشکال نیست ولی جناب فنا ناپذیر شرح حالها را از تذکره ها و اشعار مندرج در آثار را از حافظه استفاده می نمود . قضا را بعد از مراجعت ایشان از مهاجرت افریقا روزی به منزل یکی از دوستان اتفاق ملاقات افتاد ، در میان

صحبت پرسیدم راستی ، جناب فناپذیر کتاب ینابیع چه شد ، فرمود (خواننده ای پیدانشد) از این اشاره چنین دریافتم که آن آثار بعلت تتابع اسفار و یا گردش چرخ روزگار کجرفتار مفقود و یا مستور گشته است .

اکنون دکتر وحید رأفتی عزیز با تألیف چنین کتابی علاوه بر آنکه خدمتی بسزا به معارف بهائی نموده ، نیت خالص والای آن خادم برازنده امر الهی را که امروز در عالم بقا ، در جوار رحمت کبری است جامه عمل پوشانده و روحش را در ملکوت اعلی شاد و مستبشر ساخته است .

شکر خدا را که امروز در مغرب زمین مؤلفان بهائی در نهایت آزادی تألیفات خود را بزبور طبع می آرایند تا از گزند زمان در امان و برای اخلاف جاودان بماند.

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی و اندر همه عالم مشهور به شیدائی

حضرت بهاءالله در لوحی که در اوایل ایام بغداد به اعزاز جناب آقامیرزا آقای کاشانی عزّ نزل یافته چنین می فرمایند :

هوالمی عندلیب سنا می گوید ، الیّ یا اهل البقاء ، بلبل وفا می گوید ، الیّ یا اهل الوفاء ، هُدهُدهُ لقا مغرد الیّ یا اصحاب الهدی ، ورقه ورقا مترنم الیّ یا قدس القدس فی ملکوت الابهی لیشهدون کیف یمشی السرور قدام الوجه و بعد فالق اکلیل التکبیر علی رأس من تشاء . جناب آمحمد اسمعیل توجه به نقطه اعلی و کلمه اولی نموده و این اشعار را ذکر نمائید ، اگرچه فارسی است لا بأس علیه ،

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی و اندر همه عالم مشهور به شیدائی
در نامه مجنونان از نام من آغازند زین پیش اگر بودم سردفتر دانائی
ای باده فروش من سرمایه جوش من ای ازتوخروش من من نایم و تو نائی

گر زندگیم خواهی در من نفسی دردم من مرده صدساله تو جان مسیحائی
 اوّل تو و آخر تو ظاهر تو و باطن تو مستور ز هر چشمی درعین، هویدائی .
 ولکن بقوّت الهی و قدرت ربّانی و عنایت حضرت لایزالی باید بر
 بساط نور جالس شد و بر فضای روح سایر گشت تا جمیع چندها
 را بی‌چون مشاهده نمود و تمام اسم و رسم را بی‌ننگ و نام دید .
 این است مقام رفرف اعلی و سدره ابهی و شجره طوبی و ثمره
 قصوی . فطوبی لعارفیها و شاریها و آکلیها و واصلیها .

مجموعه آثار ، شماره ۳۸ ، ص ۴۳-۴۴

ای وقت تو خوش که وقت ما کردی خوش

حضرت بهاءالله در اثری که به امضاء میرزا آقاخان خادم‌الله به
 اعزاز «جناب نبیل» صادر شده و به تاریخ ۲ رمضان سنه ۱۳۰۳ هـ ق
 مورّخ است، چنین می‌فرمایند:

حمد موجد امکان را لایق و سزا که بیان را مطلع حکمت و اراده و
 علم فرمود ... عبد حاضر به نامدات حاضر ذکر نمود آنچه ذکر
 نمودی فی‌الحقیقه غم برد و فرح آورد هم برد بهجت داد، بقول
 نامربوط‌های عالم، ای وقت تو خوش که وقت ما کردی خوش. این
 فرد اگرچه در ظاهر اسطوقسی ندارد ولکن عرف لطیفی از او متضوع
 است ...

گوینده این فرد بر بنده معلوم نیست. لغت‌نامه دهخدا در ذیل
 کلمه «خوش» چنین آورده است: «... خوش کردن وقت کسی، بنشاط
 درآوردن او: ای وقت تو خوش که وقت ما کردی خوش».

شعر مورد بحث البته بعید نیست که صورت دیگری از مصرع چهارم
 در دوبیتی شیخ ابوسعید ابوالخیر باشد که به مریدی از مریدانش التفات
 خاص داشت، روزی آن مرید دیر به مجلس شیخ درآمد. چون وارد شد
 شیخ ابوسعید که در انتظار ورود او بود روی به سوی او کرد و چنین
 گفت: «از چهره همه خانه منقش کردی - وز باده‌رخان ما چو آتش
 کردی. شادی و نشاط ما یکی شش کردی - عیشت خوش با که وقت
 ما خوش کردی». (محمّد بن المنوّر بن ابی سعید، اسرارالتوحید، ط:
 طهوری، ۱۹۷۸م، چاپ دوم، ص ۱۸۵)

معرفی کتاب

« طایر قدسی که در پرواز همتائی نداشت » تازه ترین مجموعه اشعار هوشنگ روحانی « سرکش » است که توسط مؤسسه انتشاراتی مرآت چاپ و منتشر گردیده است .

این کتاب ۲۶۵ صفحه و اشعار نو و کلاسیک میباشد که شاعر بعد از انتشار اولین مجموعه اشعار خود (خورشید در سیاهچال) سروده است .

جلد کتاب ضخیم و کاغذش مرغوب و چاپ و صحافیش با وقت و حسن سلیقه انجام شده است . قیمت آن ۲۰ دلار آمریکائی تعیین شده و علاقمندان میتوانند آنرا در کانادا و آمریکا از :

Images International
5010 Austin Road
Hixson, Tennessee 37343

تلفن رایگان 4525 - 270 - 800 - 1 خریداری کنند.

درخواست مؤسسه معارف بهائی از عموم

یاران رحمانی

یکی از امور مهم و اساسی در تحقیق مسائل امری شناسائی نفوسی است که در آثار مبارکه مورد خطاب واقع شده اند .

مؤسسه معارف بهائی به این منظور اقدام به طرح پروژه ای مشروح نموده که با استعانت نفوس صاحب کمال بخصوص احبای عزیزفارسی زبان آن را بانجام

برساند. منظور اصلی از پروژه ای که برای این منظور تهیه گردیده شناسائی مخاطبان الواح مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالهء شأن نزول آثار مبارکه و تهیه شرح حال مخاطبین مذکور میباشد . مؤسسه معارف بهائی از عموم احبای عزیز الهی درخواست مینماید اطلاعات خود را در این زمینه ، هرچند جزئی و مختصر و یا کلی و مفصل باشد ، اعم از این که از کتب و نوشته های خطی و یا چاپی بزبانهای فارسی ، عربی و یا سایر احباء شنیده شده باشد و یا ضمن اوراق و اسناد خانوادگی پیدا شود برای تهیه و تنظیم این تذکره به مؤسسه ارسال فرمایند .

مؤسسه در نظر دارد جمیع اطلاعات واصله را پس از تطبیق با سایر اطلاعات و جرح و تعدیل لازم در جزوات ادواری مخصوص هر شش ماه یا بیشتر و یا کمتر درج و در دسترس احباء بگذارد و هرگاه اطلاعات جدیدی واصل شد و یا جرح و تعدیل دیگری لازم افتاد در جزوات بعدی درج و منتشر نماید .

امید است که با همکاری و معاضدت و راهنمایی یاران گرامی موفق شویم این پروژه مهم را که ممکن است سالها و دهه های متمادی ادامه داشته باشد بنحو مطلوب بانجام برسانیم .

Institute for Baha'i Studies
P.O. Box 65600, Dandas, Ontario, L9H 6Y6
Canada
Telephone (905) 628 3040 Fax (905) 628 3276

دائستینها :

۷ شهرالمشیه ۱۳۶

۱۲ اکتبر ۱۹۷۹

خادم صمیمی آستان مقدس الهی جناب سیف الله
موزون علیه بهاء الله

مشروحه آنجناب مورخ ۱۴ جولای ۱۹۷۹ بلحاظ مکرم
بیت العدل اعظم فانز و حسن توجه و خلوص نیت و
دقت و مراقبت آن برادر عزیز روحانی در آثار مبارکه
مورد تقدیر و تمجید موفور معهد اعلی گردید
فرمودند آنچه مربوط باغلاط طبع در کتب و آثاری
است که تحت اشراف محفل مقدس روحانی ملی ایران
انتشار یافته باید قطعیا در تجدید طبع مورد
رسیدگی قرار گیرد تا برطبق مدارک اصلیه اصلاحات
لازمه در آن معمول گردد مع الأسف در حال حاضر
این اقدام میسر نیست و انشاء الله هروقت موانع مرتفع
شود نسبت بآن اقدام خواهد گردید .

سئوالات دیگر آن خادم جلیل بدانره مطالعه نصوص و
الواح ارجاع گردید تا بر طبق نصوص مبارکه نسبت
بپاسخ آن اقدام نمایند اینک شرحی که از آن دائره
رسیده باستحضار آن جناب میرساند :

۱ - آنچه در مجلد ثانی " محاضرات " در
شرح حال احمد و نزول لوح مبارک بافتخار او مذکور
است نقل از جزوه تاریخ محفل روحانی عشق آباد
است البته در نوشته مؤلف نمیتوان دخل و تصرف

کرد ولی بقرینه میتوان استنباط نمود که از عبارت "
آنگاه بقصد تشرف باسلامبول رفتم در آنجا لوح مبارک
" هذه ورقة الفردوس " که بافتخار این عبد نازل شده
بود واصل شد " مقصد نگارنده از اسلامبول خاک
عثمانی یعنی ترکیه است و چنانکه مسلم است لوح
مبارک در ادرنه بافتخار او نازل شده است .

۲ - آنچه بنام " لوح احمد " معروف است دو
لوح است یکی عربی است و دیگری فارسی ، لوح
عربی بافتخار ملا احمد یزدی است و مخاطب لوح
فارسی حاجی میرزا احمد کاشی برادر میرزا جانی و
ذبیح کاشانی ، لوح عربی مشهور و منتشر است لوح
فارسی در مجموعه الواح چاپ مصر در صفحه ۲۱۵ ثبت
است و باین عبارت شروع میشود :
" اینست بدایع نصاب الهی "

۳ - عبارت " اجر مائة شهید " که در لوح
مبارک احمد نازل گشته چنانچه از ترجمه انگلیسی آن
که بوسیله حضرت ولیّ عزیز امرالله بعمل آمده مستفاد
میشود در حق هر کس که بصدق مبین آن لوح مبارک
را تلاوت نماید مقرر است .

۴ - شرح شهادت حاج سلیمان خان همان
است که در God Passes By یعنی لوح قرن بدیع و
تاریخ نبیل نقل گشته . حضرت عبدالبهاء راجع به
تصویری که سائل ارسال داشته او را متوجه این
مطلب میفرمایند که نشانه هائی از شمع آجین که باید
بر سینه و کتف باشد در این تصویر دیده نمیشود
و علیهذا این تصویر خیالی است نه واقعی .

۵ - راجع باسفار مبارک حضرت عبدالبهاء
بغرب تا آنجا که اطلاع حاصل است یگانه سفرنامه

مبارك " بدایع الآثار " جناب زرقانی است که بچاپ رسیده است .

۶ - کلمات مکنونه در اصل شماره ندارد اما دو فقره ای که بآن اشاره گردیده فی الحقیقه یکفقره محسوب است و این از نفس عبارت مفهوم میشود زیرا میفرمایند " آن کلمات این بود :

" ای دوستان رضای خود را بر رضای من اختیار مکنید "

+ ۷ - اما آنچه راجع بصلوة سنوال گردیده فقرات ذیل که از روی خط زین المقرین استنساخ گشته معتبر است :

الف - صلوة کبیر مصدر به " هو المنزل الغفور الرحیم است " .

ب - در قنوت صلوة " بل الی ارادتك التی " وارد گشته .

ج - در سجده صلوة " ای رب اسألك بان تحفظنا " صحیح است .

د - در قعود آخر اصل آیه این است :
" اشهد یا الهی بما شهد به اصفیائك و اعترف بما اعترف به اهل الفردوس الاعلی و الجنة العلیا . . . "

ح - در صلوة صغیر چنین نازل گشته است :
" اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتك و ضعفی و اقتدارك . . . "

۸ - در کلمات فردوسیه اصل بیان مبارك در ورق نهم از فردوس اعلی این است :

" و آن اسبابی است که قادر است بر تبدیل هواء ارض کلها "

۹ - اصل مناجاتی که در اذکار المقرین در

صفحه ۱۲۱ بچاپ رسیده است تا بحال بدست نیامده و ترجمه آن اشاره شده از ترجمه های قدیم است که در جلد ثالث (Tablets of Abdu'lBaha) در صفحه ۵۸۸ بچاپ رسیده است و متأسفانه اظهار نظر در باب تطابق ترجمه با اصل در حال حاضر مقدور نیست و البته هر وقت این مناجات بدست آمد در ترجمه تجدید نظر خواهد شد .

۱۰ - حضرت ورقه مبارکه علیا چنانچه در

God Passes By در صفحه ۱۰۸ مصرح است در ۸۶ سالگی صعود فرمودند .

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم



اخبار و بشارات امریه

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی

اتیوپی :

جوانان بهائی شیفته تبلیغ امر الهی به جمیع طبقات اجتماع :

در عرض ۱۲ ماه گذشته بدنبال مهاجرت نه جوان بهائی به شش نقطه منتخبه ، شش محفل روحانی محلی جدید انتخاب گردیده است . پس از مراجعت اولین گروه نه نفری مذکور ، ۱۵ جوان دیگر داوطلب مهاجرت به شش نقطه قبلی و سایر مناطق مهاجرتی شدند.

یونان :

محفل ملی میزبان پذیرائی روز حقوق بشر سازمان ملل :

بمناسبت روز حقوق بشر سازمان ملل ، در روز هفتم دسامبر ، محفل روحانی ملی میزبانی جلسه ویژه ای را عهده دار شدند ، متجاوز از صد تن در این گردهمایی شرکت نمودند . سفرای اندونزی ، اسرائیل ، لوکزامبورگ ، پاناما و سوئیس ، جمعی از سیاسیون هند ، رومانی ، فدراسیون روسیه ، اسلونیوا ، سوئد و ایالات متحده ، دومقام بلند پایه سازمان ملل ، از اعضاء پارلمان یونان ، هفت نماینده از مؤسسات غیر دولتی و هفده تن از اعضای رسانه های گروهی از جمله مدعوین حاضر بودند . آقای رالف هاگ (Rolf

(Haug عضو محفل روحانی ملی پس از خوش آمد گونی به مهمانان ، در مورد چگونگی ارتباط بین جامعه بین المللی بهائی و سازمان ملل بیاناتی ایراد نمودند نامبرده همچنین مراتب سپاسگزاری محفل ملی را از سازمان ملل به جهت مجهودات این سازمان در احقاق حقوق بهائیان مظلوم ایران اعلام نمودند . خانم کریستین حکیم - سمندری Christine Hakim - Samandari ، رئیس دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین المللی بهائی در پاریس سخنانی در باره مسئله حقوق بشر از دیدگاه دیانت بهائی و فعالیتهای جامعه بین المللی بهائی در راه اشاعه این مهم ایراد کردند .

هندوستان :

افتتاح کرسی مطالعات بهائی در دانشگاه لاکنا

Lucknow

در روز چهاردهم دسامبر ، کرسی مطالعات بهائی دانشگاه لاکنا ، در طی جلسه ای گشایش یافت ، استاندار اترپرادش (Uttar Pradesh) ضمن سخنرانی خود اظهار نمود که این سومین کرسی بهائی پس از اولین کرسی در دانشگاه مریلند (Maryland) و کرسی دوم در دانشگاه ایندور (Indore) می باشد . ایشان با اشاره به آثار امری تحسین بی شائبه خود را از مساعی جامعه بهائی در تشدید اتحاد ملی و استقرار صلح جهانی ابراز داشتند . روزنامه های محلی و ملی با درج مقالات و ایستگاههای رادیو و تلویزیون با پخش برنامه های خبری ، گشایش کرسی مطالعات بهائی را به اطلاع عموم رساندند .

ایالات متحده :

کنفرانس بهائی توسعه اجتماعی و اقتصادی

در امریکای شمالی :

سومین کنفرانس توسعه اجتماعی و اقتصادی

امریکای شمالی در اوولاندو (Orlando) فلوریدا

(Florida) از ۲۱ تا ۲۶ دسامبر با حضور ۸۰۰ تن از

۲۸ مملکت مختلف منعقد گردید . مهمانان افتخاری

این گردهمایی آقای دکتر دیوید روح (David Ruhe)

و آقای دیوید هافمن (Daivid Hofman) اعضاء

سابق بیت العدل اعظم و عالیجناب لویز گوشیکن (

Brazilian Chamber of Luiz Gushiken) عضو

Deputies بودند . نمایندگان محافل روحانی ملی

آلاسکا ، بولیوی ، برزیل ، کانادا ، ژاپن ، مکزیک ،

انگلستان و ایالات متحده نیز در کنفرانس مذکور

شرکت نمودند . عناوینی نظیر سواد آموزی ،

کشاورزی ، محیط زیست ، بهداشت ، موقعیت زنان ،

رهبری مؤثر اخلاقی ، مذهب و کار ، ارتباطات جهانی

، خشونت و استفاده نامطلوب از قدرت ، قانون ،

اخلاقیات و بهره برداری از منابع مورد بحث و تفحص

قرار گرفت .

هندوستان :

متجاوز از یک میلیون نفر در بین ماههای اکتبر

و دسامبر از مشرق الاذکار دهلی دیدن نمودند :

هوای شهر دهلی معمولا از اکتبر تا دسامبر

مطبوع و خوش آیند توریستها می باشد . شاید

بدین دلیل در بین این دوماه حدود ۹۰۰ ، ۰۳۸ ، ۱

تن از مشرق الاذکار هندوستان دیدن کردند . بنا به

یک گزارش عده بازدید کنندگانی که به تحریر و

تفحص می پردازند همواره رو به ازدیاد است . در بین

مهمانان برجسته از وزیر صنایع تایلند ، وزیر امنیت

رومانی ، وزیر تعلیم و تربیت و فرهنگ مجارستان ،

سفیر هندوستان از مکزیک و اوکراین ، عضوی از

پارلمان زیمبابوه (Zimbabwe) و تعداد کثیری از افراد

بلند پایه ارتشی را می توان ذکر نمود .

گانا :

مشروع " نور اتحاد " (Light of Unity) منجر

ب تصدیق ۲۱۶ نفر گردید .

گروه موسیقی " نور اتحاد " از ساحل عاج عازم

گانا گردیدند . محفل روحانی ملی بمنظور استفاده از

قریحه و ذوق هنری این گروه در امر تبلیغ از ایشان

درخواست نمود که به ۱۲ نقطه مهاجرتی بمدت یکماه

مسافرت کنند ، در طی این مدت ۱۶ کنسرت با

حضور حدود ۲۵۰ نفر اجراء گردید و جمعا ۲۱۶ تن

به شرف ایمان فائز شدند .

جمهوری های چک و اسلواک (Czech & Slovak

Republics) کتابخانه علمی دولتی در لایبریک (

Liberec) میزبان نمایشگاه کتب امری " چشمه آب

حیات " نمایشگاهی از کتب جوان ترین مذهب عالم ،

دیانت بهائی " عنوان نمایشگاه کتابی بود که در

کتابخانه علمی دولتی شهر لایبریک در ماه نوامبر برگزار

گردید . این نمایشگاه که به همت بهائیان تشکیل یافت شامل عباراتی منتخب از آثار امری ، عکس های متعدد از بهائیان عالم و کتب مختلف به السن گوناگون بود .

ژاپن :

استفاده از تمثیل واستعاره برای ارتقاء نداء امر : آقای بیژن خادم میثاق ، نوازنده ویلن رهبر Tonkustler Chamber Orchestra و عضو محفل روحانی ملی اتریش با ارکستر خود برای چند هفته به ژاپن مسافرت نمودند . ایشان در شهر هچی اُجی (Hachioji) قطعات مختلفی را بصورت تکنوازی و به همراهی پسر هیجده ساله خود وحید اجراء کردند . هریک از این قطعات که مربوط به یکی از تعلیمات حضرت بهاء الله بود پس از ایراد توضیحی مختصر اجراء می گردید . مستمعین مفتون مهارت کم نظیر آقای خادم میثاق در نواختن ویلون و مجذوب سلیقه خاص ایشان در استفاده از تمثیل و استعاره در توضیح و تشریح لزوم وجود روحانیت در زندگانی افراد گشتند .

تانزانیا :

جوانان بمنظور تبلیغ و تحکیم به جوامع شمال غربی رهسپار شدند .

ده جوان که در دارالسلام دوره آموزشی امری دیده بودند به کاسولو (Kasulu) و شین ین گا (Shinyanga) واقع در شمال غرب کشور فرستاده

شدند . هدف جوان مذکور تبلیغ امر تزئید معلومات جوامع این ناحیه بود . در جریان این اسفار نه محفل روحانی محلی مجددا تشکیل گردید . در هکده می هیندا (Mihinda) ، دو تن از جوانان هر بعد از ظهر بمدت سه هفته کلاسهای مخصوص اطفال دائر نمودند که با حضور ۴۰ کودک در زیر درختی برگزار می شد. بنا به گزارشی " علی رغم عدم وجود تخته سیاه وصندلی ، کودکان شوق وافری در یادگیری نشان داده و از زمین برای نوشتن استفاده می کردند "

پرو :

انجمن بانوان از بهائیان درخواست نمود که بترویج تعلیم بهائی در شهر ایشان پردازند :

انجمن بانوان سن کری ستوبل (San Cristobal) از کارمندان ایستگاه رادیو بهائی دریاچه تیتیکاکا (Lake Titicaca) دعوت بعمل آورد که در روز ۲۰ اکتبر پیام حضرت بهاء الله را بسمع مردم این شهر برسانند . گروه تبلیغ بهائی دو قطعه نمایش دراماتیک در مورد تساوی حقوق و اهمیت وجود امکانات پیشرفت یکسان برای رجال و نسا اجراء نمودند. در خاتمه برنامه ، انجمن بانوان بمنظور آشنائی بیشترمردم با دیانت بهائی ضیافت ناهاری ترتیب دادند.

بنگلادش :

جوان بهائی پرچم اخوت و برابری امر را برافراشت : در ناحیه رنگپور Rangpur واقع در راج شاهی

مجله عذیب

نشریه فصل روحانی ملی بهایان کانادا بزبان فارسی

سالانه ۴ شماره

حق اشتراک: برای کانادا ۴۰ دلار کانادایی

سایر کشورها ۴۰ دلار آمریکایی

نحوه پرداخت: کانادا و آمریکا چک بانکی شخصی
و در سایر کشورها فقط حواله بانکی «اینترنشنال»

آدرس:

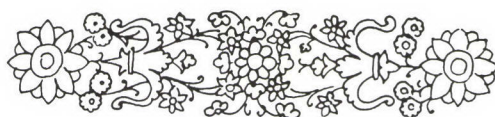
ANDALB
7200 LESLIE STREET.
TORONTO . ON. CANADA L3T 6L8
Fax: (416) 889 - 8184
Tel: (416) 889 - 8168

تقاضا داریم در برگ درخواست اشتراک برای خود یا همسران هدیه
نام و نام خانوادگی و آدرس کامل دریافت کننده مجله را مرقوم فرمایید

Rajshahi قومی بنام پوسچیماس Poschimas سکونت دارند. آنان بزبان مخصوص بخود تکلم می نمایند و نسبت خود را اصلا از شیوا خدای هندو می دانند. (۱) قریب شش ماه پیش جوان بهائی بنام محمد یاسین علی شروع به مسافرت به دهکده های پوسچیماس نمود و پیام اخوت و برابری امر بهائی را بگوش ساکنین این ناحیه رساند. در ابتدا مردم به سخنان او با شک و ظن فراوان گوش دادند. سرانجام شخصی از او خواست تا صدق گفتار خود را در عمل با همسفره شدن با افراد دهکده او باثبات برساند. یاسین با خوشحالی این پیشنهاد را پذیرفت و حتی چند روز در جمع ایشان زندگی نمود. جوان بهائی مذکور با این روش تقریباً در ۱۰۰ دهکده شروع به تبلیغ امر پرداخت که در این بین تمامی ساکنین ۸۸ دهکده بامر بهائی اقبال نمودند.

جزایر مارشال:

نفحه صور مردم را به ظهور جدید فراخواند. دیدار آقای کوین لاک Kevin Locke از ماجورو اتول Majuro Atoll از ۱۶ تا ۲۲ ژانویه بمنزله نفحه صوری بود که مردم را به ظهور جدید آگاه نمود. آقای لاک که سرخ پوست میباشد نمایش سنتی معروف خود موسوم به Hoop Dance را در طی مسافرت خود بدفعات بموقع اجراء گذارد.



اخبار مقصور



جبل کرمل : اعضاء هيئت مشاورين قاره ای در جریان جلسات اخيرشان با بيت العدل اعظم در ارض اقدس ، از طبقات مقام اعلی دیدن نمودند .

وزیر مهاجرت و امور قومی استرالیا ، سناتور نك بولکس (Nick Bolkus) (ردیف جلو ، نفر دوم از سمت راست) در یوم میثاق (۲۶ نوامبر ۱۹۹۵) در جلسه ای که به این منظور در مشرق الاذکار سیدنی منعقد گردید شرکت نمودند. در این عکس ایشان در معیت اعضای محفل روحانی ملی استرالیا دیده میشوند .



دهمین سالگرد تأسیس دانشگاه نور بدنبال برنامه ای در سانتاکروز (Santa Cruz) بولیوی در ژانویه ۱۹۹۶ جشن گرفته شد . دانشگاه نور که از لحاظ بزرگی و توسعه کادر آموزشی دومین دانشگاه خصوصی کشور است ، بر اساس تعلیم بهائی اداره می گردد .

مشروعات جبل کرمل : این عکس که در تاریخ چهارم ژانویه گرفته شده عملیات نرده گذاری بر روی پل خیابان عباس، (Abbas Street) رابط طبقات شماره چهار و پنج قسمت تحتانی مقام اعلی را نشان میدهد .



مشروعات جبل کرمل : این عکس عملیات سیمان ریزی طبقه هشت مرکز مطالعات نصوص و الواح را نشان می دهد ، ورودی پارکینگ اتومبیل ها را در وسط قسمت پائین عکس می توان دید ،

این عکس که در ۵ فوریه ۱۹۹۶ گرفته شده دورنمایی از بعضی از طبقات تحتانی مقام اعلی و جزئیاتی از باغچه بندی خارجی آنها را نشان میدهد .





خانم ماریا مریا دی کیلر (Maria Morea de Keiller) ، مشی
محفل روحانی ملی ، در مجمعی مرکب از نمایندگان ادیان
مختلفه که در ۱۶ نوامبر در سن خوزه (San Jose)
کاستاریکا بمناسبت " روز هم زیستی " گامی اساسی بسوی
صلح تشکیل یافته بود ، سخنرانی نمودند .

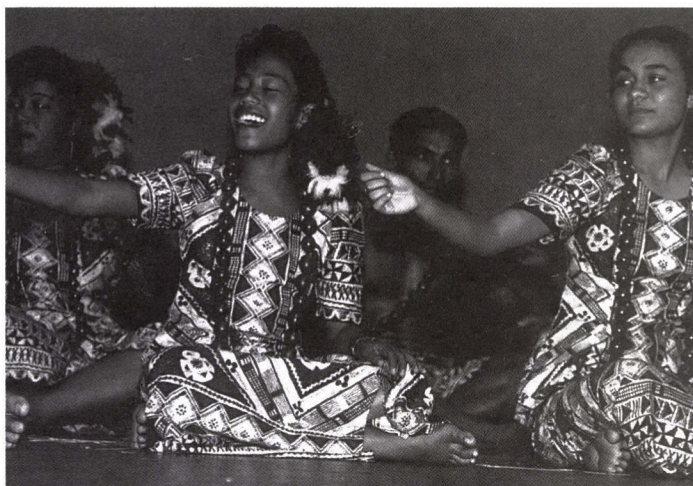
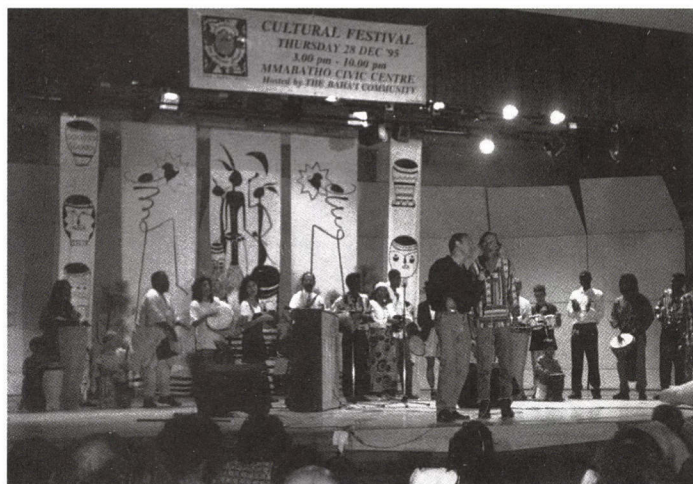


کودکان و جوانان بهانی دنگ (Da Nang) ویتنام در روز ۱۲
نوامبر اجتماع نموده و روز تولد حضرت بهاء الله را جشن
گرفتند .



در ژاپن گروه جوانان بهانی متشکل از " افراد جوان " از
سنین کوناگون است ، این عکس که در مراسم پنجاهمین
سالگرد بمباران اتنی (۹ اگست ۱۹۵۵) شهر ناکازاکی (
Nagasaki) گرفته شده ، جوانان بهانی را در حال اجرای
رقصی بنام " تمنا " نشان میدهد .

در آفریقای جنوبی ، ۱۰۰۰ تن از بهانیان از ۴۰ کشور مختلف در ممبتو (Mmbatho) از ۲۲ تا ۲۹ دسامبر ۱۹۹۵ در یک کنفرانس جوانان تحت عنوان " برانگیختن طبل های آفریقانی " (Awakeing the African Drums) شرکت نمودند . در این عکس دو هنرمند باسامی پریش (Parish) و توپانو (Toppano) در یک فستیوال فرهنگی دیده میشوند .



در نیوزیلند ، ۱۵۰۰ نفر از ۲۶ ملکت در آکلند (Auckland) از ۱۱ تا ۱۴ ژانویه ۱۹۹۶ در کنفرانسی بنام " افقهای پاسیفیک " (Pacific Horizons) حضور یافتند . در اینجا گروهی از ساموا (Samoa) در کنسرت افتتاحیه مشاهده میشوند .

در ماکائو (Macau) یک کودک از مدرسه School of Nations در حال خواندن شعری در مراسم گشایش " نمایشگاه بین المللی کودکان " که در ۲۱ ژانویه منعقد گردید دیده میشود . نمایشگاه مذکور با حمایت دو جانیة جامعه بهانی و دیپارتمان تعلیم و تربیت ماکائو برگزار گردید .



نامه هائی از دوستان

۱ - جناب حشمت الله مشرف زاده
 شرحی در باره سفر پر برکت مهاجر عزیز روح الله
 ثابتی فرد (به ازبکستان) بمنظور تسلیم پیام منیع
 صلح جهانی به ریاست جمهوری آن کشور و سائر
 مقامات مملکتی از روی نوار تسوید و برای درج
 در عندلیب فرستاده اند .

از لطف جناب مشرف زاده متشکریم ،
 ضمناً یادآور میشویم که جناب ثابتی در سنه
 ۱۹۹۴ بدفتر عندلیب تشریف فرما شده و از
 حضورشان استفاده نمودیم و ضمناً شرح این سفر
 پر ثمر را شخصاً نوشته و بدفتر عندلیب تسلیم
 نمودند و در قسمت نامه های خوانندگان مجله
 عندلیب خلاصه آن چاپ شده است .

۲ - جناب دکتر ایرج خدادوست در نامه
 ای دو قطعه شعر از مادر گرانقدر خود خانم
 فروغیه خدا دوست ارسال داشته و توضیح داده اند
 که قطعه اول بعنوان لالائی است که برای اطفال
 خود میخواندند و قطعه دوم دعای سحر - صبح
 نورانی نام دارد که آخرین شعر ایشان است ذیلاً
 از هر دو قطعه چند بیتی درج میگردد .

بخواب فرزند دلبندم - شنو از من تو این پندم -
 به امرحضرت ابهی بشو پیوسته تو ، همدم

لا لا لا لا - لا لا لا لا

ادب باشد شعار ما - بهاءالله نگار ما

تواضع پیشه کن نازم - که این آیدبکار ما

لا لا لا لا - لا لا لا لا

قطعه دوم :

سحر شد چشم بگشودم نظرسوی خدا کردم
 از او رحمت طلب کردم بسوی او دعا کردم
 بسوی او دعا کردم ، دعا کردم دعا کردم
 ز درگاهش دواى درمندان را رجا کردم
 سحرشد چشم بگشودم ، نظرسوی خدا کردم

سرکار خانم فروغیه خدا دوست را بسیاری از
 یاران بواسطه خدمات مستمره اش در تشکیلات
 بهائی می شناسند. ایشان در طهران بعنوان مساعد
 انتخاب شده بودند . یکی از اعضاء هیئت
 تحریریه عندلیب که در لجنه تبلیغ طهران عضویت
 داشته اند بسیار از مکارم اخلاقی آن امه موقنه و
 خادمه امر الهی تعریف و تمجید نمود .

۳ -- سرکار خانم وحیده مقربی قطعه ای خوش
 نویسی از جناب دکتر علی توانگر حاوی دو لوح
 مبارك صادر از كلك گهربار حضرت مولی الوری در
 باره تبریک عید نوروز و بهار ظاهری و بهار معنوی
 برای عندلیب فرستاده اند .

۴ - جناب هوشنگ پزشك زاد شرح حالی کوتاه در
 باره خدمات متصاعده الی الله خانم شهین پزشك زاد
 همراه فتوکپی مرقومه دارالانشاء جلیله معهد اعلی و
 فتوکپی نامه حضرات ایادی عزیز امرالله جناب
 ابوالقاسم فیضی و جناب طراز الله سمندری علیهما
 بهاءالله ابهی را با عکس فرستاده اند ، ذیلا شرح



متصاعده الی الله خانم شهین پزشک زاد

تسکین می‌یابد آن جان پاک در ربیعان شباب در میدان خدمت به عبودیت پیشتاز بود و ثمرات خدمات خالصانه اش در محل مهاجرت جاودان خواهد ماند. معهد اعلی اطمینان دادند که در مقامات مقدسه علیا جهت تسکین و آرامش قلب آن عزیزان غمزده و همچنین ارتقاء روح پاک آن متصاعده الی الله دعا می‌فرمایند .

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

و نیز قسمتی از مرقومه ایادی عزیز امرالله جناب طراز الله سمندری علیه رضوان الله و بهائیه ذیلاً نقل میگردد :

حال را عیناً با قسمتی از مرقومه دارالانشاء معهد اعلی درج و عکس نیز گراوار میگردد .

" دیروز خبر رسید که هنگامیکه نورچشمی شهین پزشکزاد برای تدریس خانهای جوان بهائی در شهر کالی کلمبیا از یکطرف خیابان بسمت دیگر پیاده رو عبور میکرده غفلتاً موتور سیکلت سواری به ایشان برخورد و او را نقش زمین میکند متأسفانه بر اثر خونریزی مغزی فوراً جان را بجانان تسلیم میکند . مشارالیه در این هنگام در سن ۴۸ سالگی بوده است و دارای شوهر و یک فرزند (دختر شانزده ساله) بوده است ، بروز این حادثه شوهر و دختر و کلیه فامیل را داغدار نموده است . اینک باختصار شرح خدمات ۲۵ ساله او را تا آنجا که ما اطلاع داریم باطلاع سائر فامیل و دوستان میرسانیم . شهین در سن ۲۲ سالگی مجرداً از طریق ارض اقدس به افریقا و شهر (کامرون) مهاجرت میکند و در اول سال ۱۹۷۰ وارد کامرون میشود ،

قسمتی از مرقومه دارالانشاء معهد اعلی

مورخه ۲۷ جولای ۱۹۹۴

یاران عزیز روحانی جناب پزشکزاد و قرینه

محترمه علیهما بهاء الله

" . . . مقرر فرمودند مرقوم گردد که هرچند مفارقت جسمانی فرزند دل‌بند بسیار سخت است ، اما با ملاحظه مقامات روحانی مشارالیه در ملکوت ابهی و در جوار رحمت جمال اقدس ابهی قلب

حضرتین مهاجرین نازنین خانم و آقای پزشگزاد

علیهما بهاء الله

الله ابهی ، فدای قلوب محترقه شما ، خبر وحشت
اثر صعود بغتی روح مجسم و جوهر حُب و ولای
اسم اعظم فرزند دلبد شما و محبوب القلوب جمیع
احبابی الهی در هر نقطه از عالم که ایشان را زیارت
کرده و شناخته بودند یعنی امه مقربه و مهاجره
مجاهده و مبلّغه منقطعه حضرت شهین خانم
پزشگزاد علیها رضوان الله نه چنان دهشت و حرقتی
ایجاد نمود که بقلم و بنان وصف آن توان کرد .
زیرا آن روح پاک آنی از توجه بحق و خدمت
بآستانش و تدبیر در ترویج نام و تعالیم مقدسه
اش فارغ نبود در هرکجا که بود بعمل و قول و
جمیع قوی تعالیم مقدسه بهاء را در انتظار جلوه گر
میساخت . . . شعله نار محبت الهی بود و گوهر

تابناک در صدف جامعه پیروان جمال اقدس رحمانی

، به چه فتوحات روحانیه موفق گردید . . .

۵ - جناب هوشنگ گهرریز همکار گرامی عندلیب
در نامه ای شرح مختصری راجع به کانونشن ملی
کشور بلغارستان برای تشکیل پنجمین محفل ملی
مرقوم داشته و توضیح داده که طبق دعوت محفل
مقدس روحانی ملی بلغارستان نمایندگان کانونشن
ملی در ۲۷ و ۲۸ آپریل در حظیره القدس جدید
در شهر صوفیا گرد آمدند تا به انتخاب اعضاء
پنجمین محفل ملی مبادرت نمایند . ضمناً عکسی
از نمایندگان و اعضاء محفل فرستاده‌اند که ذیلاً
چاپ میگردد .

از دوستانی که با عندلیب مکاتبه نموده اند

متشکرم .

با تحیات بهائی - عندلیب



نمایندگان کانونشن ملی در ۲۷ و ۲۸ آپریل در شهر صوفیا



نشسته از چپ براست
جناب سیف رئیس تلگرافخانه ، جناب حسین محبوبی رئیس بانک ملی ،
جناب نامور ، صاحب منصب گمرک ، جناب آقا میرزا سلیمانپور
ایستاده از چپ براست
جناب عزیزالله ساعتچی ، آقای هوشمند

‘ANDALÍB



حضرات ایادی امارتہ علیہم بہار اللہ درجہ و قصبہ